

# چراغ

C H E R A G H



هشتمین  
پیش شماره ماهانه  
آبان ماه ۱۳۸۴

WWW.CHERAGH.PGLO.ORG

## تقدیم به شما

## روزهای دشوار زندگی

### به بالندگی ما یاری می رسانند

به لحظاتی بر می خوریم که عاجز از بیان  
دشواری آن ها هستیم.  
ولی بی تردید دیر یا زود با آن ها رو به رو  
میشویم.  
برخی دشواری ها زندگی مان را یکسر دگرگون  
می سازند ،  
و برخی تا زمانی ما را دستخوش تغییر می کنند  
گروهی از ما در ژرفای وجود به دنبال پاسخ هایی  
می گردیم  
شاید آن ها را بیابیم و یا نومیذ باز گردیم  
اما در آن تلاش در می یابیم که مشکلات پیش  
رویمان رنگ می بازند  
و می پذیریم...  
هر آن چه را که از سر گذرانده ایم  
و هر آن چه را که برایش رنج را تجربه کرده ایم.

CHERAGH MAGAZINE  
Cultural – Social

نشریه ی فرهنگی اجتماعی چراغ  
صاحب امتیاز : سازمان PGLO

Sponsor: PGLO

سرمدبیر : پیام شیرازی

Editor: Payam SHIRAZI

ویراستار: نیما

Editor: Nima

طراح روی جلد: امیر حسین

Cover Designer: Amir Hosein

هشتمین پیش شماره: آبان ماه 84

8th Pre-Issue: November 2005

Web Site:

[www.cheragh.pglo.org](http://www.cheragh.pglo.org)

آدرس وب سایت :

E-mail:

[editor@pglo.org](mailto:editor@pglo.org)

پست الکترونیکی :

استفاده از مطالب این نشریه با ذکر منبع آزاد است

2	پیام سردبیر
3	همجنس گرایی در دیگر کشورها
3	همجنس گرایی در گذر ادبیات فارسی
5	همجنسگرایان ایرانی، قربانیان از دست رفته
5	نمونه ای از احکام صادره دادگاه
8	جامعه و همجنسگرایان
9	مصاحبه در پارک دانشجو
11	همجنسگرایی از منظر ادیان
13	سیری در روند پناهندگی در ترکیه
15	برعلیه خشونت و یا همراه با خشونت
16	اتاق های گفتمان
16	در باب عمل تغییر جنسیت
17	قلبم از شادی در پوست خود نمی گنجد
18	معضلات نرمالیزه کردن
21	طنز - اندر فواید نام محمد داشتن
22	همجنسگرایی واقعی چه کسی است
23	از کنارم مرو
24	سبزه خط برای زندگی بهتر
26	شکجه همجنسگرایان در ایران
29	اولین جشنواره همجنسگرایان ایرانی
30	خودسوزی یا قتل
31	مشکلات امروزی همجنسگرایان در ایران
32	دوجنسگرایان، زخم خوردگان جامعه
34	اسکار واپلد
36	متن طومار حمایت از همجنسگرایان
37	همجنسگرایی از تابو تا پذیرش
39	ازدواج همجنسگرایی در پاکستان
40	میتلایان به یزد در ایران
40	عشق و شیخ اشراق
41	بیماری های مقاربتی
43	فراخوان برای حمایت از همجنسگرایان
44	دیده بان حقوق بشر
44	تازه های خواندنی
49	نمایندگان سازمان
49	کانون خبرنگاران و نویسندگان
50	تغییر نام سازمان، نظر شما چیست؟
50	جلسات هفتگی
50	دوست یابی
51	خبرگزاری همجنسگرایان ایرانی
51	دلبری
52	شما با پیام و پیام با شما
54	تماس با ما

## پیام سردبیر

### پیام شیرازی



**اگر به خانه ی من آمدی، برای من  
ای مهربان چراغ بیاور و یک درچه  
که از آن به ازدحام کوچه ی خوشبخت بنگرم**

فروغ فرخزاد



**بیاید چراغ باشیم و تاریکی ها  
را نوری برای روشنایی**

**بیاید روشن سازیم تاریکی های  
اطرافمان را تا دیگران نیز ما را ببینند**

مدتی پیش برای انجام کاری به بانک رفته بودم کودکی یک ساله را دیدم که در آغوش پدرش نشسته بود و از دور با ناز آمدنش دل همه را آب می کرد. این فکر در ذهنم روشن شد که کودکان چقدر دوست داشتنی هستند. از زمانی که به دنیا می آیند ذوق و شوق را به ارمان می آورند، کعبه ی آمال می شوند و گویی هر چه قدر بیشتر می گذرد بزرگتر شده و بر شیرینی حرکاتشان افزوده می شود. این کودک است که جمع دو نفری را به خانواده ای محکم تبدیل می کند، حرفشان حق است و رفتارشان دل نشین!

امروزه کسی موقع تولد به پسر و یا دختر بودن توجه خاصی ندارد همان پسرک می تواند گی یا آن دخترک می تواند لرزین باشد. حتی این کوچولویی که از دور دستش را برای من دراز می کند تا با انگشتان کوچکش گرمای دستم را لمس کند شاید چند سال دیگر به فکر تغییر جنسیتش بیفتد. اما به محض این اتفاق او دیگر این کودک معصوم و دوست داشتنی نخواهد بود. دیگر کسی با دیدن اولین قطره ی اشکش بغض در گلویش نخواهد پیچید! دیگر برای سلامتی اش خواهری دل نخواهد سوزانید، آغوش مادری ساکت کننده ی دردش نخواهد بود، دیگر برادر از برادر خواندنش شرم می کند و پدر او را شریک میراثش نمی داند، دیگر کسی مرهم گذار جای شلاقش نخواهد بود یا جلوگیری از اعدامش جسارت به خرج نمی دهد.

او اکنون نه تنها کودک دوست داشتنی دیروز نیست که اصلاً انسان نیست!

او موجودی خواهد شد عجیب و غریب که کمترین مجازاتش تحمل داروهای روان پریش است و دوری از کلام های آتشین. اما روزی خواهد آمد که دیگر داری برای اعدام آبیاری نخواهد شد، دستی شلاق برنخواهد گرفت و نگاهی غریب نخواهد بود. آن روز چندان دیر نیست.

هنگام بازیافتن معصومیت کودکی گذشته مان دور نیست او همت ما را می خواهد و پشت در به انتظارمان نشسته است.



## همجنس گرایی در دیگر کشورها امین - کانادا

### امارات متحده عربی



در کشور امارات متحده عربی وضعیت کمی فرق می کند. در آن جا یک حکومت مرکزی فدرال وجود دارد و هفت ایالت از جمله دبی، ابوظیبی، راس الخیمه و شارجه وجود دارد.

روابط همجنسگرایی برای زنان و مردان غیر قانونی است. مطابق قوانین فدرال مصوب 1987 تمام ایالات امارات اجازه بررسی جرائم و اجرای حکم را دارند. هم چنین در اکثر ایالت ها دادگاه های شریعت برپا است. یک همجنسگرا در صورت بازداشت به دادگاه ایالت برده می شود و در صورت اعتراض به دادگاه فدرال مراجعه خواهد نمود.

مطابق ماده 354 قانون مجازات اسلامی فدرال "هرکس که اقدام به تجاوز به یک زن و یا لواط با یک مرد کند به مجازات اعدام محکوم شود". با توجه به ماده 80 قانون مجازات اسلامی ایالت ابوظیبی مجازات همجنسگرایان مرد دست کم چهارده سال زندان می باشد هم چنین ماده 177 قانون مجازات اسلامی ایالت دبی دست کم 10 سال زندان در نظر گرفته شده است.

بیشتر امیران امارات متحده عربی سنی و از مذهب مالکی هستند که مطابق آن زنانی محسنه (زن شوهردار) و غیر محسنه و لواط مجازات سنگسار دارد. دولت امارات اینترنت و ارتباطات را تحت سانسور و کنترل دارد. از نظر قانون فقط دست یابی به سایت های عکس و فیلم سکسی ممنوع است اما عملاً سایت های غیر سکسی همجنسگرایان مثل "جامعه همجنسگرایان عرب" نیز در پشت خط سانسور قرار می گیرد.

به دلیل مهاجرت زنان و مردان زیادی از کشورهای هند، پاکستان، تایلند، آفریقا و توریستی بودن امارات قوانین بهداشتی سختی به خصوص برای ایدز اجرا می شود. اما با وجود سختی قوانین امارات در بارها و دیسکوها محل هایی برای همجنسگرایان وجود دارد اما جنبه غیر رسمی دارد. متأسفانه همجنسگرایی در امارات حالت تجارت به خود گرفته است که نگرانی امیران و مسئولین دولت فدرال را برانگیخته است.

## همجنس گرایی در گذر ادبیات فارسی

دکتر سیروس شمیسا

### نظریاتی

نظریاتی معاشقه ی چشمی است و نوعی از آن به اصطلاح امروز "غر زدن" معشوق با نگاه و ایما و اشارات چشم و ابروست که در میان اعیان و اشراف ترک و رجال درباری مرسوم بوده است. ترکان به هیچ وجه در مقابل معشوق مذکر زیبا، تاب خودداری نداشتند و حتی در حضور شاه چنین وقایعی اتفاق می افتاده و باعث رنجش و کدورت می شده و به اصطلاح امروز به رگ غیرت عاشق بر می خورده است. در چنین فضایی طبیعی است که شاعران درباری آن سان بی پروا از بچه بازی سخن گفته باشند، امری که امروزه باعث حیرت خواننده ی به فرهنگ و ادب قدیم می شود، به ذکر دو نمونه بسنده می کنیم. در ضمن از این حکایات معلوم می شود که شاهان اجازه نمی دادند که کسی به امرد ایشان مشغول شود و در این زمینه سخت گیر بودند. بعدها خواهیم گفت که فرخی سیستانی هم ظاهراً از این باب مدتی مغضوب بوده است.

### داستان امیر یوسف و طغرل کافر نعمت

امیر یوسف برادر سلطان محمود بود، روزی در مهمانی شاه چشمش به یکی از غلامان برادر موسوم به طغرل افتاد و سخت عاشق او شد. سلطان محمود که متوجه نظریاتی برادر شده بود رنجید سرانجام طغرل را به برادر بخشید. امیر یوسف به حدی خوشحال شد که به همه هدیه و صدقه داد و طغرل را حاجب خود کرد، بعد برای او زن گرفت و مجلس عروسی مفصلی ترتیب داد. از شگفتی های روزگار این که وقتی سلطان مسعود بعد از مرگ پدر به سلطنت رسید همین طغرل را جاسوس عمویش - امیر یوسف - کرد به نحوی که طغرل سرانجام باعث گرفتاری مخدوم خود شد و امیر یوسف به حبس افتاد. در تاریخ بیهقی می نویسد:

"و یوسف چه دانست که دل و جگر معشوقش بروی مشرف اند" (ص 400) " (امیر یوسف) طغرل را گفت شاد باش ای کافرنعمت، از بهر این تو را پروردم و از فرزند عزیزتر داشتم تا بر من چنین ساختی" (ص 402) از این عبارات و اسناد متعدد دیگر معلوم می شود که عاشق نسبت به معشوق جنبه ی پدری داشت و در تربیت او چون فرزندش عمل می کرد. لغت اتابک که

بعدها در تاریخ ایران زیاد تکرار می شود در ترکی به معنی پدربزرگ است. اتابکان در واقع لله ی شاهزادگان ترک بودند و از این طریق قدرت بسیار داشتند. فرخی هم معشوق خود را پسر و خود را پدر خوانده است. (و ضمنا این ابیات حسادت معشوق را هم نشان می دهد):

ای پسر هیچ ندانم که چگونه پسری

هر زمان با پدر خویش به خوی دگری

با چنین خو که تو داری پسر، گر به مثل

صبر ایوب مرا بودی گشتی سپری

تنگدل گردی چون من سوی تو کم نگرم

ور سوی تو نگرم تو به دگر سو نگری

بوسه ندهی و نخواهی که کسم بوسه دهد

پس تو ای جان پدر رنج و عنای پدری

گر نخواهی که مرا بوسه دهد جز تو کسی

تو مکن نیز گه بوسه چنین حيله گری

من به پروردن تو رنج بدان روی برم

که تو در جستن کام دل من رنج بری

این که عاشق حکم پدر و مربی معشوق را دارد از موتیف های این گونه اشعار است و چنان چه قبلا ملاحظه شد ریشه در افکار سقراط و افلاطون دارد.

ای دل و جان پدر ز را آن جا یله کن

اسب تازان کن و باز آک نزدیک پدر

این موتیف در اشعار ایرج میرزا آخرین شاعر بزرگ این جریان شعری هم دیده می شود و در اشاره ایهامی به این موضوع است که یک جا به طنز می گوید:

تا نکوید ترا با پسر غیر چه کار

مادرش را به زنی گیرم و گردم پدرش

اما داستان عاشق شدن امیر یوسف به طغرل به روایت بیهقی مورخ بزرگ سده پنجم هجری قمری به شرح زیر خواندنی است:

"این غلامی بود که از میان هزار غلام چنو بیرون نیاید به دیدار (= چهره) و قد و رنگ و ظرافت و لیاقت ... امیر (= سلطان محمود) این طغرل را بیسندید و در جمله ی هفت و هشت غلام که ساقیان او بودند پس از ایاز بداشت... یک روز چنان افتاد که امیر به باغ فیروزی شراب می خورد بر گل و صد چندان گل صد برگ ریخته بودند که حد و اندازه نبود و این ساقیان ماه رویان عالم به نوبت دودگان دودگان می آمدند. این طغرل درآمد

قبای لعل پوشیده و یار وی قبای فیروزه یی داشت و به ساقی گری مشغول شدند هر دو ماهروی. طغرل شرابی رنگین به دست بایستاد و امیر یوسف را شراب دریافتی بود. چشمش بروی بماند و عاشق شد و هرچند کوشید و خوبستن را فراهم کرد چشم از وی برنتوانست داشت و امیر محمود دزدیده می نگریست و شیفتگی و بیهوشی برادرش می دید و تغافل می زد تا آن که ساعتی بگذشت. پس گفت ای برادر تو از پدر کودک ماندی و گفته بود پر به وقت مرگ... که مرا دل به یوسف مشغول است، وی را به تو سپردم ... و ما تا این غایت دانی که براستای تو چند نیکویی فرموده ای و پنداشتیم که با ادب برآمده ای و نیستی چنان که ما پنداشتیم. در مجلس شراب در غلامان ما چرا نگاه می کنی؟ تو را خوش آید که هیچ کس در مجلس شراب در غلامان تو نگردد؟ و چشمت از دیر باز بر این طغرل بمانده است و اگر حرمت روان پدرم نبود تو را مالشی سخت تمام برسیدی، این یک بار عفو کردم و این غلام را به تو بخشیدم که ما را چنو بسیار است"

#### داستان ابونعیم و نوشگین

ابونعیم ندیم سلطان مسعود بود، به نوشگین غلام محبوب سلطان مسعود نظر داشت و به این جرم مصادره ی اموال شد. بیهقی می نویسد: "غلامی که او را نوشگین نوبتی گفتندی، از آن غلامان که امیر محمود آورده بود ... غلامی چون صد هزار نگار که زیباتر و مقبول صورت تر از وی آدمی ندیده بودند و امیر محمود فرموده بود تا او را در جمله ی غلامان خاصه تر بداشته بودند که کودک بود و در دل کرده که او را بر روی ایاز برکشید که زیادت از دیدار، جلفی و بدآرامی داشت... و چون محمود فرمان یافت، فرزندش محمد این نوشتگین را بر کشید بدان وقت که به غزنه آمد و بر تخت نشست و وی را چاشنی گرفتن و ساقی گری کردن فرمود و بی اندازه مال داد. چون روزگار ملک، او را به سر آمد، برادرش سلطان مسعود این نوشتگین را بر کشید...

چنان افتاد از قضا که ابونعیم ندیم مگر به حدیث این ترک دل به باد داده بود و در مجلس شراب سوی او دزدیده بسیار نگریستی و این پادشاه (= سلطان مسعود) آن می دیده بود و دل در آن بسته. این روز چنان افتاد که بو نعیم شراب سرانه در سر داشت و امیر هم چنان

## همجنس‌گرایان ایرانی، قربانیان از یاد رفته

### وب لاگ من و مهاجرت

بر اساس آمار اعلام شده کشور آلمان، هر ساله هزاران مهاجر ایرانی در آلمان متقاضی پناهندگی می شوند. از آن میان می توان به اقلیتهای سیاسی، اقلیتهای مذهبی و اقلیتهای جنسی اشاره نمود. وضعیت اقلیتهای جنسی (همجنس‌گرایان) به مراتب مظلومانه تر و دردبارتر است.

زیرا انتخاب مذهب و گرایش سیاسی امریست اختیاری، اما پیدایش گرایش جنسی در انسان امری تعقلی و دلخواه نیست.

بنا بر تحقیقات علمی به عمل آمده (همجنس‌گرایی که تا اوایل دهه 70 میلادی گمان می رفت جزو بیماری‌ها و اختلالات جنسیست)، اصولا نه بیماریست نه اختلال روانی. این نکته توسط دانشمندان امور جنسی به



اثبات رسیده و سالهاست که از لیست بیماری‌ها و اختلالات روانی حذف گردیده است .

حقوق همجنس‌گرایان در کشورهای دموکراتیک جهان (ژاپن، آمریکا، سراسر اروپا، استرالیا و کانادا) به رسمیت شناخته شده است و آنان از حقوق شهروندی یکسانی هم چون دیگر شهروندان جامعه برخوردار هستند.

همجنس‌گرایی یعنی «رابطه عشقی، احساسی، عاطفی و جنسی دو انسان همجنس (چه مرد و چه زن) با یکدیگر.» به همان میزان که امکان تغییر گرایش جنسی برای یک دگرجنس‌گرا (heterosexual) وجود دارد، امکان تغییر گرایش همجنس‌گرایانه در یک همجنس‌گرا (homosexual) وجود دارد. همان طور که یک دگرجنس‌گرا، تمایل و نیاز جنسی را در خود کشف می کند و راه‌های ارضا آن را می یابد، یک همجنس‌گرا نیز تمایل همجنس‌گرایانه اش را می شناسد.

دسته ای شب بوی و سوسن آزاد نوشتگین را داد و گفت: بو نعیم را ده. نوشتگین آن را به بونعیم داد. بونعیم انگشت را بر دست نوشتگین فشرد. نوشتگین گفت: این چه بی ادبی است، انگشت تا حفاظی بر دست غلامان سلطان فشردن؟ و امیر از آن سخن در تاب شد ... بونعیم را گفت به غلامبارگی پیش ما آمده ای؟! جواب زفت باز داد، و سخت گستاخ بود که خداوند از من چنین چیزها کی دیده بود؟ اگر از بنده سیر شده است بهانه ای توان ساخت شیرین تر از این. امیر سخت در خشم شد، بفرمود تا پای بونعیم گرفتند و بکشیدند و به حجره بازداشتند و اقبال (اسم مهتر خادم) را گفت: هرچه این سگ ناحفاظ را هست - صامت و ناطق - همه به نوشتگین بخشیدم. و کسان رفتند و سرایش فروگرفتند و همه نعمت هاش موقوف کردند و اقبال نماز دیگر این روز به دیوان ما آمد با نوشتگین و نامه‌ها ستند و منشوری طوقه ای تا جمله‌ی اسباب و ضیاع او را به سیستان و جاهای دیگر فرو گیرند و به کسان نوشتگین سپارند."

چنان که ملاحظه می شود ابو نعیم از بابت نظریاتی خود بهایی سنگین پرداخت، شاه بعدها او را بخشید اما گاه‌گاهی این جسارت او را یادآوری می کرد: "شفاعت کردند تا امیر خوشنود شد و فرمود تا وی را از قلعه به خانه باز بردند. و پس از آن بخواندش و خلعت داد و بنواختش و ضیاعش باز داد ... و گاه از گاهی شنودم که امیر در شراب بو نعیم را گفتی: سوی نوشتگین نگری؟ و وی جواب دادی که از آن یک نگرستن بس نیک نیامدم تا دیگر نگرم و امیر بخندیدی..."

(این مطالب ادامه پیدا خواهد کرد)

### دوست عزیز جناب آقای جهانگیر شیرازی

بدینوسیله از اشتباه چاپی نام مقاله شما در پیش شماره هفتم چراغ پوزش می خواهیم. بهترین‌ها را برای شما نویسندگان عزیز خواستاریم و در انتظار مطالب جدید شما هستیم

## نمونه ای از احکام صادره دادگاه برای همجنسگرایان

### آرشام پارسی - دبیر کمیسیون حقوق بشر



شهریورماه سال 82 یادآور خاطره ی تلخ شروع دستگیری های مداوم و فراگیر همجنسگرایان در ایران است. دستگیری هایی که از شیراز شروع شد و اصفهان، تهران،

مشهد، زنجان و چند شهر دیگر ایران را دستخوش خود نمود. اخبار این دستگیری ها در روزنامه های محلی و سایت های خبری و برخی وب لاگ ها و سایت های همجنسگرایان منتشر شد.

این اخبار و حوادث شاید در سطح گسترده ای مطرح نگردید اما توجه برخی از مراکز حقوقی را به خود جلب نمود. دستگیری های همجنسگرایان در کافی نت های زنجان و مشهد، دستگیری های همجنسگرایان در میهمانی و گردهمایی ها در شیراز و تهران و شناسایی در اینترنت و دستگیری در محل قرار در سرتاسر کشور پی آمد حادثه ای بود که نه صدایی داشت و نه حامی و ناجی برای آن پیدا شد.

در آن زمان کسی صدای آزادی خواهی ما را نشنید و اگر هم شنید آن را کم اهمیت و پر دردر دانست و در نتیجه هیچ واکنشی نشان داده نشد. گزارش هایی از این اخبار دریافت می شد و اقداماتی در حد توان پتانسیل های انفرادی و کوچک انجام شد اما در جهت رفع مشکلات و حل نمودن این گونه درگیری ها قدمی برداشته نشد.

اینان به هر بهانه ای و در هر مکانی دستگیر و بازداشت و محکوم شدند. به چه جرمی؟ آیا هر میهمانی دوستانه ای که همجنسگرایان برگزار کنند دلیلی بر مجالس فساد و فحشا می باشد؟ آیا وجود هر وسیله در منزل میزبان دلیل بر استفاده میهمانان است؟ آیا با توجه به شرایط حضور میهمانان تنها چهار نفر جرم آنها مشخص گردید و مابقی به اثبات نرسید؟ آیا پرداخت پول به فتوای آیت الله خمینی جرمه و سزای مجرم هست و این شخص مجرم نام با پرداخت آن تادیب می گردید؟ و هزاران چرای دیگری که در لابلای این احکام وجود دارد که نشان از بی عدالتی و نقض حقوق انسانی است.

به دلیل فقر فرهنگی و پایین بودن شعور و سواد اجتماعی در کشورهای جهان سوم و فرهنگهای مرد سالار، همجنس گرایی، معادل بچه بازی و تجاوز به کودکان دانسته می شود.

همجنس گرایی یک نیاز طبیعی و جنسی بخش وسیعی از انسانهای اجتماع است (اعم از مرد و زن) و حاکمیت بر تن و روان، نیاز و عاطفه فردی، حق مسلم هر انسانی است. «نادیده گرفتن حقوق اقلیت ها از جمله همجنس گرایان و کاربرد خشونت بر علیه آنان یکی از سنتها و نکبت های زشت فرهنگی ماست. نمی توان از اهمیت نفی خشونت در فرهنگ ایرانی سخن گفت اما خشونت بر علیه همجنس گرایان را مسکوت گذاشت.»

در قوانین ایران مجازات همجنس گرایی مرگ است و نوع مرگ را قاضی تعیین می کند(ماده ۱۴۱). جدا از برخوردهایی که قانون با همجنس گرایان می کند، همجنسگرایان در ایران توسط پدر، مادر، خواهر، برادر و دوستان و نزدیکان مورد تحقیر، سرزنش و سرکوب واقع می شوند. همجنسگرایان در ایران برای ادامه حیات و زنده ماندن، چاره ای جز پنهان کاری، تظاهر و دروغگویی و سرکوب خویش نمی یابند. بسیاری از آنان به انزوا و تنهایی کشیده می شوند. همجنس گرایان ایرانی مهاجر در آلمان سالها تحت درمان روانشناس قرار می گیرند، تا خود و نیازشان را به رسمیت بشناسند و تاثیر تحقیر و سرکوب روانی که بر آنها رفته از ذهنشان قدری زوده شود. کدام همجنس گرای ایرانی است که اقدام به خودکشی را تجربه نکرده باشد؟ کدام همجنس گرای ایرانیست که در تجربه زبانی هر روز، طعم تلخ تحقیر هویتش را نچشیده باشد؟ (لواط کار، بچه باز، همجنس باز، کونی، اُبنه ای، خیشتیکی، اوآخواهر، نَرموک، آمرد، مخنث و ...)

آنچه همجنس گرایان ایرانی را به ترک سرزمینشان وامی دارد، نه قانون، دین و حکومت، بل پیش از هر چیز فرهنگ و نگاه ایرانی و از آن میان تک تک ما ایرانیان به همجنسگرایی است.

## "رای دادگاه"

در خصوص اتهام آقای س. ب. 35 ساله دایر بر تهیه و نگهداری سی دی و فیلم و نوار کاست مبتذل و مستهجن و نگهداری و خرید مشروبات الکلی و آلت قمار (پاسور) و تهیه و نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره و برپا نمودن جلسه ی فساد و تشویق جوانان به فساد و فحشا و جریحه دار نمودن عفت عمومی با توجه به محتویات پرونده و گزارش امت حزب الله و تحقیقات مامورین و حضور بیش از 25 نفر از جوانان مجرد و دستگیری آن ها در زمان برگزاری جلسه و در حال رقص بودن تعدادی از آن ها و وجود مشروبات الکلی سر میز پذیرایی در زمان دستگیری متهمین و شنیده شدن صدای موسیقی از بیرون از منزل بر حسب گزارش مامورین و کشف سی دی و نوار و فیلم مبتذل و مستهجن و آلت تناسلی مردانه ی مصنوعی و سایر وسایل فوق الذکر و نظریه کارشناس اداره ارشاد اسلامی و اقرار صریح متهم و اظهارات بقیه ی متهمین و سایر قرائن و امارات بزه انتسابی به وی محرز و مسلم است لذا دادگاه مستندا به مواد 702 و 640 و 25 و 639 بند ب قانون مجازات اسلامی و مواد 3 و 9 و تبصره ذیل آن از قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره نامبرده را به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی از جهت نگهداری آنتن ماهواره و یک میلیون ریال از جهت نگهداری آلت قمار و شش میلیون ریال از جهت نگهداری سی دی و فیلم و نوار مبتذل و مستهجن جمعا ده میلیون ریال به عنوان جزای نقدی در حق صندوق دولت و تحمل 74 ضربه شلاق از جهت نگهداری مشروبات الکلی و دو سال حبس از جهت برپایی جلسه ی فساد و تشویق جوانان به فساد و جریحه دار نمودن عفت عمومی محکوم می نماید. النهایه با توجه به وضع خاص متهم اجرایی 20 ماه از مدت محکومیت به حبس مزبور به مدت 5 سال تعلیق می گردد تا در صورت ارتکاب مجدد بزه مزبور یا هر یک از جرائم مستوجب مجازات مندرج در ماده 25 قانون مجازات اسلامی اجرا گردد. ما بقی مجازات های مذکور پس از قطعیت حکم قابل اجرا می باشد و در خصوص اتهام دیگر متهمان فوق ذکر دایر بر شرب خمر با توجه به انکار و دفاعیات نامبرده به لحاظ فقد ادله کافی و عدم احراز وقوح بزه حکم به برائت مشارع الیه صادر و

گرایش جنسی یک امر کاملا خصوصی است و هیچ قانون منطبق بر موازین حقوقی اجازه مداخله در آن را نداده است اما متاسفانه به دلیل این گرایش و به دلیل شرکت این افراد در آن میهمانی و تغییر معنی نام آن به مجلس فساد و فحشا احکام را صادر می نمایند. زمانی که نیروهای مخفی وارد شبکه اینترنت شده و در اتاق ها و سایت های همجنسگرایان نفوذ کرده و با ایجاد رابطه دوستی و تعیین قرار ملاقاتی اقدام به دستگیری می نمایند و متن نوشتاری اینترنتی آنان را اسناد محکومیت می نامند چه جایی برای دفاع از حقوق می ماند.

باید کمر همت بست و با تمام این کج فکری ها و ظلم و ستم ها پایان داد. باید از حقوق خود دفاع کنیم. در زیر ما نمونه ای از احکام صادره را جهت اطلاع منتشر می نماییم اما لازم به توضیح است که در جهت حفظ هویت متهم های این حکم برخی از قسمت ها را حذف نموده ایم.

**تاریخ رسیدگی:** سال 1382

**مرجع رسیدگی:** شعبه 16 دادگاه عمومی شیراز

**شاکلی:** ستاد امر به معروف و نهی از منکر

**متهم: 1- س.ب.** 35 ساله **2- ر.پ.** 24 ساله **3- ع.ه.** 28 ساله **4- م.ک.** 21 ساله **5- م.پ.** 22 ساله **6- الف.و.** 21 ساله

**اتهام:** ردیف اول تهیه و نگهداری سی دی و فیلم و نوار کاست مبتذل و مستهجن و نگهداری و خرید مشروبات الکلی و آلت قمار (پاسور) و تهیه و نگهداری تجهیزات گیرنده از ماهواره و آلت تناسلی مردانه مصنوعی و برپا نمودن جلسه فساد و تشویق جوانان به فساد و فحشا و جریحه دار نمودن عفت عمومی و ردیف دوم الی ششم شرکت در جلسه ی فساد.

**گردشکار:** پس از وصول گزارش و ثبت آن و تحقیق از شاکلی و متهم سرانجام به وقت فوق العاده مقرر جلسه رسیدگی شعبه شانزده دادگاه عمومی شیراز تشکیل دادگاه با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید.



## جامعه و همجنسگرایان

### پدرام پارسا - دبیر امور اجتماعی سازمان



جامعه ایران از آن جوامعی است که با همه مشکلات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی مردمی دارد که خیلی راحت می توان در

دلشان رخنه کرد. موجودیت خود را به عنوان همجنسگرا برایشان ثابت کرد، فکر می کنم همه ما تجربه بیان احساسمان را به فردی غیر همجنسگرا را داشته ایم. پس از مدتی دوستی و ایجاد اعتماد خیلی راحت می توانستیم احساسمان را با افراد غیر همجنسگرا بیان کنیم و آنها هم به راحتی پذیرفتند. البته این پذیرش به دلیل خصوصیات منحصر به فرد ما همجنسگرایان است که به دلایلی خیلی راحت می توانیم در دل دوستانمان جایی باز کنیم.

در جوامع مدرن که فردیت حرف اول را می زند جنبش های رهایی بخش و حقوق همجنسگرایی تلاش نمی کنند که خودشان را به عنوان فردی قابل اعتماد یا احساسی نشان دهند آنها تنها در تلاش هستند که وجودشان را به عنوان انسانی فردیت گرا حقوق اجتماعی خود را دریافت کنند. ما در ایران هنوز پایبند گروه های اجتماعی هستیم و فردیت هنوز به شکل کامل آن در ایران جا نیفتاده است البته منظور این نیست که فردیت را حمایت کنیم یا رد کنیم اما مهم این است که پذیرش فردیت افراد به ما کمک می کند همه انسان ها را به واسطه انسان بودنشان احترام گذاریم، سوای اعتقاد، نژاد، دین، ملیت و جنسیت. در جامعه ایران اولین مشکلی که همجنسگرایان با آن روبرو هستند فشار گروه های اجتماعی برای ازدواج می باشد شما برای استخدام در بسیاری از سازمان ها باید متاهل باشید اگر بخواهید خانه اجاره کنید چون مجرد هستید مشکل دارید در بسیاری از مهمانی ها و نشست های خانوادگی به عنوان غریبه نگریسته می شوید. برای مهاجرت به کانادا اگر ازدواج کرده باشید امتیاز بیشتری برای سفر دارید. در خانواده زمانی که همسر داشته باشید بهتر و با دید بالغ شدن

اعلام می گردد و در خصوص اتهام آقایان ر.پ. 24 ساله دایر بر شرب خمر، شرکت در جلسه فساد، ع.ه. 28 ساله دایر بر شرکت در جلسه فساد و شرب خمر، م.ک. 21 ساله دایر بر شرب خمر و شرکت در جلسه فساد، م.پ. 22 ساله دایر بر شرکت در جلسه فساد و شرب خمر، الف. و. 21 ساله دایر بر شرکت در جلسه فساد و شرب خمر با توجه به محتویات پرونده و اظهارات متهمین نسبت به حضور خود در جلسه و انکار آن ها نسبت به شرب خمر و سایر قرائن و امارات بزه شرکت در جلسه فساد ارتکاب فعل حرام محرز و مسلم است لذا دادگاه مستندا به فتوای حضرت امام (ره) در تحریرالوسیله جلد دوم صفحه 477 الخامس ... هر یک از متهمین مزبور را به پرداخت یک میلیون جزای نقدی بدل از حبس در حق دولت محکوم می نماید. و در خصوص اتهام آقایان ک. الف 23 ساله، ف. ع. 27 ساله، د. ن. 19 ساله، م. خ. 19 ساله، م. ح. 22 ساله، ع. پ. 23 ساله، خ. س. 22 ساله، م. ح. 22 ساله، الف. ف. 31 ساله، ا. س. 23 ساله، ر. ص. 20 ساله، م. س. 22 ساله، ع. ر. 23 ساله، ف. ت. 22 ساله، م. ض. 20 ساله، ع. ت. 22 ساله دایر بر شرب خمر و شرکت در جلسه فساد و ارتکاب فعل حرام و هم چنین اتهام متهمین ردیف اول تا پنجم دایر بر شرب خمر با توجه انکار و دفاعیات متهمین به لحاظ فقد ادله کافی و عدم احراز وقوع بزه و سو نیت آن ها و با تمسک به اصل برائت حکم به برائت آن ها صادر و اعلام می گردد. رای صادره ظرف 20 روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدید نظر مرکز استان می باشد. ضمنا کلیه وسایل مکشوفه معدوم گردد و آنتن ماهواره به نفع صدا و سیما جمهوری اسلامی ضبط گردد و وسایل مجاز به متهم مسترد شود.

### رئیس شعبه 16 دادگاه عمومی شیراز

#### بانثی

## مصاحبه ای در پارک دانشجو

### رضا شب بین

پارک دانشجو از جمله محل هایی است که عده ای از همجنسگرایان تهران در آنجا زیاد تردد دارند. تا آن جایی که من توانستم اطلاع کسب کنم سال های زیادی است که این محل مورد توجه همجنسگرایان می باشد. اما باید اشاره کرد که در این اجتماعات پسران تن فروش و مشتریان آنها نیز در این محل تردد دارند. به طور کلی باید گفت از ابتدای چهار راه ولی عصر تا چهارراه کالج، محلی برای تفرج عده ای از همجنسگرایان شده. چیزی که در درجه اول توجه من را به خود جلب کرد بی تفاوتی رژیم اسلامی به این محل بود و در واقع می توان گفت در نظر اول چنان چه در ساعات پایانی روز به حوالی پارک دانشجو بروید گمان می کنید که ایران سرزمین آزادی و امنیت برای همجنسگرایان می باشد. همین مساله موجب شد تا با همجنسگرایان حاضر در این محل به گفتگو بپردازم. البته این تنها پاتوق همجنسگرایان تهران نیست اما بیشترین شهرت را در میان سایر پاتوقها کسب کرده.

### لطفا خودت رو هر جور که دوست داری معرفی کن.

من رامتین هستم ۲۴ ساله. دانشجوی دانشگاه پیام نور، ساکن تهران و همجنسگرا هستم. پدر و مادرم هم از هم جدا شدند.

**چند وقت هست که با پارک دانشجو آشنا شدی؟ و به طور کلی توضیح بده که اینجا به چه نحوی فعالیت می کنی.**

دو ساله که به پارک دانشجو میام. اینجا پسرهایی که قیافشون مناسب باشه و پزیشن بات داشته باشن میتونن در آمد های مالی هم داشته باشن. من هم خوب برای تامین نیاز های مالیم مجبور شدم تو این دو سال تن فروشی کنم

**یک همجنسگرا با پزیشن تاپ چقدر پول بابت یکبار همبستری با یک بات باید بده؟**

خوب بستگی داره به اون پسر از پنج هزار تومن شروع میشه تا حتی شصت هزار تومن. البته بعضی از بات ها که پیر میشن حتی حاضرند بابت ارضا شدن به تاپ های جوان پول هم پرداخت کنن.

### خودت چقدر میگیری؟

در حال حاضر من رو یک آقای پنجاه ساله خریده. سه ماه هست که این آقا به من ماهی پنجاه هزار تومن

به شما می نگرند. موارد مشابه دیگر که همه از آن با خبرند تمامی از عواقب مجرد بودن در جمعی است که سنت ها هم چنان پا بر جا هستند و آزادی های فردی را محدود می کنند.

راه درازی در پیش داریم راهی که یک- خودمان را باور کنیم دو- اعتماد به نفسمان را قوی کنیم سه- خودمان را به جامعه تحمیل کنیم چهار- حقوق مورد نیازمان را از جامعه طلب کنیم پنج- از سازمان های قضایی بخواهیم که ما را بپذیرند و قوانین مورد نیاز ما را تصویب کنند. تا زمانی که قانون از ما حمایت نکند خیلی راحت هر کسی می تواند حقوق ما را زیر پا بگذارد، مورد شکنجه قرار دهد و از همه بدتر از جامعه ما را طرد کند. اما بر می گردیم به ابتدای صحبتمان، در هر جامعه ای جنبش های اجتماعی نیاز به حمایت دارد مخصوصا در مورد همجنسگرایی که از یک طرف درصد کمی از جمعیت را به خود اختصاص می دهند و از طرف دیگر بسیاری از دوستان همجنسگرای ما علاقه ای به کسب حقوق خود ندارند. ما اگر بتوانیم دوستان خود را آگاه کنیم و با خود همسو سازیم اولین قدم را برداشته ایم بعد از آن هرچه بیشتر بتوانیم از میان جمعیت دگرجنسگرا حامی پیدا کنیم می توانیم فعالیت های اجتماعیمان را سامان دهیم غیر از عده ای از روشنفکران که البته در مقاله ای دیگر من به آن خواهیم پرداخت اکثر مردم ایران با فرهنگ متوسط می توانند با همجنسگرایی کنار بیایند. پس ما تا نتوانیم همجنسگرایی را آشکار کنیم نمی توانیم به آسیب شناسی آن بپردازیم تا نتوانیم بفهمیم همجنسگرایان هم آمدند نمی توانیم آموزش بهداشتی و روانی بدهیم و با مسئله اعتیاد و خود کشی در این گونه افراد مقابله کنیم.

امیدوارم که بتوانم مشکلات اجتماعی پنهانی ای که همجنسگرایان چه در اجتماع خود و چه در اجتماع بزرگ کشور با آن روبرو می شوند یا آن را بوجود می آورند بیان کنم از تمامی دوستان می خواهم که با ما در پیدا کردن این آسیب ها یاری رسانید.

میده و من مال اون هستم . هر چند بار در ماه بخواد بهش سکس میرم

**راضی هستی؟**

چون درس دارم و سرم شولوغه آره راضیم

**یعنی از سکس با مرد پنجاه ساله لذت می بری؟**

صد در صد نه . ولی از نظر مالی برام می صرفه. اصولا کسی که تو فکر کاسبی هست باید سعی کنه از همه چیز خوشش بیاد

**تا حالا نیروی انتظامی مشکلی برات ایجاد نکرده؟**

نه زیاد. نیروی انتظامی کاری نداره. فقط هر چند وقت به بار بسیجی ها میان و تعدادی رو میگیرند. خانواده هاشون میان به پولی میدن و آزادشون میکنند

**تو رو هم تا حالا گرفتن؟**

آره . ولی زود آزاد شدم . یک بار هم وقتی گرفتند یکی از بسیجی ها بهم تلفن داد و من رو آزاد کرد . با اون هم چند بار سکس کردم .

**تو به عنوان یک همجنسگرا تو ایران احساس نا امنی نمی کنی؟**

چند بار شده که بعضی از افراد من رو برای سکس بردن خونشون وقتی رسیدیم خونه دیدم چند نفر تو خونه بودن و من مجبور به گروپ سکس شدم که خیلی وحشت ناک بود .

**از اعدام یا زندانی شدن نمی ترسی؟**

نه . اصولا از نظر حکومت هیچ کار خلافی جرم حساب نمیشه تا زمانی که مزاحمت برای حکومت ایجاد نکنی. وقتی مزاحم شدی اون وقت همجنسگرایی برات میشه به برچسب و هر تسویه حسابی که بخوان باهات بکنن میزارن به حساب همجنسگراییت. ولی به آدمی مثل من اصلا نمی تونه مزاحمت ایجاد کنه و چیزی نداره که بخوان ازش بگیرن .

**به خاطر تعدد شرکای جنسیت از ابتلا به بیماری هایی مثل ایدز نمی ترسی؟**

همیشه خودم با خودم کاندم می برم. چند روز پیش هم تست اچ آی وی دادم که منفی بود . اما سکس مقعدی مشکلات خاص خودش رو داره که باید تحملش کرد

**از اینکه یک همجنسگرا هستی چه احساسی داری؟**

خوشحال نیستم . سعی می کنم باهانش کنار بیام. خدا خواسته که من اینجوری بشم. به قول قدیمی ها

راضیم به رضای خدا . چیزی که ناراحت کننده هست محیط و خانواده ما همجنسگرا هاست.

**خانوادت از همجنسگراییت اطلاع دارند؟**

من به مادرم گفتم که نمی خوام ازدواج کنم. حتی بهش گفتم که دلم می خواد با یه پسر زندگی کنم ولی اون هنوز باورش نمیشه فکر می کنه اینها فکر های بچه گونست. مدام از دوست دخترام می پرسه. خیال می کنه که می خوام دوست دختر هام رو ازش مخفی کنم.

**آینده رو چطور می بینی؟**

تو خارج با همجنس گراها خوب رفتار می کنن ولی ایران تو همه مسائل با دنیا اختلاف فاز داره. ولی در آینده حتما ایران هم با این مساله کنار میاد.

**شاید خیلی ها مصاحبه تو رو بخونن در پایان هر چی فکر می کنی بهتر بود می گفتی رو بگو.**

هیچی به خوبی داشتن یک شریک خوب نیست و من از این نعمت بی بهره هستم. به نظر من نباید فقط به سکس فکر کرد. باید دنبال یه دوست همیشگی و ثابت بود. من هم اگر تن به این کار دادم فقط مشکل مالی نبود بلکه به نیاز روحی هم بود که موجب شد تا من تو این راه بیفتم و الان خیلی پشیمون هستم. برای همه دوستای خویم آرزوی سلامتی دارم

**از اینکه وقت رو در اختیار ما گذاشتی ممنون**

## رها

### رادیوی همجنسگرایان ایرانی

رادیوی اینترنتی همجنسگرایان ایرانی به یک رادیو ماهواره ای تبدیل خواهد شد و شما دوستان می توانید برنامه های آن از طریق فرکانس های ماهواره ای دریافت کنید.

لطفا ما را پشتیبانی و حمایت نمایید.

لطفا پیشنهادهای و موضوعات مورد نظر خود را به ما اطلاع دهید.

در انتظار شما هستیم

[www.radio.pglo.org](http://www.radio.pglo.org)

[radio@pglo.org](mailto:radio@pglo.org)

## همجنسگرایی از منظر ادیان

### علی سامر

بررسی همجنسگرایی از دیدگاه دین کار مشکل و بسیار پیچیده ایست. چون صحبت کردن در مورد آن به یک تابو تبدیل شده و همیشه با نگاه تند مذهبیون مواجه گشته؛ اغلب افراد دین را مقصر دانسته و با تمام دل بستگی هایی که ممکن است به یک تفکر داشته باشند آن را رها می کنند.

اکنون می خواهیم بررسی کنیم ببینیم آیا می توان دیندار بود و درعین حال یک همجنسگرا یا این که به قول افراطیون باید سنگسارمان کرد و...



بدین منظور تحقیق خود را از دو دین بزرگ یعنی یهود و اسلام آغاز می کنم باشد تا راه گشایی برای بهتر زندگی کردن سایر همجنسگرایان عزیز باشد.

در ضمن یادآور می شوم که این یک بررسی آزاد و بی غرض از متون مقدس آن دو دین یعنی عهدعتیق (تورات و کتب پیامبران بنی اسرائیل) و قرآن می باشد و هیچ گونه وابستگی به هیچ شخص و گروهی ندارد.

در کتب مذکور به چند صورت راجع به نزدیکی مردان و زنان سخن به میان آمده:

1- اشاره ی مستقیم به آن: لواط کاران(در عبری: قادش؛ مذکر- قادشه: موءنث)\*1

2- اشاره به قوم لوط (کلمه ی لواط اقتباسی از اسم پیامبر آن قوم می باشد)\*2

3- اشاره به شهرهای قوم لوط: سدوم و عموره (موءتفکات)

4- در قرآن فقط داستان قوم لوط آمده.

اگر قرار به بررسی باشد پس در درجه ی اول باید سراغ قوم لوط رفت که ماجرای آنان زبان زد خاص و عام است. این ماجرا خلاصه و هم به تفصیل در تورات و قرآن آمده.\*3

کل استدلال مذهبیون مخالف همجنسگرایی به همین داستان است.

1- لواط یکی از فرایض دینی عشقورت (ماده) و بعل (نر)\*4خدایان نواحی سوریه و بین النهرین بوده.

2- هر جا که بت پرستی برپا می شده اتاق هایی هم برای لواط کاری تعبیه می شده.\*5

3- قوم لوط یک قوم متجاوز بودند بطوری که در تاریخ نوشته اند: هیچ کاروانی از شهر و دیار آنان رد نمی شد مگر اینکه آنان به مردان و پسران کاروان دست درازی می کردند. آن شبی که لوط دو میهمان مرد (دو فرشته ی مرد گونه) داشت مردان شهر برای تجاوز به آن دو به خانه ی لوط هجوم آوردند و حتی لوط خواست دخترانش را به مردان شهر بدهد تا آبرویش جلوی میهمانانش نریزد اما آنان قبول نکردند.\*6



مذهبی ها ادعا می کنند: به خاطر همین عمل خلاف قوم لوط بود که خداوند آنان را مجازات کرد پس همجنسگرایی هم مخالف رای خداوند است و باید چنین و چنان کرد.....

اما من خاطر نشان می کنم قوم لوط یک قوم بت پرست بودند و به خاطر پرستش غیر خدا (بر طبق متون ذکر شده) و تجاوز مجازات شدند که لواط کاری آنان هم جزو رسوم و عقایدشان بوده. به نظر من کسی که تاریخ این قوم را می خواند متوجه می شود آنان مردمانی مریض احوال بودند که از هیچ تجاوزی بیکدیگر کوتاهی نمی کردند و متعرض انسانهای اطراف خود می شدند.

پس می توان این گونه نتیجه گیری کرد که: لواط کاری مساوی همجنسگرایی نیست این مطلب مثل این می ماند که بگویم: در فلان شهر که مردان آن به زنان در همه جا تجاوز می کردند بعد از مدتی نابود شدند.



پس هیچ مردی حق هم خوابی با زنان را ندارد چون خدا با آن مخالف است. بلکه اگر خیلی مذهبی فکر کنیم می شود گفت: برای آنان که همچسگرا نبودند این یک عمل زشت است مثل مردانی که با غیر همسران خود سکس می کنند.

و این که مذهبی ها ادعا می کنند که همچسگرایی نسل انسان را منقرض می کند: از مسئله ی پزشکی آن که بگذریم خداوند با نابود کردن قوم لوط نسل آنان را منقرض کرد پس این که می شود نقض غرض!!!

آنانی که می خواهند جای خداوند در همه جا تصمیم بگیرند و خود را حافظ جان و مال مردم می پندارند اینجا هم بیکار ننشسته اند و از قول خداوند رای صادر می کنند و با وقاحت حکم به ارتداد و قتل و سنگسار انسان های بیگناه می دهند که اخبار آن را می توان همیشه پیدا کرد و شنید.

من می پرسم از تمام مذهبیون که اگر همچسگرایی مخالف نظر خداوند است پس چرا در مهم ترین متون دینی و در مهم ترین بخش های دستورات خداوند به بشر کوچکترین اشاره ای به این موضوع نشده. حال این که با شدت هر چه تمام نسبت به هم خوابگی مردان با غیر همسر خود (زنا) واکنش نشان داده شده؟ 1- ده فرمان موسی که به زنا به وضوح اشاره شده (بند هفتم)\*7 ولی سخنی از همچسگرایی یا به غلط لواط به میان نیامده.

2- لعنتها: کارهایی که موجب ناپاک شدن قوم یهود می شود. حتی در آن لعنت های مکتوب از سکس با حیوانات نهی شده اما کلمه ای راجع به همچسگرایی یا بقول اینان لواط صحبت نشده.\*8

3- در قرآن غیر از داستان قوم لوط که بیشتر به آن اشاره شد اصلا راجع به همچسگرایی و... هیچ گونه صحبتی به میان نیامده حتی کوچکترین اشاره ای هم به حکم مجازات آن نشده. تا این حد بگویم که حکم سنگسار یک حکم صد در صد جعلی است و در اسلام سابقه نداشته و در قرآن نیز چنین عمل وحشیانه ای یافت نمی شود. چنان که دلایل و مدارک آنرا ذیل مقاله ی مفصل دیگر خواهم آورد.

که اگر بخواهیم خیلی کوتاه بینانه به قرآن نظر بیافکنیم باید بگویم قرآن در این خصوص کاملا ساکت است. به نظر شما آیا خداوند فراموش کرده حکمی راجع به

همچسگرایان صادر کند؟ یا این که همچسگرایی هم جزوی از طبیعت انسان است؟

حال می پرسم بنا به کدام دلیل با این شدت مذهبی ها همچسگرایان را نفی می کنند و آنان را دشمنان خدا می دانند؟ به هیچ دلیل چون فقط آنان یا دچار تعصیب یا دچار تحجر. اکنون با بررسی اجمالی این دو مکتب به دیدگاه دو مدرک

לוט

Lot

Copyright © 2004 www.my-hebrew-name.com

اصلی آن یعنی تورات و قرآن در مورد همچسگرایی پی بردیم. البته مسلما سخن در این باره بسیار است و راه تحقیق باز. فقط ما می مانیم و وجدان و انصاف ما. با خیال راحت می توان گفت که ما همچسگرایان هم می توانیم دین دار باشیم و معتقد به هر کدام از مکاتب دنیا. مهم تر از همه این که اگر به خداوند اعتقاد داشته باشیم: باید بدانیم او ما را دوست دارد چون او ما را بدین گونه خلق کرده. آماده ی پاسخگویی به تمامی سوالات شما عزیزان در این زمینه هستم.

موفق و شاد و پیروز باشید.

[ali\\_samer\\_day@hotmail.com](mailto:ali_samer_day@hotmail.com)

\*1- قاموس کتاب مقدس ص: 770

\*2- لسان العرب ج: 5 . ص: 536

\*3- تورات سفر پیدایش: 19 & 18

قرآن: سوره های: 54.21.37.26.15.29.11.7.2

\*4- قاموس کتاب مقدس ص: 770.612

\*5- عهد عتیق: 1 پادشاهان 14:23. 7:46

\*6- تورات سفر پیدایش: 19: 9-5....قرآن هود: 77

\*7- تورات سفر پیدایش: 5

\*8- تورات سفر تثئیه 27:26-11

## سیری در روند پناهندگی در ترکیه

### آرشم پارسی



دوستان عزیز در پیش شماره پنجم و ضمیمه نشریه چراغ به روند پناهندگی پرداخته شده و اطلاعات جامعی را در اختیار دوستان عزیز و خوانندگان گرامی

گذاشتند اما جسته و گریخته با سولاتی مواجه می شویم که توسط بیشتر دوستان پرسیده می شود. ما در زیر سعی نموده ایم که این سولات را مطرح کرده و از این طریق کمکی باشیم برای دوستانی که تصمیم دارند از دفتر کمیسری عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه - آنکارا کمک و یاری بطلبند. خواهش می کنیم که چنان چه سولاتی برای شما مطرح می گردد با ما در میان گذارید.

**در حال حاضر وضعیت دفتر کمیسری عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه به ایران نزدیک هست چطور می باشد. (از نظر هجوم پناهندگان کیس همجنسگرایی) و سازمان جدیداً چه برخوردی دارد و تا چه حد جوابگو هست؟**

تعداد مراجعه کنندگان به UNHCR ترکیه زیاد هست و از تمام اقشار جامعه اعم از کمونیست، بهایی، مسیحی، دموکرات، سلطنت طلب، همجنسگرا و... هستند کیس های همجنسگرایی به نسبت کلیه پناهندگان خیلی زیاد نیست. به دلیل تعداد زیاد مراجعه کننده از تاریخ مراجعه به سازمان ملل تا مصاحبه یک مدت زمانی بایستی منتظر بمانید و از مصاحبه اولیه تا جواب و از جواب تا مراحل تعیین کشور و مابقی مراحل مدت زمانی به طول خواهد انجامید. سازمان ملل برخورد مناسبی با همجنسگرایان دارد نکته قابل اهمیت این است که به صرف همجنسگرا بودن پناهندگی شامل فرد نمی شود باید خطری شما را تهدید کند. یعنی مهم این هست که ثابت کنید که جانتان در خطر هست و شما را وادار به فرار کرده است.

**با توجه به توضیحات - من چه مدرکی میتوانم باخودم داشته باشم که بتواند حرف های من را**

**ثابت کند و نشان دهد که زندگی برای من در ایران مشکل و خطرناک می باشد؟**

طبق کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل، حرف پناهنده سند هست یعنی احتیاجی به هیچ مدرک و یا سندی نیست. باید بتوانید خیلی راحت مشکلاتی را که در زندگی از کودکی تا به حال تحمل کردید را بیان کنید به طوری که وکیل کاملاً متوجه مشکلات شود و شما را درک کند و باور کند که مشکلات شما را وادار به فرار کرده است و تحت فشار و خطر هستید.

**خروج از کشور با گذرنامه یا بدون گذرنامه (فرار) برای شخصی که تصمیم دارد از کیس همجنسگرایی اقدام کند چقدر فرق می کند؟**

فرقی ندارد. اما باید دانست که اگر پاسپورت نداشته باشید شما را به یک شهر دور افتاده و مرزی در ترکیه ارسال می کنند و شرایط بسیار سخت تری دارید. پاسپورت داشتن خیلی بهتر از نداشتن است.

**آیا در طول جریان پرونده شخص در کشوری مثل ترکیه خرج اقامت از قبیل مسکن خوراک و پوشاک به طور کامل به عهده دفتر پناهندگان می باشد؟**

سازمان ملل تنها به پناهندگانی که پذیرفته شده اند حقوق پرداخت می کند و آن هم حدود 100 دلار می باشد و کافی نیست. می توانید با دیگر ایرانی ها هم خانه شوید اما در کل هزینه های کرایه خانه در ترکیه معمولاً سالانه دریافت می شود.

تا قبل از قبولی حقوقی پرداخت نمی شود و شایان ذکر است که در صورت قبولی در مصاحبه مالی نیز این پول پرداخت می شود. حقوقی که سازمان ملل پرداخت می کند یک حق نیست بلکه تنها کمک و یاری پناهنده هست.

**انتخاب کشوری که قرار هست از آن پناهندگی گرفته شود چطور می باشد؟ (آیا تا حدی حق انتخاب هست یا بطور کامل نظر پناهنده بی تاثیر می باشد)؟**

سازمان ملل با توجه به پروفایل شما کشور مناسب برای شما را تعیین می کند اما اگر فامیل درجه یک در یکی از کشورهای پناهنده پذیر داشته باشید احتمال آن که شما را آنجا بفرستند بیشتر است اما بیشترین آمار پناهندگی پذیری از طریق ترکیه مربوط به

کشورهای کانادا، امریکا، استرالیا، سوئد و فنلاند می باشد.

**آیا ما با دولت ترکیه هم در ارتباط هستیم یعنی باید خودمان را به ترکیه معرفی کنیم یا سازمان ملل؟**

در ابتدای ورود به ترکیه شما دارای سه ماه ویزا هستید بایستی کمتر از ده روز خود را به پلیس معرفی و ثبت نام نمایید. قبل از آن بایستی خود را به سازمان ملل معرفی نموده و برگه درخواست پناهندگی را دریافت کرده باشید. روند پلیس و دولت ترکیه با سازمان ملل متفاوت است و برای اقامت موقت شش ماهه شما حدود 200 دلار پول از شما دریافت می شود. این مبلغ صرفا به جهت اقامت موقت در ترکیه هست و به روند سازمان ملل ربطی ندارد. 216.5 لیر جدید ترکیه برای اقامت شش ماهه و 66 لیر جدید ترکیه برای صدور کارت شناسایی دریافت می گردد. (سال 2005) چه در سازمان ملل قبول و یا رد شوند این پول دریافت می شود. و زمان پرداخت آن معمولا زمان تشکیل پرونده در پلیس می باشد.

**اعلام کردید که سازمان ملل فقط در صورت پذیرفته شدن پناهندگی مخارج را به عهده میگیرد، پس با این حساب از زمان مراجعه تا جواب خرج و مخارج به عهده پناهجو میباشد؟ این زمان تقریبا و بصورت حدودی - از مراجعه تا جواب برای چنین کیسی چقدر طول می کشد - چون این زمان از نظر تامین مخارج شخصی بسیار مهم می باشد.**

سازمان ملل در صورت قبولی کیس هر پناهجو مبلغی را به عنوان کمک مالی پرداخت می کند و آن نیز در صورت قبولی در مصاحبه ی مالی می باشد این روند ربطی به همجنسگرا بودن یا نبودن ندارد و برای عموم مساوی هست. این تنها کمک مالی هست و یک حق و یا وظیفه نیست و ممکن است برخی از این کمک نتوانند استفاده کنند.

زمان انتظار برای انجام روند قانونی متغیر است افرادی در کمتر از چند ماه قبول شده اند اما افرادی نیز تا یک سال در انتظار بوده اند اما طی میانگینی که در ترکیه وجود دارد تقریبا از زمان مراجعه تا دریافت قبولی بین 5 تا 9 ماه زمان لازم است. اما پس از قبولی و دریافت

کمک مالی نیز برای تامین مخارج خود ممکن هست که مجبور باشید کار کنید. در ترکیه می توانید کار کنید و امرار معاش نمایید.

**به همراه داشتن یک کپی یا نسخه ای از تعهد نامه ای که گفته شد برای اثبات خطر تا چه حد موثر می باشد؟**

حرف پناهنده سند هست و احتیاج به مدارک و اسنادی نمی باشد اما داشتن مدارک بی ضرر نیستند ولی نکته قابل توجه اینجاست که برخی اوقات ممکن هست مدارک به جای تسهیل در کار باعث ایجاد شک و شبهه برای وکیل شود. خواهشمند است در صورت اقدام به پناهجویی حتما با کمسیون حقوق بشر سازمان هماهنگ کنید و مشاوره نمایید.

**مذهب همجنسگرا تا چه حد برای سازمان ملل مهم می باشد و کلا مذهب برای پناهندگی یک همجنسگرای ایرانی چه نقشی ایفا می کند؟**

مذهب هیچ ارتباطی با همجنسگرایی ندارد و یک مسلمان یا بهایی یا زرتشتی یا مسیحی و یا هر دین و عقاید سیاسی می تواند همجنسگرا باشد.

**آیا میتوان به غیر از مراجعه به سازمان ملل به سفارت یکی از کشورهای که از همجنسگرایی حمایت می کنند و وضعیت ایران برایشان نامعقول هست مراجعه و درخواست پناهندگی کرد؟ مثل نروژ یا هلند لطفا در صورت مثبت بودن پاسخ کاملا توضیح دهید.**

هر کشوری می تواند مستقیما پناهنده پذیر باشد. اما این کار بدین صورت از طریق سفارت انجام نمی پذیرد. روند پناهنده پذیری از طریق سفارت تنها مربوط به پناهنده های سازان ملل هستند به عنوان مثال کانادا و استرالیا پناهندگانی را که از سازمان ملل قبول می کنند را از طریق سفارت ویزا می دهند و امور انتقال آنها را انجام می دهند. اما کشورهای اروپایی سفارت در این امر نقشی ندارد و هیئت ویژه ای از طرف اداره مهاجرت و پناهندگی خود کشور مراجعه و اقدام می نمایند.

**این سوال شاید زیاد به موضوع مربوط نباشد می خواستم بدانم که وضعیت همجنسگرایان در ترکیه چگونه هست؟ و در آن کشور چقدر به آن**

## برعلیه خشونت و یا همراه با خشونت؟

### وب لاگ من و مهاجرت

چندی قبل در اعتراض به تصمیم خشونت آمیز دولت ترکیه مبنی بر تحویل ۱۲۰۰ پناهجوی ایرانی به دولت ایران عده ای از بچه های ایرانی در فرانکفورت با هماهنگی پلیس آلمان تظاهرات اعتراض آمیزی در مقابل در سفارت ترکیه ترتیب داده بودند. من هم در این تجمع شرکت کردم تا اعتراضم را به این برخورد ضد انسانی نشان بدهم. بعد از یک ساعتی که آن جا ایستاده بودیم یکی از مدیران این برنامه میکروفون را بدست گرفت و علیه دولت ترکیه و ایران شعار داد. «مرگ بر دیکتاتور»... «مرگ بر جمهوری اسلامی».

باران تندی می بارید. چه روز دلگیری بود. من آن جمع را ترک کردم اما ای کاش قبل از رفتنم می گفتم که من با این قبیل شعارها عمیقا مخالفم. ای کاش هم آن جا می ماندم و به آن ها می گفتم که مرگ را برای هیچ کس نمی خواهم. می خواستم بایستم و به آن خانمی که این شعارها را می داد، بگویم که خشونت این کلام هیچ بدتر از خشونت آن هایی نیست که دیگران را به خاطر افکارشان به زندان می اندازند و اقلیتها را اعدام می کنند. می خواستم که هم آن جا بمانم و بگویم که «جمهوری اسلامی» یک تمامیت یکپارچه ای نیست و همه بنیانگذاران و افرادش یک جور و یک شکل نیستند. ای کاش می ماندم و به آن آدم هایی که به این راحتی مرگ را برای دیگران آرزو می کنند می گفتم که من امروز در اینجا آمدم برای مبارزه با همین نگاه و برخورد خشونت آمیز. ای کاش می گفتم که آرزوی من به عنوان یک ایرانی این نیست که کسی به قتل برسد. باید قبل از این که آن جمع را ترک می کردم، می گفتم که آرزوی من این است که هر که جنایت و خطایی کرده در یک دادگاه قانونی عادلانه قضاوت شود و نه اعدام. ای کاش می گفتم که خشونت فقط در نظام جمهوری اسلامی نیست، بل در تک تک ماست...

## اهمیت می دهند و افکار عمومی چه برخوردی با همجنسگرایان دارند؟

وضعیت همجنسگرایان در ترکیه چندان فرقی با ایران ندارد. دولت ترکیه دولتی مذهبی نیست اما مردمی بسیار مذهبی دارد. می توان گفت با ایران در این مورد کاملا متفاوت هست که دولت ایران اسلامی است اما اکثریت مردم آزاد اندیش هستند. در ترکیه دولت آزاد اندیش هست و ملت کاملا مذهبی. ممکن هست حتی به رنگ لباس هم ایراد بگیرند. ولی به هر حال بهترین راه احقاق حقوق پناهندگی سازمان ملل می باشد و می بایست مدتی که در ترکیه هستید را رعایت کنید.

## در آخر با همه این توضیحات می خواهم نظر شخصی شما را بدانم که آیا من برای این کار اقدام کنم یا نه؟

نکته آخر و بسیار مهمی که مایل هستم متذکر شوم این هست که حرف پناهنده مهمترین چیز هست یعنی اگر شما بتوانید تمامی مشکلات و کمبودها و حق کثی هایی که از دوران کودکی تا به حال در موارد مختلف اجتماعی و همجنسگرایی خود را با کلمات به زبان بیاورید موفق خواهید بود. همه می دانند که همجنسگرایان ایرانی در وضعیت بدی به سر می برند اما قوانین پناهندگی ضوابطی دارد که بایستی رعایت شود. حتما باید اتفاقی و یا حادثه ای زندگی شما را به خطر انداخته باشد و شما را به فرار وادار کند. معمولا همجنسگرایان قبولی خود را دریافت می کنند. خواهش مهم این هست که حتما در زمانی که تصمیم به این کار دارید ما را مطلع کنید و کیس خود را با ما چک نمایید.

در این لحظه،  
نگران دلو اپسی های  
تمام پرندگان  
بدون کوچم



## اتاق های گفتمان

وب لاگ آیا همه کل ها نمکینند؟

اکثر کسانی که به این اتاق می آیند گی نیستند، کسانی هستند که نتوانستند حتی با یک دختر دوست باشند. این افراد به گی روم می آیند تا شاید بتوانند از این طریق خودشان را ارضا کنند؛ علت این که دیگر نمی توان یک آدم حسابی در این اتاق پیدا کرد همین افراد هستند (البته تعداد اندک شماری افراد متشخص نیز چون تنها هستند با یک سری اُمیدهای واهی به این اتاق سر می زنند).

گی ها نسبت به مردهای دیگر خیلی حساس تر هستند و به عشق خیلی اهمیت می دهند، من و دوست پسر ساعت ها با هم چت می کنیم ولی خیلی به ندرت دربارهٔ مسایلی مثل سکس صحبت می کنیم.

اولین سوال تو این اتاق b t v ? هست، به نظر شما کسانی که تا حالا قیافه همدیگر را ندیدند و اخلاق همدیگر را نمی دانند چه فکری می کنند که به عنوان اولین حرف چنین سوالی مطرح می نمایند؟



**مراقب گفتمان های خود در این اتاق ها باشید و همواره احتیاط کنید تا خدای ناکرده به سرنوشت امیر و امیرهای دیگر دچار نشوید.**

## در باب عمل جراحی تغییر جنسیت

سیما شاخساری

مقاله بی بی سی در مورد تغییر جنسیت و تز دکترای حجة الاسلام کریمی نیا در باب شرایط عمل جراحی تغییر جنسیت بر اساس قانون شرع اسلام هست. اول که مقاله بی بی سی را دیدم قصد نوشتن در موردش را نداشتم، ولی بعد از دیدن کامنت های خوانندگان سایت شهلا دیدم نمی توانم به سادگی بگذرم. از نظر پیام که "گرچه خیلی وقتها آدم خیلی چیزها میخواد اما اینکه با بدست آوردنش چی را از دست میده هم خیلی مهمه...." تا پاسخ شهلا که "از سر بی حوصله گی یا ندانستن و آگاهی نداشتن از درون خودش نیست بلکه یک روح است در جسمی اشتباه..." از اعتراض میکائیل که "...یه روز دماغ..یه روز گونه...الان هم که این عزامونده مد شده عملش می کنن...نکنید همچین..." تا تجویز رویین که "من خیلی ها را در ایران دیدم که عمل تغییر جنسیت را انجام دادند، این نوع بیماری هم مانند بیماری های دیگر می باشد و باید درمان شود...." دیدم نخیر نمی شود خواند و بی تفاوت گذشت. آخر "مد" نیست، با عمل دماغ هم یکی نیست... زندگی گل و بلبل نیست... اخبار تغییر جنسیت در ایران آنچنان تازه نیست، اما بیشتر و بیشتر دارد بر سر زبان ها می افتد. بعد از خواندن کتاب جنسیت گمشده فرخنده آقایی که در سال 1379 چاپ شد، فهمیدم که گفتمان تغییر جنسیت در ایران کم کم داشت شایع می شد. این مسئله در خود جای خوشحالی دارد، اما یک مشکل اساسی در این گفتمان من را آزار می دهد: تغییر جنسیت به عنوان راه حلی شرعی، روانشناسانه، و یا طبیی برای رفع یک جور "بیماری" و "معضل اجتماعی" مطرح می شود. یعنی در این گفتمان جنسیت در یک قالب دو قطبی تعریف می شود که تنها شکل مشروعش دگر جنس گرایست. گرایش ها در این نحوه برخورد یا طبیعی حساب می شوند (که همین اصل طبیعی سازی به تغییر جنسیت مشروعیت می دهد) و یا "غیر طبیعی" (که شامل همجنسگرایی و بایسکشوال بودن می شود). این طبیعی و غیر طبیعی سازی (بخوانید بیمار سازی) گرایش های جنسی به یک طرف، مقوله "در بدن اشتباه بودن" هم به یک طرف! فوکو در کتاب

## قلبم از شادی در پوست خود نمی گنجد

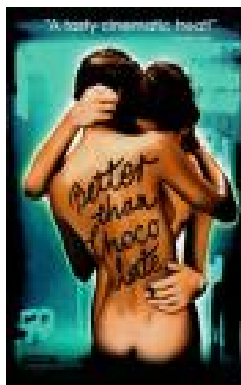
### زاشا نیرومند

به راستی  
هر که بیشتر شبیه من است  
قلبم  
با او احساس صلح بیشتری می کند  
ای همه احساس با من  
صلح آمیزی را با من تجربه کن  
ای با هم  
خزانه یک راز قدیم ایامی  
قلب من و تو از این رسوخ دو جانبه شان  
در هم شادند  
و قلب من و تو از این رسوخ دو جانبه شان  
در هم شادند  
و قلب من از این شادی در  
پوستش نمی گنجد  
نفسم را به صلح باختم  
و از سوز رها شدم  
دریا دریای صلح شد  
از اشک تا قدم  
سوز مکان سوختن منیت و  
بسیار لغزنده است  
و دشت صلح بعد از دریای سوز است  
و ما اگر  
عابری برای عبور از سوز و رسیدن به  
صلح باشیم  
در این صحرای صلح عشق را خواهیم چید.



هرکولین باریین درست می گفت که روانشناسی به این ادعا که جنس شامل "حقیقت" ذاتی است نفوذ فرهنگی اش را مستحکم می کند. این مقوله "در بدن اشتباه حبس شدن" اما بی تاریخ نیست! این کلینیک های "اختلالات جنس گوئی" در امریکا (بخصوص در استنفورد) بودند که با استفاده از کتاب "پدیده ترانسکشوال" هری بنجامین (چاپ 1966) و طی مشاهداتی محدود، این مقوله را ابداع کردند. تا سال 1980، کاتگوری ترانسکشوال با عنوان هویت به ثبت نرسیده بود. جزوه 1980 مجتمع روانپزشکی آمریکا، ترانسکشوال را به عنوان فردی مبتلا به بیماری جنسی و روانی تعریف کرد. کتاب بنجامین نه تنها منبع اطلاعات کلینیک استنفورد شد، بلکه مراجعین سعی می کردند که معیار های مناسب "زن بودن" و "مرد بودن" بنجامین رو با موفقیت اجرا کنند تا در آزمایشهای تغییر جنسیت قبول شوند. درجه موفقیت مراجعین مشروط بود بر اجرای کامل معیارهای ساختگی "زنانگی و مردانگی حقیقی". به این ترتیب، اجرای مکرر مراجعین (که چاره ای جز تابعیت از تعاریف و مقررات کلینیک ها نداشتند) و مقررات جنس گوئی استنفورد، از روی مناسبات فرار دادی جنس و جنسیت تعریف شده توسط بنجامین، هویت ترانسکشوال را ساختند. پیدا کردن "حقیقت ذاتی" جنس هم به دنباله روی از گفتمان های مدرن دوگانه جنسیت جزو پروژه های این کلینیک ها بود. مقوله "در بدن اشتباه بودن" نه تنها به دوگانگی جنس اتکا دارد، بلکه دوگانگی جنسگوئی را هم تحکیم می کند. حالا هم به نظر می رسد که گفتمان های علمی و دینی در ایران با هم همسو شده اند تا پردازند به کنترل جنسیت هایی که در ساختار دوگانه جنسیت مدرن نمی گنجد. گیریم که "دو جنسی" های "منحرف" را بتوانند با عمل به راه راست بیاورند، با آن هایی که تمایلی به "راست شدن" ندارند چه خواهند کرد؟ وقتش نیست که به جای "غیر طبیعی" شمردن بعضی از جنسیت ها، طبیعی ساختن گفتمانی دگر جنسگرایی را به زیر سؤال بکشیم؟ آخر آن هم خودش تاریخی دارد که فراموش شده. اگر این فراموشی تاریخی نبود که خیلی چیزها نمی توانستند بشوند "طبیعت"!

## دلایل و عوارض دگرجنسگرایی و یا: معضلات نرمالیزه کردن! شبکه سراسری همکاری زنان ایرانی



جالب اینجاست که این نویسنده با همه احترامی که برای همجنسگرایان قائل است و با تمام اصرارش به جدا کردن همجنسگرایی و همجنسبازی، این مطلب را که "همجنسگرایی و همجنسبازی" نام نهاده، در بخش بایگانی اش تحت عنوان "معضلات جنسی" گذاشته!

داشتم تریبون فمینیستی را می خواندم که مقاله ای از ویلاگ "شرح" در مورد همجنسگرایی نظرم را جلب کرد. نویسنده به "شرح" در مورد تفاوت همجنسگرایی و همجنسبازی پرداخته و با لحنی که حاکی از اطمینان و دانش تام او در مورد این پدیده است چنین نوشته: "همجنس گرایی؛ با داشتن بار معنایی گرایش؛ به یک گرایش و کشش فطری اشاره دارد که می بایست لزوماً در نهاد فرد قرار داشته باشد. اما همجنس بازی؛ با همراه داشتن بار معنایی لغت بازی؛ به یک تفنن جنسی و یک متد ارضا نیازهای عاطفی و جنسی اشاره می کند."

صاحب شرح با این فرض که دگر جنسگرایی حالت "سالم" جنسی است می نویسد: "اگر تمایل فطری؛ عاطفی و جنسی به جنس مخالف را حالت ایده آل و معمول فرض کنیم و بپذیریم که کشش و جاذبه به جنس مخالف درست همانند داشتن دو دست و دو پا و یک بینی نشانه سلامت جنسی و ژنتیکی انسان محسوب می شود؛ می توانیم همجنس گرایی را یک حالت فطری و ژنتیکی خاص بنامیم." با این استدلال و اتکا به این ادعا که "همجنس گرایی نمی تواند انتخابی باشد"، نویسنده شرح به خواننده اش این خبر خوش را می دهد که "همجنس گرایی با اینکه یک حالت خاص ژنتیکی و روانی است اما نیازمند درمان نیست!" بعد از اینکه نویسنده این را بر همه واضح و مبرهن می کند که همجنسگرایی ذاتی است و با همجنسبازی هم فرق دارد (چرا که دومی "انحراف جنسی ناشی از شرایط اجتماعی؛ فرهنگی و تربیتی است که در فردی که فطرتاً همجنس گرا نیست ظهور می کند")، او به

دادن نصیحت و گوشزد می پردازد. صاحب "شرح" می گوید که "نباید فراموش کرد که چه در جوامع ما و چه در جوامع مدرن؛ همجنس گرایی و جامعه همجنس گرایان؛ خطر ایجاد و گسترش انحراف جنسی همجنس بازی را به همراه خود دارند. باید توجه داشت همزمان با آموزش؛ همواره همجنس گرایان را از ایجاد یک جو تبلیغاتی بر حذر داشت. مثلاً نباید سازمان حمایت از همجنس گرایان؛ درست مثل یک کلوپ اسب سواری عضو بگیرد. حتماً باید نظارت پزشکی و روانی کامل و قوی وجود داشته باشد تا ساز و کارهای مربوط به امور همجنس گرایان از خطر ایجاد و بسط و گسترش انحرافات جنسی مصون بماند."

این شرح اگر به اندازه کافی واضح نبود، اجازه دهید که من در چند جمله گفته "شرح" نویس را خلاصه کنم: از نظر صاحب ویلاگ شرح، همجنسگرایی جنسیتی است خاص ولی محترم. خاص بودنش از این جهت است که مثل دگرجنسگرایی "نرمال" نیست. این افراد "خاص" ولی "محترم" باید تحت "نظارت قوی" علوم پزشکی و روانشناسی باشند که خدای ناکرده "خطر همجنسبازی" را اشاعه ندهند! یعنی همجنسگرایان افرادی هستند که در تنش و تمایل به "مدرن" بودن نویسنده ویلاگ "شرح" و در تلاش او به نشان دادن پایبند بودنش به "حق و حقوق شهروندی"، به اجبار باید تحمل شوند، اما این افراد "محترم" همواره مثل بمبی حامل خطرند و باید تحت نظارت باشند. یعنی نرمالیزه کردن همجنسگرایان هدف این نویسنده است که ترسش از همجنسگرایان، در لفاف "احترام" و "شهروندی" به کنترل کردار و رفتار این افراد "خاص" می انجامد. در ضمن، در این شرح "جوامع ما" (که مشخص نیست کدام جوامعند ولی حدس می زنم جامعه ایرانی جزو آنان است) مدرن نیستند.

این شیوه برخورد آن چنان هم نا آشنا نیست. این همان پروسه ایست که فوکو در جلد اول "تاریخ جنسیت" در اروپا در موردش نوشته. یعنی پروسه خاص کردن و اختراع "هوموسکسوال" به عنوان یک "تایپ" و یک "نوع". این "نوع" سازی و "خاص" کردن البته جدا از گفتمان های علوم مدرن پزشکی و روانشناسی نبوده و نیست. چنین علمی پس از "خاص" کردن همجنسگرایی، همجنسگرا را به ابژه

دانش و سوژه ای برای مطالعه تبدیل کردند و به تعریف "نرم" دگرجنسگرا و تأدیب بدن شهروندان جامعه مدرن پرداختند. اگر همجنسگرایی در گفتمان های اخیر دیگر مثل گذشته بیماری محسوب نمی شود، طبق این گفتمان ها همجنسگرا باید تحت نظر باشد و رفتارش نرمالیزه شود! تحت نظارت بودن همجنسگرا در جهت "نرم" هم به منظور طبیعی شمردن دگرجنسگرایی و غیر طبیعی ساختن همجنسگرایی است و هم برای حفاظت نرم دگرجنس گرا از "خطر" همیشه حاضر همجنسبازی! چرا که همانطور که "شرح" نویس به خواننده اش گوشزد می کند، مرز بین همجنسگرایی و همجنسبازی خطی است نازک که احتمال انحراف (و یا منحرف ساختن "نرمال") در آن نباید فراموش شود! یعنی جامعه ای که قبلاً بیمار و همجنسگرا و خطا کارش در بیمارستان و تیمارستان و زندان محبوس می شدند، حالا جای خود را به جامعه "عادی" کننده و نرمالیزه کننده داده (مسئلاً تکنیک های کنترل قبلی هم به جای خود هستند، اما زمان، زمانِ نرمال سازی از طریق آموزش هژمونیک است!)

جالب اینجاست که این نویسنده با همه احترامی که برای همجنسگرایان قائل است و با تمام اصرارش به جدا کردن همجنسگرایی و همجنسبازی، این مطلب را که "همجنسگرایی و همجنسبازی" نام نهاده، در بخش بایگانی اش تحت عنوان "معضلات جنسی" گذاشته! جدا کردن همجنسباز و همجنسگرا در گفتمان موجود در "شرح" وسیله ای می شود برای نرمالیزه کردن کل جامعه. در "شرح" می خوانیم: "همین طور وجود نهادی خاص که به صورت یک سازمان غیر دولتی به امور همجنس گرایان رسیدگی کرده و متولی امور آنان باشد؛ صد در صد الزامی ست." با تولید گفتمانی "خطر شیوع" همجنسگرایی به دگرجنسگرایان (که این شیوع آنان را همجنسباز می کند!)، نویسنده "شرح"، همجنسگرا را تبدیل به آن عامل "خطرناک" و غیر قابل پیش بینی می کند. تحت نظارت بودن این عامل "خطر" و "آموزش" جامعه می شود لازمه نرمال سازی که وظیفه اش بر عهده جامعه مدنی است.

اما این برخورد "شرح" تنها نوع طبیعی فرض کردن دگرجنسگرایی نیست. چند هفته پیش به دیدن فیلم "منوچهر و زلیخا" و یا همان "تابو" ساخته میترا فراهانی

رفتم. فیلم در مورد مسئله بکارت و اهمیت آن در فرهنگ ایرانی است. فیلم از آغاز با استفاده از تصاویر سمبولیک (مثلاً قدم زدن زنی عریان-الاهه عشق- در ویرانه ای که در آن ستونهایی به شکل آلت مردانه از زمین بیرون آمده اند) و میزانشین، در حین شکستن تابوی بکارت، به طبیعی ساختن دگرجنسگرایی می پردازد. با وجود اهمیت ساخته شدن فیلم هایی که به مسئله جنسیت و تابوهای جنسی می پردازند، باید پرسید با چه حد این گفتمان و هیاهو در مورد "آموزش جنسی" و صحبت در مورد تابوهای جنسیت به نرم سازی و طبیعی سازی دگرجنسگرایی می انجامد. به قول فوکو اگر می گوئیم که سکس سرکوب شده، همین صحبت کردن در مورد آن جلوه سرپیچی و آزاده فکر بودن را می دهد و به سخنگو این حس را می دهد که خارج از دسترسی قدرت و در پیشواز "آزادی جنسی" سخن گفته... که در استقبال از مبانی روشنگرایی و در تلاش در شکستن تابو ها و سنت ها سخن گفته.

اما همچنانکه فوکو در زمینه مدرنیته در اروپا می پرسد، باید پرسید چرا صحبت در مورد جنسیت تا این حد رایج شده و در موردش چه گفته می شود؟ چگونه است که مدرنیته با نرم سازی دگرجنسگرایی، خود را به عنوان پروژه ای برتر جلوه می دهد؟ چه جنسیتی در این پروسه گفتمانی طبیعی گشته و چه جنسیت هایی "غیر طبیعی"، "خاص"، "منحرف" و "غیر معقول" می شوند؟ شاید سؤال این نیست که چرا جنسیت سرکوب شده؛ سؤال اساسی تر این است که چرا و چگونه می گوئیم که در تاریخ ایران جنسیت سرکوب شده؟ آیا این سرکوب شدن جنسیت در تاریخ ایران "حقیقتی" است ثبت شده؟ قصد طلایی نشان دادن تاریخ جنسیت در ایران پیشامدرن را ندارم، اما باید پرسید که آیا چنین گسستگی تاریخی بین گفتمان های "آزادی جنسی" (که غالباً با نوع خاصی از مدرنیته همراه می شوند) و دوره سرکوب جنسی وجود دارد؟ تحقیق افسانه نجم آبادی در مورد فراموشی ملی در مورد امرد و امردنما و دگرجنس گرا سازی ایران مدرن نشان میدهد که چه قسمتهایی از تاریخ جنسیت در ایران "گم" شده و چرا. در اینجا به عمق این پاکسازی مدرن تاریخ ایران نمیروم. اگر



علاقه مند هستید، کتاب جدید نجم آبادی را بخوانید و توضیح مفصل او را در این مورد را ببینید. اما بگذارید در مورد مسئله دوگانگی جنسیت که زمینه طبیعی سازی دگرجنسگرایی را فراهم می کند چند کلمه بنویسم.

تمایز جنسگونگی و جنس معمولاً اینطور اطلاق می شود که جنسگونگی ساخته ای فرهنگی و اجتماعی است که "زن" و "مرد" را از "ماده" و "نر" متمایز می کند. "ماده" و "نر" حامل جنسگونگی "زن" و "مرد" می شوند. اما آیا می توان به جنسی داده شده و به جنسگونگی اشاره کنیم بدون اینکه بپرسیم جنس و جنسگونگی چگونه و به چه وسیله ای داده شده اند؟ آیا ادعاهای "حقیقت" های طبیعی جنس توسط گفتمان های مختلف علمی در خدمت منافع سیاسی و اجتماعی خاصی ساخته نشده اند؟ شاید (همانطور که جودیت باتلر می گوید) جنسگونگی خود وسیله تولید جنس دوگانه به عنوان پدیده ای غیر سیاسی و پیش از تاریخ و فرهنگ است. یک راه طبیعی جلوه دادن چهارچوب دوگانه جنس، ثبت کردن آن در این دامنه پیش از گفتمان می باشد. تفکر مدرن به تفاوت های دوگانه زیست شناسی بین نر و ماده تأکید می کند که این تأکید را نمی توان به سادگی به دلیل پیشرفت علم محسوب کرد، بلکه برای درک مدل دوگانه جنسی باید به تحولات تاریخی و سیاسی که به شکل گرفتن دموکراسی لیبرال و مفاهیمی چون برابری، آزادی و فردیت و قراردادهای اجتماعی انجامیده اند توجه داشت.

علوم مدرنی که از قرن نوزدهم و از طریق مطالعه "طبیعت ذاتی" به تولید "غیر عادی" بودن برخی از گروه های اجتماعی پرداخته اند، از تئوری های سیاسی مدرنی که مغایرتی بین نابرابری های اجتماعی ناشی از نابرابری های طبیعی و معیارهای روشنگرایی نمی بینند خارج نیستند ( مقوله "خاص" بودن همجنسگرایانی که باید زیر نظر علوم پزشکی و روانشناسی باشند هم بازمانده همین تفکر مدرن است). جالبی موضوع محو شدن روابط قدرت در طبیعی ساختن دوگانگی جنس است که به تولید "حقیقت" هایی می پردازند تا به خارج سازی گروه های "خاص" از قلمرو شهروندی مدرن مشروعیت دهند.

از آن سو هم افرادی هستند که با فرض کردن هویتی یک گون برای همجنسگرایان و با چشم پوشی از نابرابری های اجتماعی موجود در جوامع "غربی"، به تولید گفتمان های اورینتالیستی می پردازند و استثمار و ستم بر اساس جنس و جنسگونگی را نشانه ذاتی جوامعی مثل ایران محسوب می کنند. این طرز برخورد، نه تنها از نابرابری های موجود علیه همجنسگرایان در "دنیا آزاد" چشم می پوشد، بلکه به این ادعای پوچ که همجنسگرایی پدیده ایست غربی هم دامن می زند. این ادعای "غریزه بودن" همجنسگرایان، وسیله خارج سازی همجنسگرایان ایرانی از حیطه شهروندی سیاسی و اجتماعی ایران مدرن بوده و هست. من معتقدم که تحقیقات تاریخی در زمینه جنس و جنسگونگی با اشاره به تاریخ همجنسخواهی در ایران و با نشان دادن سرمایه گذاری پروژه مدرنیته ایرانی در دگرجنسگرایی، می تواند این ادعا را به چالش بکشند. به جای "خاص" سازی (بخوانید خارج سازی) همجنسگرایی، شاید باید تأملی کنیم بر طبیعی ساخته شدن دگرجنسگرایی که هیچ کس زحمت به زیر سؤال کشیدن آنرا به خود نمی دهد. هیچکس نمی نویسد "دلایل دگرجنسگرایی چیست؟!" آخر آنرا طبیعی فرض می کنیم و دلیلی برای توجیهش نمی بینیم. اما دوستان بسیار مدرن و روشنفکر این را وظیفه خود می دانند که دلایل همجنسگرایی را توضیح دهند تا یکجور بتوانند با آن کنار بیایند. خدا را شکر که در محافل اپوزیسیون هم دفاع از حقوق همجنسگرایان مد شده... البته از نوع کنترل شده اش! نویسنده "شرح" می نویسد: "به نظر می رسد کمتر کسی باشد که همجنس گرایان را به عنوان انسان هایی صاحب حق و حقوق شهروندی به رسمیت نشناسد." خوب است حالا همجنسگرایان "محترمند" و اینقدر در همین امریکایش حقوقشان پایمال می شود و اینقدر هموطنان دگرجنس گرا بهشان لطف دارند که می خواهند آنان را زیر "نظارت پزشکی و روانی کامل و قوی" نگه دارند. اگر محترم نبودند حتماً به پیشانیشان این نوشته را داغ می زدند: "خطر! همجنسگرا. نزدیک نشوید و الاً همجنسباز میشوید!!"

## طنز - حکایتی اندر فوائد نام محمد داشتن پائیز بارانی

روایت است که روزی از روزها؛ در زمانهای نه خیلی قدیم؛ تقریباً همین ده بیست سال پیش؛ در یکی از مراکز تربیت ملا و آخوند که به حوزه علمیه مشهور است؛ ملایی بود که به تدریس فقه و اصول و احکام اشتغال داشت و در همین راستا شاگردان فراوانی را تربیت کرده و به میان خلق بیچاره فرستاده بود. این ملا که در انجام هر کاری به دنبال ثواب دنیوی و اخروی بود و هیچ کاریش بی مزد و منت برای خدایش نبود در میان خیل شاگردانش؛ شاگردی داشت بچه سال و بغایت زیبا رو؛ به گونه ای که هر گاه ملا در زمان تدریس چشمش به صورت بی مو و چشمان گپرا و لبهای گلگون شاگردش می افتاد به یاد غلامان بهشتی که در آن دنیا در انتظارش بودند غوطه ور می شد و حالاتی بر او مستولی می شد که زمان و مکان را برای لحظاتی به دست فراموشی می سپرد. دست بر قضا نام شاگرد خوش بر و رو محمد بود. در میان شاگردان دیگر ملا؛ شاگردی نیز بود که کمی خون طالبانی در رگانش جریان داشت و هر گاه متوجه نگاههای آتشین ملا به همشاگردیش می شد و می دید استادش هر از گاهی چنان حالی به حالی می شود که رشته کلام از دستش به در می شود؛ دیگ غیرتش به جوش می آمد به حدی که از شدت خشم و غضب انتهای ریشش را می گرفت و می کشید تا اینکه روزی عنان اختیار از دستش به در شد و رو به ملا نمود و با غیظی فرو خورده گفت: استاد عزیز؛ شما که سالیان سال است که در این حوزه تدریس می کنید و نام و آوازه نیکتان همه عالم و آفاق را برداشته است فکر نمی کنید زل زدن به یک شاگرد و توجه خاص داشتن به او ممکن است لطمه ای به حسن شهرت شما وارد سازد و شان و شخصیت تمام حوزویان را به زیر سوال ببرد. ملا که دریافته بود نگاههای پر معنایش از دید دیگران پوشیده نمانده به دنبال بهانه ای گشت تا مشکل پیش آمده را به گونه ای ماستمالی کند. پس بادی به غیغب انداخت و با طمانینه رو به شاگرد معترض نمود و گفت: پسر جان تو مگر احادیث و روایاتی که از بزرگان دین به ما رسیده است را نخوانده ای؟ آیا نشنیده ای که بر زبان آوردن نام محمد یا نگرستن به صورت کسی که

نام محمد دارد برای یک مسلمان تا چه حد ثواب به دنبال دارد. اگر می بینید که من به صورت این طفل معصوم خیره می شوم و یا در صحبت هایم او را مخاطب قرار می دهم به خاطر وجه تسمیه نامش با نام سید و قطب عالمیان پیامبر مصطفی است تا شاید به این واسطه ثوابی از این کار را توشه راهم برای سفر آخرت نمایم. اتفاقاً در میان شاگردان مرد سن و سال داری با صورت پر از آبله و چشمانی لوچ و پشتی قوز کرده نیز وجود داشت که نامش محمد بود. شاگرد معترض با دست به این یکی محمد اشاره ای کرد و خطاب به ملا گفت: استاد فرمایش شما صحیح؛ اما به غیر آن یکی محمد ما محمد دیگری نیز در کلاس داریم که اوست. پس چرا در صحبت هایتان به او توجه ندارید؟ ملا که زیر چشمی به محمد زشت و آبله رو نگاه می کرد سری تکان داد و گفت: ای پسر تو فکر کردی که یک ملای خوب تمام ثوابهای دنیا را فقط و فقط برای خود می خواهد. من این یکی محمد را برای شماها گذاشته ام تا با دیدنش به یاد سید عالمیان و ختم پیامبران بیفتید و شما نیز به این واسطه ثوابی در کارنامه هایتان ثبت کنید. آیا فکر کرده اید که من تا به این حد بی معرفتم که شما را دست خالی رها کنم و به تنهایی راهی بهشت شوم؟ نه. ابداً. این یکی محمد از آن شما. ثوابش را ببرید. آن یکی محمد برای من کافی است



تصاویری از  
اعتراض آرام و



حمایت از  
همجنسگرایان  
ایرانی



در آمستردام پایتخت  
هلند

## همجنس‌گرایی واقعی چه کسی است؟ رضا - وب لاگ همگون

پسرهای گی ایرانی نیز مانند همه جای دیگر دنیا با یکدیگر از لحاظ طرز زندگی، توقع از زندگی، علاقه به انواع مختلف سکس و غیره ..... با هم فرق دارند.

با وجود همه این فرق‌ها ایرانیان گی مانند همه ملت‌های دیگر دنیا خواهان آشنایی با هموطنان دیگر خودشان هستند. اختلافات فرهنگی، گرمی فرهنگی ایرانیان و ملل شرقی دلیل بزرگ دیگری است که ایرانیان همواره همنشینی با هموطن خود را به غریبه‌ها ترجیح می‌دهند.

شاید برای خیلی از پسرهای گی ایرانی پیدا کردن یک شریک زندگی ایرانی بزرگترین آرزو و رویا باشد. در اینجا است که دیگر فقط ایرانی بودن و علاقه به داشتن سکس با پسری دیگر کافی نیست.

برداشت از گی بودن در بین مردم ایران (مانند ملل شرقی) بسیار با هم متفاوت است. مردم عادی با سطح آگاهی و سواد پایین‌تری برای این گروه قائل نیستند. به محض این که شخصی با همجنس خود سکسی داشت به او گی یا همجنس‌گرا اطلاق می‌کنند. البته استفاده از واژه‌های همجنس‌گرا و گی بسیار بالاتر از سطح فهم این گونه افراد است. لغاتی که بیشتر در این زمینه استفاده می‌شود کونی، بچه باز، اوخواهر، همجنس‌باز و ..... است. حتی فکر این که یکی از همین کونی‌ها، بچه‌بازها، اوخواهرها و همجنس‌بازها ممکن است برادر فرزند و دوست خودشان باشد نیز به مخپله آن‌ها خطور نمی‌کند! هزاران هزار ایرانی که برای مثال از گی ایران دیدن می‌کنند، نامه می‌دهند، اعضا گروه‌های همجنس‌گرای ایرانی در کشور‌های مختلف هستند، در جشنها و فعالیت‌های فرهنگی همجنس‌گرایان فعال هستند. این‌ها دوست، پدر، برادر، فرزند و هموطن شما هستند. چه دلشان بخواهد و چه دلشان نخواهد. چه جایی در مغز آنها برای درک این مطلب باشد یا نباشد.

اما در بین ایرانیانی هم که با همجنس خود روابط جنسی دارند نیز تفاوت‌های فاحش وجود دارد. صرف این که شخصی از داشتن روابط جنسی با همجنس خود لذت می‌برد نمی‌توان به او گی یا همجنس‌گرا اطلاق کرد.

ایرانیان را می‌توان از لحاظ داشتن سکس با همجنس خود به چند گروه تقسیم کرد.

1. مردان متاهل ایرانی که از داشتن رابطه سکس با پسران هم لذت می‌برند، برای این دسته دلیل این کار صرفاً "لذت بوده و دلیل دیگری وجود ندارد." اینان اکثراً فقط مایل با داشتن نقش فاعل در رابطه جنسی هستند و البته در بین این گروه مفعول نیز وجود دارد.

به این دسته طبیعتاً نمی‌توان گی اطلاق کرد.

2. دسته دیگر مردانی که در بدن زن‌زدانی و [زنایی] که در بدن مرد‌زدانی هستند. به این گروه که افراد کم‌سواد و پایین از لحاظ فرهنگی در ایران آنان را اوخواهر (مردان) می‌نامند نیز نمی‌توان گی اطلاق کرد. در کشور‌های متمدنی و متمدن دنیا به آن دسته از این گروه که مایل باشند، امکانات پزشکی جهت تغییر جنسیت داده می‌شود.

3. دسته دیگر که شاید بشود آنها را نگویندترین گروه نامید گی بوده ولی توسط فشارهای خانواده و مذهبی تن به ازدواج با جنس مخالف داده‌اند. هر بار که با شریک زندگی تحمیلی خود سکس دارند شکنجه شده و با بستن چشم‌ها و فکر کردن به ایده‌آل خود بهترین تلاش را بکار می‌برند که .... این‌ها را نیز نمی‌توان گی اطلاق کرد. هرچند که اگر فشارهای خانواده و مذهبی نبود شاید این‌ها جزو دسته خوشبختی از گی‌های ایرانی می‌شدند. خیلی از این‌ها بعد از خروج از ایران جرات شکستن دیوارهای زندان خود را پیدا می‌کنند.

4. پسرهای مجرد لذت‌طلب ایرانی. این دسته که در ایران به خاطر دشواری دست‌یابی به جنس مخالف و در خارج از ایران به دلیل آزادی این جوامع لذت‌داشتن سکس با پسر و مرد دیگری را چشیده، علیرغم این که رویای پیدا کردن همسری از جنس مخالف را در سر دارند، توانایی دست‌کشیدن از این لذت را ندارند. برای اینان هدف و دلیل اصلی لذت می‌باشد و این گروه اکثراً بعد از ازدواج کم‌کم گروه عوض کرده و جزو گروه اول می‌شوند. این گروه نیز طبیعتاً سزاوار گی و همجنس‌گرا نامیده شدن نیستند.

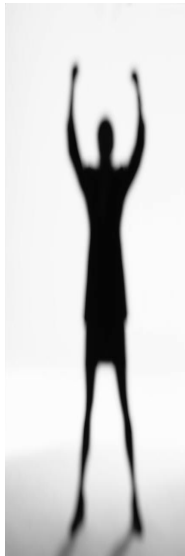
و اما گروهی که طرف‌سخن ماست و افتخار داشتن صفت گی [و لزبین] و همجنس‌گرا را دارا می‌باشد گروه پسران و دختران ایرانی است که هر روز آنان را در کنار خود می‌بینیم و هیچ‌فرقی با بقیه اعضا جامعه ندارند

## از کنارم مرو

### نیما

و اما اکنون مايلم که بنويسم، از تو می نویسم که همه چیز من هستی، از تو می نویسم که تنها دارایی من هستی، از تو که خدای من هستی.

آری، به یاد دارم آن روزهایی را که با تو بودم، به یاد دارم زمان هایی را که هم صحبت تو بودم، به یاد دارم خوبی هایت را و نمی توان گفت بدی هایت را زیرا همه چیز از جانب من بوده، زیرا که خدای من، در دین اجدادی من چنان است که همه چیز آن نامش



خوبی است و عدم آن بدی است. شاید زمان هایی که تو را از صمیم قلب نخواندم، سرنوشتم به جایی رسیده که اکنون آن را بد می دانم. اما چرا من آن زمان نبود تو را حس نمی کردم؟

اکنون پر بار تر از همیشه، بوی زیبای تو را استشمام می کنم و از جلوه های خوش تو را در زندگانیم نقش بندی می سازم زیرا که تویی تمام خواسته های من، زیرا که من در راهی هستم که از تو شروع شده و به تو خواهد رسید اما نمی دانم خاتمه آن کجاست؟

شاید پایانی نباشد، همچنان که خوبی هایت را پایانی نیست. من خودم را فدای ساخته های تو و تکه تکه های تو می کنم و بر این باورم که فدائی خواهم شد بی نظیر، فدائی خواهم شد ماندگار در تاریخ، فدائی خواهم شد فانی.

من از تو هیچ نمی خواهم، خواسته ام تنها یکی است. من از تو تنها و تنها حضورت را خواستارم، آن هم مداوم و همیشگی زیرا که بودنت خوبی و موفقیت است.

از کنار من مرو، من را با عدمت تنها مگذار. اما اگر روزی بروی، من نیز بدنبال تو رهسپار خواهم شد تا هیچگاه عدمت را دارا نباشم.

من نیازمند تو هستم. من بنده تو هستم. من مُلک تو هستم. پس سزاوار است که نیازمندان را غنی، بندگان را امیر و ملکت را آباد سازی. خوشنودم از آن همه نیکی که بر من دادی و بر من خواهی داد و ممنونم از آن همه بدی که از من دور ساختی و دور خواهی ساخت.

غیر از اینکه شریک زندگیشان را (فقط) از میان همجنس خود انتخاب می کنند. دلیل اینان برای این کار نه فقط لذت جنسی بلکه نیاز به عشق است.

افراد غیر از این گی نیستند بلکه اشخاصی هستند که به جای مغز با آلت تناسلی خود فکر می کنند و چون دنبال عشق و عاطفه نیستند و هدف، عشق و محبت نیست دیگر فرقی هم نمی کند که با که و چه چیزی سکس دارند، مرد، زن، دختر، پسر، کودکان، حیوانات.....

گی و همجنسگرای واقعی به دنبال عشق است و آن را فقط و فقط در همجنس خود می یابد. غیر از این معجونی دیگر است که نباید نام گی و همجنسگرا را به آن آلوده کرد.

باید خیلی احتیاط کرد که شریک زندگی خود را از میان گروه واقعی گی و همجنسگرایان انتخاب کرد و همچنین فراموش نکرد که:

آن تصویری که از انسانهای زیباروی ایده آل که در تبلیغ های تلویزیونی، مجلات و اینترنت وجود دارد، سالهای نوری از دنیای واقعی دور بوده و صرفاً جهت لذت، جلب توجه و سرگرمی ساخته شده اند. اگر شریک زندگی ایرانی پیدا کردید که لیاقت تعلق داشتن به گروه گی و همجنسگرایان را داشت نباید فقط به امیدی واهی او را رها کرد و در هر رابطه ای مخصوصاً در ابتدای آن، گذشت مهمترین و بزرگترین لغتی است که نباید آن را از یاد برد.

جوانان و نوجوانان ایرانی که در گیر و دار پی بردن به هویت همجنسگرایی خود هستند نیز دیگر اکنون می دانند که در همه جوامع مترقی، گی و همجنسگرا بودن توسط قانون و افراد آزاده مورد قبول قرار گرفته، تعداد مردان و زنان گی ایرانی بیشتر از آن چیزی است که خیلی ها حتی فکرش را هم نمی کنند و به شما این امکان را می دهد که آن طور که هستید و دوست دارید زندگی کنید.

و فراموش نکنید که:

هیچ عملی تا زمانی که دو انسان بالغ و عاقل بدون اجبار و با میل خود مبادرت به انجام آن نمایند و لطمه ای به شخص دیگری نرساند عمل بدی نیست. هر که اعتقاد به شعار بالا داشت لیاقت انسان نامیده شدن را داراست.



## سبزه خط برای زندگی بهتر

سخنانی از گابریل گارسیا مارکز



- 1- دوستت دارم نه به خاطر شخصیت تو، بلکه به خاطر شخصیتی که من هنگام با تو بودن پیدا می‌کنم.
- 2- هیچ کس لیاقت اشک های تو را ندارد و کسی که چنین ارزشی دارد باعث اشک ریختن تو نمی‌شود.
- 3- اگر کسی آنطور که میخواهی دوستت ندارد، به این معنی نیست که تو را با تمام وجودش دوست ندارد.
- 4- دوست واقعی کسی است که دست های تو را بگیرد ولی قلب تو را لمس کند.
- 5- بدترین شکل دلتنگی برای کسی آن است که در کنار او باشی و بدانی که هرگز به او نخواهی رسید.
- 6- هرگز لبخند را ترک نکن حتی وقتی ناراحتی، چون هر کسی امکان دارد عاشق لبخند تو شود.
- 7- تو ممکن است در تمام دنیا فقط یک نفر باشی، ولی برای بعضی افراد تمام دنیا هستی.
- 8- هرگز وقتت را با کسی که حاضر نیست وقتش را با تو بگذراند، نگذران.
- 9- خدا خواسته است که ابتدا بسیاری افراد نامناسب را بشناسی و سپس شخص مناسب را. به این ترتیب وقتی او را یافتی بهتر می‌توانی شکرگزار باشی.
- 10- به چیزی که گذشت غم مخور، به آنچه پس از آمد لبخند بز.
- 11- همیشه افرادی هستند که تو را می‌آزارند. با این حال همواره به دیگران اعتماد کن و فقط مواظب باش که به کسی که تو را آزرده، دوباره اعتماد نکنی.
- 12- خود را به فرد بهتری تبدیل کن و مطمئن باش که خود را میشناسی، قبل از آنکه شخص دیگری را بشناسی و انتظار داشته باشی او تو را بشناسد.
- 13- زیاده از حد خود را تحت فشار نگذار، بهترین چیزها در زمانی اتفاق می‌افتد که انتظارش را نداری.

## باز هم همجنسگرایی!

### مهشید راستی

می‌دانم که در ایران تا به رسمیت شناختن حق همجنسگرایان راه زیادی مانده است و می‌دانم که این راه را نمی‌شود یک شبه رفت. اما فکر می‌کنم هرچه بیشتر راجع به این مسئله صحبت باشد، بهتر است و بیشتر مسئله روزمره می‌شود. فکر می‌کنم با روزمره بودن مسئله کمک بسیار بزرگی به برداشتن تابو از روی این گرایش کرده ایم.

برخورد با همجنسگرایان بسیار چند گانه است. کسانی که فکر می‌کنند این دسته از انسانها باید اصلا اعدام شوند تا بشر از انحراف اخلاقی حفظ شود، دسته ای هستند که اینقدر بدوی فکر نمی‌کنند و معتقدند که با شک الکتریکی یا دارو و درمان و یا تراپی، انسان همجنسگرا را باید درمان کرد، یعنی بی تعارف نمی‌خواهند بکشندش، بلکه می‌خواهند که به زبان خوش یا ناخوش مجبورش کنند که خودش کلک خودش را بکند تا بار جرمش بر دوش این بشر دوستان سنگینی نکند.

گروهی هم همجنسگرایی را قبول می‌کنند با بیان این مطلب: این طفلی‌ها که تقصیر خودشان نیست این طوری شده‌اند. فکر کردم این بار با دسته آخر گفت و گویی کنیم و این که همجنسگرا انسانی طفلکی نیست، صغیر نیست و مورد ظلم طبیعت و یا خدا و پیغمبر و یا هر چیز و کس دیگری واقع نشده است. به نظر من همجنسگرا انسانی عادی است. انسانی مظلوم و صغیر نیست. یک شهروند معمولی است که باید از تمام حقوق و وظایف شهروندی برخوردار شود. اگر جرمی مرتکب شد، باید به سزای جرمش برسد و اگر عملی انجام داد که مورد تشویق قرار بگیرد باید مثل هر شهروند دیگری تشویق در مورد او انجام شود. همجنسگرایان بیهوده به کنار جامعه رانده شده‌اند و جزو اقلیت محسوب می‌شوند. این اقلیت بودن، این بار گران بودن، این عنصر نامطلوب بودن، این داغ لعنت را باید از روی همجنسگرایان برداریم و باید این کار را از خودمان شروع کنیم.

چند روز پیش با دوستی در مورد سختی دوست شدن و دوست یابی در میان سوئدی‌ها صحبت می‌کردیم. به او می‌گفتم که بسیاری از سوئدی‌ها را مثلا همکارانم را، من خودم مایل نیستم رابطه نزدیکتری

داشته باشم. او پرسید که تو دوستان سوئدی داری؟ گفتم که خوب آره، توماس هست، دانیل هست، لیزبت هست، گفت: مگر توماس و دانیل گی نیستند؟ گفتم خوب چرا، سوئدی هستند دیگر، و او گفت: نه بابا منظورم آدم معمولی است!!!! و آدم معمولی برآستی کیست؟ من در میان ایرانیان این جا هم دوستان فراوانی ندارم و آنها که دوستان من هستند ایدا انسانهای معمولی نیستند. انسان هایی هستند که بر ضد قوانین نانوشته اجتماعی حرکت کرده و می کنند و خواهند کرد و به هیچ وجهی نمی شود نام معمولی بر آنان گذاشت. من خودم هم معمولی نیستم. پس چرا باید دوستان سوئدی من معمولی باشند. نه، دوستان سوئدی من هم غیر معمولی هستند. ولی این غیر معمولی بودن آنها در مغزشان و برخوردشان با مسائل اجتماعی و انسانی نهفته است ، و نه در اتاق خوابشان و این که تخت خوابشان را با کدام جنس آدمیزاد شریک می شوند.

من آدمهای بسیار معمولی همجنسگرا هم دیده ام. همه آدمهای همجنسگرا هم انسان گرا و انسان دوست نیستند و نسبت به دردهای اجتماعی واکنش نشان نمی دهند. آدمهای همجنسگرایی دیده ام که بعد از یک ربع همصحبتی از کنارشان گذشته ام. بسیار معمولی و پیش پا افتاده بودند و برای من به مرز غیر قابل تحمل بودن رسیدند. با آنها نمی شد در مورد مسئله ای که در اجتماع جریان دارد سخن گفت، از اوضاع دنیا بی خبر بودند، بهترین فیلمی که دیده بودند فیلم آخر آرنولد شوارتزنگر بود و مدتها بود که لای کتابی را باز نکرده بودند. به یک معنی، بسیار پیش پا افتاده و معمولی بودند و برای من بسیار غیر قابل تحمل.

معمولی بودن و یا نبودن افراد وابسته به گرایشات جنسی آنان نیست. آنچه انسان ها را از هم و از دیگران جدا می کند و به صورت انسانی منحصر به فرد در می آورد، اندیشه و رفتار و تفکر انسان هاست. برخوردهای اجتماع با انسان همجنسگرا و دگر جنسگرا بسیار متفاوت است. اگر انسان همجنسگرایی جرمی مرتکب شد، همیشه همجنسگرا بودن او زیر زره بین قرار می گیرد و اصلا به عنوان یکی از عوامل جرم مطرح می شود. حال آن که اگر انسان دگر جنسگرایی جرمی مشابه مرتکب شد، معمولا جرم به طور مشخص زیر

سوال می رود و دگر جنسگرا بودن فرد ایدا در این رابطه مطرح نمی شود. مثلا اگر انسان همجنسگرایی به کسی تجاوز کرد، جرم به تنهایی مطرح نمی شود بلکه از همجنسگرا بودن او به کرات نام برده می شود. در صورتی که در تجاوز یک دگر جنسگرا به انسانی دیگر، مسئله گرایش جنسی او همیشه مسکوت می ماند.

من شخصا برای هیچ همجنسگرایی دل نمی سوزانم، من برای جامعه ای دل می سوزانم که همجنسگرا را بخاطر گرایشش، متمایز می کند و در بیرون روابط اجتماعی قرار می دهد. اجتماعی که به این رشد فکری و روحی نرسیده است که انسان همجنسگرا را به عنوان انسانی برابر با دیگر انسانها تلقی کند و حقوق و وظایفی برابر بر عهده او قرار دهد. به این ترتیب از او فردی مظلوم می سازد که مستحق برخوردی متمایز است.

من به انسان همجنسگرا به دید یک انسان ناقص نگاه نمی کنم. انسانی که مورد ظلم طبیعت قرار گرفته و بیچاره باشد. به نظر من انسان همجنسگرا هیچ کم و کسری نسبت به انسان دگر جنس گرا ندارد. فکر می کنم آن چه انسان را از دیگر موجودات زمین جدا می کند، فکر است، کلام است و قدرت بیان خود، که این ها در انسان ها بدون در نظر گرفتن گرایشات جنسی آنان مشترک است و یک چیز دیگر، **عشق**، فکر می کنم کسی که عشق را شناخته باشد - حتی اگر در تمام زندگی خود فرصت لمس و حس آن را نداشته باشد، اما آن را شناخته باشد - و در جستجوی عشق زندگی کند، انسان کاملی است. این که مورد عشق انسانها چه انسانی است و از چه جنسی، کمترین نقشی در تکامل او بازی نمی کند.

**برای دیدن مصاحبه جناب آقای آرشام پارسی  
سخنگوی سازمان با تلوزیون ماهواره ای کانال  
یک به آدرس زیر مراجعه نمایید.**

**[http://rahai-zan.uhrtv.com/Sept07\\_2005](http://rahai-zan.uhrtv.com/Sept07_2005)**

## شکنجه همجنسگرایان در ایران

گفتگوی DOUG IRELAND روزنامه نگار

همجنسگرای معروف آمریکایی با یک

همجنسگرای ایران

مترجم: ج. شیرازی

با کمی خلاصه سازی

DOUG IRELAND روزنامه نگار همجنسگرای معروف آمریکایی که در سایت گی سیتی نیوز آمریکا مطلب می نویسد و در آشنایی افکار عمومی جهان با وضعیت سخت همجنسگرایان ایران نقش فعالی ایفا کرده، چند روز پیش مصاحبه ای با امیر، جوان 22 ساله همجنسگرای ایرانی که خود مورد شکنجه واقع شده و اخیراً از کشور خارج گردیده، انجام داده که در بسیاری از روزنامه ها، مجلات و سایتهای خارجی بچاپ رسید. مطلب فارسی زیر از روزنامه سیدنی استار ابزرو ترجمه شده است.

امیر یک همجنسگرای 22 ساله ایرانی است که توسط پلیس در یک اقدام وسیع نیروی انتظامی برای مقابله با فعالیت همجنسگرایان در اینترنت دستگیر گردید. او در بازداشت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفت، به اعدام تهدید شد و صد ضربه شلاق خورد. او در ماه اگوست از ایران فرار کرد و حالا در انتظار دریافت پناهندگی از یک کشور موافق حقوق همجنسگرایان است.

در یک مصاحبه تلفنی دو ساعته با امیر (با کمک یک مترجم) او اطلاعات دست اولی از شیوه و روش های خوفناک برخورد جمهوری اسلامی در سرکوب همجنسگرایان ایران در اختیار گذاشته. داستان او این است:

امیر اهل شیراز است، شهری با جمعیتی بیش از یک میلیون سکنه در جنوب غربی ایران که شاه در دهه شصت و هفتاد (میلادی) در این تلاش بود که آن را "پاریس ایران" کند و جمعیتی از همجنسگرایان را به آن شهر جلب کرد که شیراز را به عنوان محل گذران تعطیلات خود برمی گزیدند. اما بعد از انقلاب 1979 به رهبری آیت الله خمینی، با شیراز بعنوان یک شهر طاغوتی برخورد شد. پدر امیر در حمله شیمیایی در جنگ ایران و عراق در سال 1987 کشته و لقب شهید بخود گرفت که بر اساس آن خانواده اش از حقوق و منافع ویژه دولتی برخوردار می شدند.

امیر که در کنار مادر، یک برادر بزرگتر و دو خواهر، رشد کرد، می گوید: "من از همان 5 یا 6 سالگی می دانستم که گی هستم - من همیشه بازی کردن با دختران را ترجیح می دادم. من اولین تماس جنسی ام با یک مرد را زمانی که 13 سال داشتم تجربه کردم. ولی در خانواده ام هیچ کسی از همجنسگرا بودن من اطلاعی نداشت."

بازداشت امیر بخاطر گی بودن دو سال پیش اتفاق افتاد: "من در یک جشن خصوصی شرکت کرده بودم، حدود 25 جوان آنجا بودند که همه ما دوستان صمیمی هم بودیم، یکی از بچه ها، احمد رضا- که پدرش افسر سرهنگ نیروی امنیتی بود- و پلیس از گی بودنش اطلاع داشت، جاسوسی کرد و به مسئولان خبر داده بود که همچون جشنی در حال انجام شدن بود." احمد تا رسیدن همه بچه ها منتظر ماند و بعد به رئیس اداره امر به معروف و نهی از منکر به ریاست سرهنگ صفانیا زنگ زد، که چند دقیقه بعد به محل جشن هجوم آوردند. در باز شد و پلیس به داخل هجوم آورد، به ما توهین کرده و حین ضرب و شتم ما داد می زدند که: "کی مفعوله؟ کی فاعله". رئیس حمله کنندگان سرهنگ جوانمردی بود. وقتی یکی سعی می کرد آن ها را از کتک زدن صاحب خانه باز دارد. یکی از شرکت کنندگان یک ترانس سکشوال بود و پلیس آنچنان به سر و صورتش زدند که صورتش زخمی و پرده گوشش پاره شد و به بیمارستان منتقل شد. احمد رضا (گی جاسوس) در حالی که پلیس ما را می زد مشغول معرفی کردن و لو دادن تک تک بچه ها بود.

پلیس ملاقه برداشته، آن را پاره کرده و با آن چشمان ما را بسته و درون ماشین انداختند و ما را به بازداشتگاهی در محل نیروی انتظامی بردند که معروفیتی مانند بازداشتگاههای گ.ک.ب شوری دارد و ترس در دلها می اندازد."

امیر می گوید: "من سومین نفری بودم که مورد بازجویی قرار گرفتم. پلیس فیلم ویدیویی گرفته شده در محل جشن را ضبط کرده بود، که در آن من یک شعری می خواندم. پلیس از من خواست که آن شعر را دوباره تکرار کنم. پرسیدم چه شعری؟ و آنها شروع به کتک زدن به سر و روی من کردند. وقتی سعی کردم گی بودنم را انکار کنم آنها کفش هایم را در آورده و شروع

به کابل زدن به کف پاهایم کردند. درد وحشتناک بود. من هم چنان چشم بسته بودم. آنها در خانه محل جشن آلت مصنوعی مردانه پیدا کرده بودند، آنها مرا با آن کتک زدند و آن را با فشار در دهانم فرو می کردند. وقتی به آنها گفتم که پدرم شهید شده و من فرزند شهیدم، آن ها با شدت بیشتری مرا زیر کتک گرفتند. آنها کارت ام (که حقوق ویژه فرزند شهید بودن را به من می داد) از من گرفتند و گفتند که به دانشگاهی که در آن در رشته کامپیوتر تحصیل می کردم، اطلاع خواهند داد. "امیر ادامه می دهد" آنها به محل سکونتم رفته و کامپیوترم را ضبط کردند و در آن عکسهای هموارتیکی مردانه پیدا کردند و آنها را به مادرم نشان دادند. همین باعث شد که مادرم به گی بودم پی ببرد. در آخر محاکمه شده و به پرداخت صد هزار تومان جریمه شدم. قاضی در حین جریمه کردنم گفت: اگر در معاینه پزشکی ثابت شود که عمل دخول بر تو واقع شده، به اعدام محکوم خواهی شد."

امیر می گوید که بیشتر پیگرد و سرکوب همجنسگرایان توسط بسیج انجام می شود. افراد بسیجی بیشتر از طبقات پائین و نادر جامعه و همین طور مجرمان انتخاب می شوند و کارهای کثیف و خشن به آنها واگذار می شود تا رژیم ادعا کند که بطور رسمی دخالتی در کارها ندارد و مسئول هم نیست. بطور مثال در جریان تظاهرات دانشجویان هم بسیج مسئول مقابله با دانشجویان و ضرب و شتم آنها بود. یک سال بعد از بازداشت، امیر با چت رومهای یاهو در اینترنت آشنا می شود. "یکی وارد چت روم شد و شروع کرد برایم پیام دادن، ولی بهش گفتم که او تیپ من نیست و خصوصیات پسری که تیپ من باشد را بهش گفتم. چند لحظه بعد فرد دیگری شروع کرد به پیام فرستادن، با هم عکس رد و بدل کردیم و او بلافاصله آدرس وب سایت خود را برایم فرستاد و او درست همان خصوصیات و مشخصاتی را داشت که من به فرد قبلی گفته بودم که دارم دنبالش می گردم. بعدها مشخص شد که هر دو نفر مامور پلیس بوده اند. آنها افراد زیادی داشتند که براحتی هر تیپ مورد نظر فرد را میتوانستند تحویل دهند."

از آشنایی با پسر دومی که در چت روم با من تماس گرفته بود خوشم آمد و خیلی ذوق زده شده بودم و

برای دیدن همدیگر، در کنار گیشه تلفنی نزدیک پل باغ صفا قرار گذاشتیم. وقتی به آنجا رسیدم من و او با هم راه افتادیم که حرف زده و بیشتر همدیگر را بشناسیم اما 30 ثانیه بعد دستی از پشت روی شانه ام حس کردم (که بعدها معلوم شد یک پلیس مخفی بنام علی پناهی است.) و به اتفاق دو نفر بسیجی دیگر به من دستبند زده، با زور سوار ماشین کرده و به محل نیروی انتظامی که محل ترسناکی است، بردند. آنجا من گی بودم و این که این ملاقات یک شیوه آشنایی همجنسگرایانه است، را انکار کردم اما آنها تمام پیامها و عکسهای رد و بدل شده من و طرف مقابل در چت روم را که پرینت کرده بودند، به من نشان دادند. بعد از آن شکنجه ها شروع شد؛ "یک صندلی فلزی در وسط اتاق بود آنها یک شعله گازی در زیر صندلی قرار داده و مرا مجبور به نشستن روی صندلی کردند. از نشستن روی آن صندلی فلزی که داغتر و داغتر می شد آنچنان وحشت داشتم که مجبور به اعتراف شدم. بعداً آنها پرونده مرا در آورده و گفتند که من "یک کونی معروف در شیراز هستم". و بعد آنقدر کتکم زدند که بیهوش شدم و در همان حالت مرا در سلولی انداخته بودند. وقتی بیهوش آمدم تعداد زیادی از پسران گی را در آن سلول دیدم. یکی از آنها برایم تعریف کرد که بعد از دستگیری اش، او را مجبور کرده بودند که در چت رومها با دیگران قرار ملاقات گذاشته و همه آن افراد را دستگیر کرده بودند و این افراد درون سلول همان افراد دستگیر شده هستند.

در آخر همه ما مورد بازجویی [قرار گرفته] و دادگاهی شدیم. قاضی چهار نفر ما را، از جمله خود من را، به شلاق خوردن محکوم کرد. خبر در همه روزنامه ها چاپ شده بود که اعضاء یک گروه همجنسگرا دستگیر شده اند. من به صد ضربه شلاق محکوم شدم. قبل از این که صد ضربه تمام شود من بیهوش شدم. وقتی بیدار شدم پاهایم آنچنان بی رمق بودند که نتوانستم بایستم. آنها قبلش به من گفته بودند که اگر در حین شلاق خوردن داد و فریاد کنم شدت ضربه ها را بیشتر خواهند کرد. بهمین دلیل دستهایم را گاز می گرفتم که داد نزنم.

بعد از آن زندگی برای امیر غیر قابل تحمل شد؛ و مرتب مورد تعقیب و مراقبت افراد بسیج و نیروی امر به



نیستیم. آنها مرا زیر کتک گرفته و به اعتراف کردن به هر چیزی وادار می کردند و من هم اعتراف می کردم. گی ها و لزیب های ایرانی تحت فشاری باورنکردنی واقع هستند، آنها به کمک احتیاج دارند، آنها به دخالت خارج نیازمندند. اوضاع واقعاً بد است، جداً بد. ما بطور مرتب در اجتماع، در خیابان، در مسیر خرید، در راه خانه و همه جا مورد توهین و شماتت واقع می شویم، همه ما، همگی ما! یکی از دوستان صمیمی ام، نیما، یک ماه پیش در شیراز خودکشی کرد. او بیش از این نتوانست تحمل کند. من نمی دانم برای خودم چی پیش می آید. من بدون پول هستم، نمی دانم چه کاری باید بکنم. فقط امیدوارم مرا به ایران پس نفرستند. آنها مرا می کشند.

معروف و نهی از منکر بود. امیر می گوید که بعد از اعدام دو نوجوان همجنسگرا در مشهد در سال جاری و اعتراضات وسیع جهانی بر علیه اعدام آنها، شرایط برای او و دیگر همجنسگرایان در ایران سخت تر شده. او می گوید که بطور مرتب تحت تعقیب، مراقبت و تهدید بوده است: "بعد از اعدامهای مشهد، سر زدن مسئولان تقریباً حالت شدیدی بخود گرفت، آنها از همه کارها و رفت و آمد من اطلاع داشتند. آنها بطور دقیق به من می گفتند که در هنگام خروج از خانه کجا بوده ام و چه کارهایی کرده ام. من به نقطه ای رسیده بودم که حتی به دوستان نزدیک خودم شک داشتم که برای آنها جاسوسی می کنند.

"هر وقت از خانه خارج می شدم، و هر زمانی که میخواستند، حتی وسط روز مرا بازداشت کرده مورد پرس و جو قرار می دادند، دست پاچه ام می کردند، ازم می پرسیدند کجا بوده ام یا آیا برای کیر گشتن از خانه بیرون زده ام؟" و از من می خواستند که در خانه بمانم و به خیابان سر نزنم. در یکی از این بازداشتها و سوال و جوابها، اعلام کردند که اگر یکبار دیگر دستگیر شوم اعدام خواهم شد: "درست مثل پسرای مشهدی" او درست همینها را گفت و ما (هم من و هم او) می دانستیم که منظورش از پسرای مشهد همان دو پسرگی مشهدی که اعدام شدند، بود. اتهام تجاوز و دزدی که به آنها زده شده همه جعلی و ساختگی بود؛ وقتی تو دستگیر می شوی، با ضرب و شتم و تهدید مجبور می شوی به اتهاماتی اعتراف کنی که انجام نداده ای. این مسئله همیشه اتفاق می افتد و برای دوستان خودم هم اتفاق افتاده. امیر می گوید: "من به دلیل سابقه ام نمی توانستم کار پیدا کنم و کلاً بخاطر علنی شدن گی بودنم، کارایی مشکل بود و به خاطر پرونده ام کار دولتی هم به من نمی دادند."

او به بهانه امتحان ورودی دانشگاه برای مدرک ارشدی به تهران رفت. من از سه سال قبل یک پاسپورت داشتم. در تهران از یکی از دوستانم پول قرض کرده و خارج شدم.

وقتی از امیر سنوالمی شود که در رابطه با اوضاع ایران و آینده خود چه پیامی برای جهان خارج دارد، او بعد از مکثی می گوید: "شرایط گی ها در ایران وحشتناک است. ما از هیچگونه حقوقی برخوردار



## اولین جشنواره همجنسگرایان ایرانی واحد امور فرهنگی سازمان

شما به اولین جشنواره بزرگ همجنسگرایان ایرانی دعوت شده اید. خبر اجرای این جشنواره و انتشار کارت دعوت فارسی و انگلیسی توسط این واحد انجام گرفت و از عموم دعوت

کردیم که در این جشن شرکت کنند و این مزه را دادیم که این جشنواره برگزار خواهد شد. نامه های بسیار زیادی داشتیم مبنی بر نگرانی هایی از اجرای این جشنواره و خطرات و فشارهایی که وجود دارد و آن را

غیر ممکن می سازد. تعداد این نامه ها بسیار زیاد بوده و هر کدام حاکی از موارد و مسایل بسیار مهم و ریزی است که در نگاه اول به چشم نمی خورد. برآستی چرا این نگرانی وجود دارد؟ چرا مردم از اجرای آن می ترسند؟ چرا ترس از دستگیری و کشتار مطرح می شود؟ چرا و هزاران چرا دیگر. مگر نبود اینکه دولت های اروپایی تقاضای پناهندگی همجنسگرایان ایرانی را رد می کردند و ادعا می داشتند که خطری شما همجنسگرایان را در ایران تهدید نمی کند و قوانین جزایی دیگر اجرا نمی شود و آنان را روانه ایران می کردند. مگر همین باور را خیلی از ایرانیان و حتی خود همجنسگرایان قبول ندارند. حال چرا نگران شدند؟ چرا این اقدام را بی موقع می دانند؟ ... ما حتما این جشنواره را برگزار خواهیم کرد. اجرای اولین جشنواره ممکن است زمان زیادی به طول انجامد و مشکلات و موارد بسیاری را در راه داشته باشد و مجبور باشیم آن ها را تک تک برطرف نماییم اما



اطمینان داریم که جشنواره های بعدی این مشکلات را ندارند.

برای برطرف سازی این موانع نیاز به کمک و حمایت داریم و بایستی همه با هم به آن دست یابیم به همین دلیل زمان این جشنواره را هنوز تعیین نکرده ایم و ترجیح دادیم که در جلو ردیف زمان بنویسیم: "هنگامی که، دستان یاری بخشان را در دست داشتیم"

از این طریق با این حرکت سمبلیک از تمامی دولت ها و ملت ها خواستیم که همجنسگرایان ایرانی را حمایت و پشتیبانی نموده و برای اجرای این جشنواره یاری رسان ما باشند. آدرس پست

الکترونیکی کمیسیون حقوق بشر هم در کارت ارائه شده که دریافت کننده نظرات و حمایت ها و نامه های عزیزان می باشد. طوماری نیز تهیه گردید که به جمع آوری امضا پرداخته است و از همین امروز تدارک این جشن را خواهیم چید و به رفع مشکلات کمر خواهیم بست.

برای حذف قانون مجازات اسلامی تلاش خواهیم کرد، برای آموزش مردم و ارائه فرهنگی مناسب و به روز شده به اجتماع خواهیم کوشید. پدران و مادران و دوستان و آشنایان را به طور صحیحی آشنا خواهیم کرد و تلاش خواهیم نمود که از دریافت اطلاعات نادرست و اشتباه توسط افراد بی اطلاع که به بدنامی و محکوم شدن همجنسگرایان می انجامد جلوگیری کنیم.

**در اولین جشنواره همجنسگرایان همدیگر را خواهیم دید و در آغوش خواهیم فشرد اما تا آن روز کارهای زیادی برای انجام دادن در پیش رو داریم....**

## خودسوزی یا قتل؟

### ترانه فروهر - دبیر دوم سازمان

خبر فاجعه ی قتل پسر 18 ساله توسط پدرش در رشت بعد از آزار و اذیت های روا شده بر امیر قلب هر انسانی را به درد آورد. طی خبری که توسط جناب آقای صبا راوی نماینده ی سازمان همجنسگرایان ایرانی در هلند دریافت شد پدری پس از افشا شدن همجنسگرایی پسرش او را با بنزین به آتش می کشد و پس از آن خود را نیز آتش زده تا آبروی خود و فامیلش را حفظ نماید. متأسفانه پسر 18 ساله از بین می رود و این پدر جان سالم به در می برد و تنها با سوختگی دست و صورت به جا می ماند. این حادثه در آگه بیشه در نزدیکی تازه آباد رشت اتفاق افتاد و در روزنامه ی محلی نسیم شمال به چاپ رسید.

شما پدران و مادران عزیز آیا روزی که ازدواج کردید و به آرزوی داشتن خانواده و اجاقی گرم قدم در زندگی مشترک گذاشتید و طعم این زندگی را با چاشنی فرزند بهبود بخشیدید چه می اندیشیدید؟ جز خوبی و نیکی

بود! جز اسب سفید و شاهزاده و زیبای خفته بود! هر خنده و گریه ی کودک روحی بودن در بدن شما و خونی بود در رگ شما و ممد حیات و مفر ذات. آیا شما نبودید که اگر فرزندان در کوچه و خیابان مورد ظلم هم سن و سالانش قرار می گرفت شانه می کشیدید و حق او را مطالبه می کردید؟ آیا شما نبودید که اگر معلم سر فرزند و دلبندها داد می کشید او را حامی بودید و در صد تغییر کلاس و مدرسه اش بر می آمدید؟ آیا شما نبودید که هر ایراد و اشکال و اذیت های او را سرپوش می گذاشتید و فخر او را برای دوستان و آشنایان خود می فروختید؟ چه شد همه ی این رویاها و آمال و آرزوها.

هشت سال جنگ ایران و عراق چه حق و چه ناحق باعث شد که بسیاری از جوانان کشورمان کشته شوند. هر چه داد برآوردیم نیاز کشور خواندید و دفاع را مقدم بر همه دانستید و فرزندانمان را

خود قرآن بر سرشان نهادید و به مقابله با دشمن فرستادید. چرا تغییر جبهه دادید؟ چرا در مقام دشمن برآمدید؟ آیا پدر بایستی به جنگ و قتل فرزند شتابد. این باور نکردنی است. امروزه نه جنگ است و نه تجاوز به میهن و نه هیچ. حال جبهه ی آبرو و فامیل نیاز است و با این بهانه جوانانمان را ناکام می کنید. زمانی آن ها را روانه گلوله می کردید اکنون بنزین بر روی فرزندان می ریزید و او را به آتش می کشید. به چه جرمی این چنین کردید؟ آیا همجنسگرا بودن فرزند شما این قدر اهمیت دارد که هم دلبندها پیشتان و هم خودتان را به آتش کشید. مگر آدم کشته بود! امروزه جرم آدم کش ها هم قتل نیست!

ما از تمام خانواده هایی که این چنین می اندیشند گلایه مند و شاکی هستیم و از تمامی شما خوانندگان عزیز می خواهیم که در آگاه سازی اطرافیان خود بکوشید.

**IRAN STOP KILLING QUEERS!  
STOP KILLING CHILDREN!**

لطفا این طومار را امضا کنید و به این ظلم و ستم ها اعتراض نمایید. متن طومار در این نشریه چاپ شده است.

**به کمپین بزرگ دفاع از حقوق  
همجنسگرایان ایرانی پیوندید.**

<http://new.PetitionOnline.com/IRGLO/petition.html>

**STOP KILLING QUEERS!  
IRAN  
STOP KILLING CHILDREN!**

## مشکلات امروزی همجنسگرایان ایرانی امیر پورشریعتی

از طرفی چون در سالهای اخیر به دلایلی افراد همجنسگرا و دوجنسگرا خودشان را برای داشتن روابط همجنسگرایی آزاد تر می بینند ولی هنوز همجنسگرایی به صورت رسمی در ایران موجه نشده و شرایطی پیش آمده که این موارد زیاد تر شده است.

### پدوفیلی همجنسگرایی نیست

### فیلم کرگدن - هوتن شیرازی

دوستان و خوانندگان عزیز

فیلم کرگدن نشان دهنده این واقعیت است و ما شما را به تماشای این فیلم دعوت می کنیم.

برای یافتن اطلاعات بیشتر در این باره به شماره یازدهم مجله ماها مراجعه نمایید.

[majaleh\\_maha@yahoo.com](mailto:majaleh_maha@yahoo.com)

همانطور که می دانید ما در پیش شماره های قبل آگهی یک تحقیق عمومی را چاپ کردیم و از تمامی دوستان خواستیم که مشکلاتشان را مطرح کنند تا یک بررسی انجام شود و این کار بنا به درخواست دوست عزیز ما امیر پورشریعتی انجام شده است و حال نتایجی از این تحقیق به اطلاعاتان رسانده می شود:

من سعی کردم تا جایی که از دستم ساخته بود و امکانش را داشتم تحقیقی انجام دهم در مورد تحول در مشکلات همجنسگرایان در سالهای اخیر و در این زمینه با ده ها همجنسگرا با موقعیت های مختلف صحبت کردم، نتیجه ای که به دست آمد این بود که تغییر زیادی در زمینه مشکلاتی که همجنسگرایان با دگرجنسگرایان داشتند رخ نداده فقط بعضی از همجنسگرایان با گذشت زمان مشکلاتشان با خانواده و اطرافیان کم شده و این هم فقط در اثر گذشت زمان و کوتاه نیامدن همجنسگرایان و در نهایت عقب نشینی خانواده ها و دیگر اطرافیان بوده ولی به هر حال همان مشکلات قدیمی که همه ما می دانیم هم چنان وجود دارد و همه این شانس را نداشتند که بتوانند بهبودی در وضعشان ایجاد کنند.

نمی شود انکار کرد که دیگر همجنسگرایان مثل هفت سال پیش ترس و محدودیت ندارند و در حال حاضر ارتباط بین همجنسگرایان خیلی بیشتر شده و این تا اندازه زیادی ناراحتی ها و احساس گناه و دیگر مشکلات همجنسگرایان را کم کرده است.

ولی چیزی که در بین این تحقیق نظر من را جلب کرد و توجه کمی به آن شده این بود که تعداد قابل توجهی از همجنسگرایان از طرف دوست (یا شریک جنسی) همجنسگرا یا به بعضاً غیر همجنسگرای خودشان مورد انواع آزارها و بدرفتاری ها قرار می گیرند که قسمتی از آنها آزارهای جنسی بوده است.

با توجه به وضعیتی که همجنسگرایان در ایران دارند نمی توانند در این موارد به مراجع قانونی شکایت کنند و یا از خانواده و نزدیکان خودشان کمک بگیرند و این دست افراد سوء استفاده گر را باز گذاشته که با تهدید همجنسگرایان به فاش کردن همجنسگرا بودنشان هر جوری که می خواهند همجنسگرایان را به بازی بگیرند.



## دوجنسگرایان، زخم خوردگان جامعه انار دلخون

تمایلات جنسیشان نسبت به همجنس خود چیزی کمتر از تمایلات همجنسگرایان نیست.

اکنون چند سوال، آیا این افرادی که طرح دوستی با يك همجنسگرا را ریخته و قول و قرار می گذارند و بعد از چند سکش وعده دوستی را نقض می کنند همگی دوجنسگرا هستند؟ خیر.

این گونه رفتارهای غیر انسانی از هر انسانی با هر سکشوالی ممکن است سرزند. چه دگرجنس گرا چه همجنسگرا و چه دوجنسگرا.

دوجنسگرایان در روابط جنسی چه نقشی دارند؟ top هستند یا bottom یا ver؟ آیا این واقعیت دارد که آن ها همگی top هستند؟ و آیا این درست است که افرادی که در نزدیکی شان نقش top را دارند همگی دوجنسگرا هستند؟

عزیزان توجه کنید که جواب سوال بالا ممکن است باعث تغییر ذهنیت شما در مورد دوجنسگرایان شود.

بایسکشوال های واقعی نه همگی بلکه اکثر قریب به اتفاق دارای نقش ver هستند حالا ممکن است soft یا نه hard نیز داشته باشند و نیز این را بدانید که افرادی که ادعا می کنند که بایسکشوال هستند ولی نقش فاعل را دارند اکثر دروغگویان بیش نیستند.

این ها افرادی کاملا دگرجنسگرا (heterosexual) هستند که چون در فقر جنسی به سر می برند یا این که همسری مناسب ندارند خود را بایسکشوال و top معرفی می کنند و در واقع از اسم بایسکشوال استفاده می کنند و بسیاری از همجنسگرایان عزیز به علت عدم مطالعه کافی فریب این دسته از دگرجنسگرایان را می خورند و لطامات عاطفی بسیاری بر آن ها وارد می شود و نهایتا از بایسکشوال ها متنفر می شوند در حالی که خبر ندارند که یار نیمه راه يك دگرجنسگرای فقیر از نظر امور جنسی بوده است. خوب پس این به هیچ وجه درست نیست که بایسکشوالها همگی نقش فاعل را دارند اکثر آن ها دوطرفه هستند پس نتیجه می گیریم افرادی که در نزدیکی نقش کاملا top را دارند یا همجنسگرا هستند با نقش کاملا فاعل یا این که دگرجنسگرا هستند و قصد سواستفاده دارند. ولی يك فرد دوجنسگرا اکثرا انعطاف پذیر هست و دارای نقش دوطرفه است.

اول سعی بر این است که همگان بدانند که دوجنسگرایان یا همان بایسکشوال ها به معنای فردی که از روی فقر جنسی به همجنسگرایی روی می آورد نیست. سعی بر این است که بتوانم مخاطبین را قانع کنم تا از این پس رفتار زشتی را که مربوط به برخی دگرجنسگرایان است منسوب به بایسکشوال ها نکنند. چون این درست نیست که يك اقلیت سکشوالی که خود زجر کشیده هستند به خاطر عدم مطالعه بخواهند اقلیت سکشوالی دیگری را که خود زخمی جامعه هستند منسوب به موارد ناحق و غیر مربوطه کنند.

چیزی که کمتر فردی عادلانه به آن می نگرد. شاید باور شود که برخی بایسکشوال ها چگونه در عشق های همجنسگرایانه خود می سوزند از طرفی دیگر چه قضاوت سنگدلانه ای در مورد آن ها می شود. سال ها در برزخ تنهایی و خوشبختی سوختن و ساختن سزاوار منسوب شدن به دگرجنسگرایانی که در فقر جنسی هستند نیست.

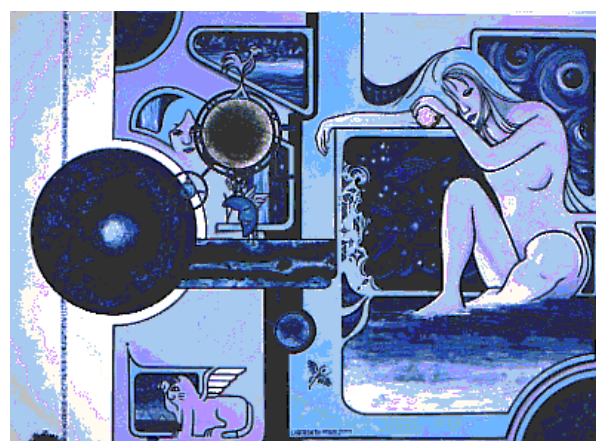
در ابتدا بهتر است توضیح دهم که دوجنسگرا به چه کسی گفته می شود. فرد دوجنسگرا به کسی گفته می شود که نه تنها کشش جنسی بلکه در درجه اول کشش عاطفی به هر دو جنس مخالف و موافق را دارد. بهتر است به نظر یکی از پزشکان که تحصیلات ایشان فوق تخصص در sexology هست در مورد دوجنسگرایی پردازیم.

ایشان فردی را دوجنسگرا می دانند که علاوه بر جنس مخالف نسبت به جنس موافق تمایلات عاطفی و احساسات عاشقانه دارند. پس خوانندگان گرامی نشریه چراغ توجه کنید تا این لحظه از تمایلات جنسی بایسکشوال ها صحبتی نشده و هسته و اساس تعریف آنها بر مبنای کشش عاطفی آن ها به همجنس علاوه بر جنس مخالف ذکر شده است.

اکنون به تمایلات جنسی این افراد می پردازیم. بزرگترین واقعیت موجود در ارتباط با بایسکشوال ها این است که تمایلات جنسی آن ها وابسته به درجه هموسکشوال آنها بسیار متفاوت است. بعضی از آن ها در عین کشش عاطفی به همجنس تمایلات جنسی ضعیفی نسبت به همجنس خود دارند و برخی از آن ها

این افراد دگرجنسگرا که در فقر جنسی هستند معمولا مجذوب چه پسرهایی می شوند؟ آیا موفق به فریب آن ها می شوند؟ نهایتا بعد از سکس چه رفتاری با آن ها دارند؟

این افراد دگرجنسگرا معمولا سراغ همجنسگرایانی می روند که bottom هستند و یا آرایش کرده اند و یا گی هایی که صورت بچه گانه دارند. ممکن هم هست سراغ ترانسسکشوال ها روند زیرا همه این پسرها می توانند باعث ارضای آن مرد دگرجنسگرا شوند و این افراد معمولا گی هایی را فریب می دهند که در روزهای اول آشنایی تن به سکس می دهند. ولی این مردها معمولا گی هایی را که خواهان آشنایی و دوستی سپس سکس هستند پس از چند دقیقه ای ترک می کنند. این رفتارها در کشورهای اسلامی و خانواده های مذهبی بسیار رواج دارد.



پس شما گی های عزیز و گرامی که bottom هستید و ادعا دارید که از دوست پسر بایسکشوال خود لطمه خورده اید اول این که بایسکشوال ها اکثرا ver هستند و دنبال دوست ver هستند. شما چگونه باور کردید طرف مقابل شما بایسکشوال و فاعل است؟! دوم اگر بلافاصله بعد از آشنایی تن به سکس نمی دادید به راحتی بعد از مدتی کوتاه تقریبا چند دقیقه متوجه می شدید که آن ها دگرجنسگرا هستند. چون آن ها بلافاصله شما را ترک می کردند و طرف شخصی دیگر می رفتند. ولی اگر پیشنهاد سکس را فوری بپذیرید این طبیعی است که چند ماهی از شما سو استفاده می کنند و بعد شما را ترک می کنند حتی ممکن است در آخر دوستی شما را آزار دهند یا باعث آبروریزی شوند چون این افراد که اکثرا از خانواده های مذهبی

هستند نقش فاعل را باعث افتخار خود می دانند و نهایتا شما را محکوم می کنند.

و نیز شما گی هایی که دوطرفه (ver) هستید و دوست پسر واقعا بایسکشوال داشته اید و نهایتا دوست پسر تان به شما خیانت کرده و بنای دوستی با دختری را گذاشته باید به شما بگویم که من به عنوان يك بایسکشوال شرمنده شما هستم. شما واقعا حق اعتراض دارید. چه ضربات و لطمات روحی که بر شما وارد نشده و می دانم که آن ناجوانمرد هیچ تاوانی را که نداده بلکه هیچ خسارانی را اصلا نپذیرفته است به شما حق می دهم و قبول دارم که با احساساتتان بازی شده است و می دانم چرا اکنون بایسکشوالها برایتان افرادی منفور هستند.

پس ابتدا در مقابل شما عرق شرم می ریزم هر چند که ارزش احساس به بازی گرفته شده شما هزاران برابر است سپس با طرح چند سوال به دفاع از حقوق بایسکشوال می پردازم.

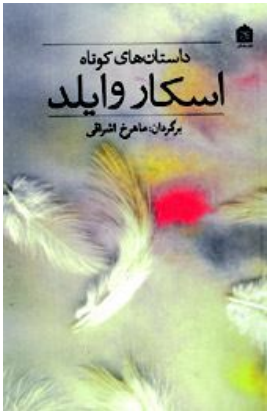
آیا خیانت کردن و بی وفایی با دوجنس گرایی رابطه مستقیم دارند؟ و بایسکشوال ها همگی ذاتا پست فطرت هستند؟ آیا همجنسگرایان همگی انسانهایی متعهد هستند؟ آیا میان همجنسگرایان کم بوده که یکی به عشق خود خیانت کند؟ آیا همه دگرجنسگرایان در بعد عاطفی زندگیشان موفق بوده اند؟ آیا مردان و زنانی که به زوج خود خیانت می کرده اند کم بوده اند؟ شاید فکر کنید من با طرح این سوال ها قصد دارم از قانون جنگل دفاع کنم، لطفا زود قضاوت نکنید.

منظور من این است که این ها یعنی هویت جنسی و رنگ و ظاهر و ... از فرعیات انسانها هستند. داشتن هر جنسی به معنای داشتن زمینه برای خیانت نیست. هر انسانی با هر هویت جنسی آفریده ای از خدای منان است. يك رنگ بودن یا خائن بودن بستگی به ذات انسان دارد پس این ذات انسان است که اصل يك انسان است نه نوع هویت جنسی آن.

اکنون در چند کشور اروپا به همجنسگرایان اجازه ازدواج داده شده است و می توانند از حقوق خانواده برخوردار شوند. در کشور ما این چنین حقی وجود ندارد. آیا این به آن معناست که همجنسگرایان در ایران حق زندگی ای پاك نداریم؟ آیا ازدواج حقی است که برای آن باید منتظر ماند تا توسط حکومت یا ارگانی داده شود؟

## اسکار وایلد

### شیمای بهره مند



داستان‌های کوتاه اسکار وایلد نام مجموعه‌ای است از داستان‌های شگفت‌انگیز، افسانه‌ای، عجیب و زیبا. این مجموعه ترجمه چند داستان کوتاه از اسکار وایلد نویسنده مشهور ایرلندی است. تاکنون برخی از این

داستان‌ها به صورت اقتباس و ترجمه آزاد به فارسی نوشته شده است. «اسکار فینگال افلرتی ویلس وایلد» در سال ۱۸۵۴ در دوبلین به دنیا آمد. او در کالج‌های ترینیتی و گلدن به تحصیل پرداخت و به دلیل علاقه مندی به افکار و دیدگاه‌های والتر پیتز به زمره زیباشناسان پیوست. نخستین مجموعه اشعار او در سال ۱۸۸۱ و نخستین داستان‌های کوتاهش بین سال‌های ۱۸۸۷ و ۱۸۹۱ به چاپ رسیدند. اسکار وایلد با نوشتن رمان «تصویر دوربین‌گری» و کمدی - اجتماعی‌های «بادبزین خانم ویندرمیر»، «زن بی‌اهمیت» و «اهمیت جدی بودن» به دنیای ادبیات پیوست و به شهرت رسید. «دوک پادو»، «پرنس شاد»، «راونا»، نیز از دیگر آثار او است. وایلد در سال ۱۹۰۰ در پاریس درگذشت. مجموعه داستان‌ها و قصه‌های افسانه‌ای وایلد انتقادی زیرکانه، ماهرانه و هنرمندانه از جامعه متظاهر و مبادی آداب ویکتوریایی است که تحت تاثیر انقلاب صنعتی و شکوفایی علم از سویی به سمت مادی‌گرایی و تجمل‌مدرئیت گام برداشته و از سویی دیگر با فقر، بیکاری، فحشا، فساد و بزهکاری دست به‌گریبان است. در این دوره نویسنده جایگاه تازه و مهمی یافت و به گفته «تامس کارلایل» نویسنده لقب پیامبر گرفت و به اعتقاد «متیو آرنولد» ادبیات در این دوره باید بار سنگین مذهب را به دوش می‌کشید و به عنوان یک جایگزین تعادل اخلاقی را در جامعه برقرار می‌کرد. اسکار وایلد نویسنده‌ای است که در این دوره خاص و حساس، با الهام از دیدگاه زیباشناختی «هنر برای هنر»، زیبایی را به عنوان اصلی‌یگانه در هنر و زندگی در نظر گرفت تا به دور از قیدوبندهای دروغین

آیین چراغ، خاموشی نیست!

خیر اصلاً اینگونه نیست!

معنای ازدواج عشق میان دو نفر و رعایت حریم این عشق است. عشقی که فقط میان آن دو نفر تقسیم شده است.

ازدواج یعنی وفادار بودن، ازدواج یعنی متعهد بودن، ازدواج یعنی قول دادن. قول دادن و قول گرفتن بی هیچ محدودیت زمانی و تا پایدار بودن گردونه زمان. ازدواج یعنی تک شریک جنسی و ازدواج حقیقی نیست که دادنی یا سلب شدنی باشد.

پس عزیزان با چشمانی روشن به آینه دلتان بنگرید که آینه دل بهترین تجلیگاه حق ازدواج هست. حقی که خداوند به همه انسانها با هر سکشوالی عطا کرده است. پس ازدواج یا تک شریک جنسی دو امضا یا قوانین چند کشور اروپایی نیست بلکه حقی است که در قلب هر انسانی نوشته شده است. ازدواج نقطه معراج دو انسان هست مرز رهایی از من و راهی برای ما شدن و دریا شدن هست.

پس بیایید با چشمانی آکنده از نور این قانون را زیر روشنایی چراغ قلب بخوانیم و عشق خود را فقط با فردی قسمت کنیم که او هم این قانون را از چراغ قلبش رویت کرده باشد تنها در این صورت می‌توانیم از وفای طرفین بهره‌بریم و وجود خیانت را تار و مار کنیم.

**سازمان همجنسگرایان ایرانی حامی و مدافع حقوق LGBT های ایرانی می‌باشد و تنها به مسایل همجنسگرایان نخواهد پرداخت.**

**لزبین‌ها، گی‌ها، بای سکشوال‌ها و ترنسجندرها می‌توانند مسایل و موارد خود را با ما در میان بگذارند.**

**ما مفتخریم که خدمتگذار شما باشیم**

جامعه آن روزگار نقاب از چهره ریاکاران بردارد. مجموعه داستان‌های او تقریباً به تمام زبان‌های مهم دنیا ترجمه شده است. همچنین فیلم، کارتون، تئاتر، اپرا و پانتومیم‌های بسیاری بر مبنای نوشته‌های او ساخته شده و به اجرا درآمده‌اند. نابودی روح، چیرگی هوای نفس و تسلط شیطان بر روح انسان، مفاهیم عرفانی، پیام‌های اخلاقی و عاشقانه عمده‌ترین مسائلی است که وایلد در آثارش به آنها می‌پردازد. داستان‌های او شگفت‌انگیز و عجیب است و استعاره‌ها و توصیف‌های مبتنی بر شناخت او از این جهان رنگارنگ و فرهنگ‌های پیچیده آن است. وایلد استعداد بی‌نظیری در به کارگیری متناقض‌نماهای (پارادوکس‌های) شگفت‌انگیز و تمثیلات زیبا و بدیع دارد. وایلد در آثار خود عشق و زیبایی را می‌ستاید و به گونه‌ای دلنشین انسان را به خوب بودن و نیکی کردن فرا می‌خواند. او در داستان‌های خود از انجیل و داستان‌های مذهبی (به ویژه مسیحیت) و عرفانی بسیار بهره گرفته است و این الهامات را به گونه‌ای باورپذیر، ساده و زیبا در داستان‌های خود می‌نشانند. وایلد داستان‌هایش را به سبک واقع‌گرایی جادویی (رنالایسم جادویی) روایت می‌کند. او با استفاده از این شیوه وقایع عادی و روزمره را غیر واقعی نشان می‌دهد و با توصیفات ملموس و واقعی به گونه‌ای اسرارآمیز تصویری خیالی در ذهن خواننده به وجود می‌آورد تا آنچه را که خارق‌العاده و ناممکن به نظر می‌رسد ممکن سازد. در ابتدا شاید این امر عجیب باشد اما زمانی که خواننده با داستان همراه می‌شود، امور غیرواقعی را به عنوان بخشی از واقعیت می‌پذیرد. در واقع وایلد برای بیان واقعیتی باشکوه و پیچیده از این روش به خوبی استفاده می‌کند. «ماه‌گیر و روحش» اولین داستان این مجموعه است که از پیچیده‌ترین داستان‌های وایلد محسوب می‌شود. این داستان در مورد ماه‌گیری است که چون روح خود را نمی‌بیند و لمس نمی‌کند، ارزش واقعی روح را درک نمی‌کند. ماه‌گیر در ابتدای داستان به یک پری دریایی دل‌می‌بازد و صدای آواز او را می‌سناید. او برای رسیدن به پری دریایی ناگزیر باید از روح خود جدا شود و این امر او را در معرض خطر بزرگی قرار می‌دهد. کشیش عشق او را مقدس نمی‌داند و موجودات دریایی و هر

موجودی جز انسان را نامقدس و گمراه می‌داند. چرا که آنان خوبی را از بدی تشخیص نمی‌دهند و بهشت و جهنم و ستایش خدا برایشان معنا ندارد. کشیش روح را اصلی‌ترین بخش وجودی انسان و هدیه الهی می‌خواند و عشق او را گناهی نابخشودنی می‌شمارد. روح ماه‌گیر جز جادوگر جوان و سرورش شیطان خریداری ندارد، بنابراین ماه‌گیر به کمک جادوگر روحش را از خود جدا می‌کند و در واقع بخش اصلی داستان آغاز می‌شود، روح ماه‌گیر به عنوان یک شخصیت مستقل که با جسم او در تضاد است، از او جدا می‌شود. اما به دلیل نداشتن قلب و وجدان به گناهان بسیاری آلوده می‌شود و می‌کوشد تا ماه‌گیر را وسوسه کند. ماه‌گیر عشق را برتر از خرد، دانش و ثروت می‌داند و عشق خود را با اینها معاوضه نمی‌کند. اما در نهایت هوس او را وسوسه می‌کند، چرا که تفکر او مادی‌گرا است. خطای ماه‌گیر و پیوند دوباره او با روحش او را به مرگ می‌کشاند و زندگی ماه‌گیر با مرگ پری دریایی به پایان می‌رسد. کشیش به مردم می‌گوید تا آنان را به عنوان گمراه‌شدگان در صحرائی بدون هیچ نشانی به خاک بسپارند. اما گل‌های سفید و زیبایی که روی مزار آنها می‌روید، کشیش را به اشتباه خود آگاه می‌کند. کشیش تا صبح به راز و نیاز می‌نشیند و صبح زود به ساحل می‌رود تا برای موجودات دریایی و تمام موجوداتی که خدا خلق کرده است، طلب‌آمزش کند. اما موجودات دریایی به نشانه خشم الهی ساحل را ترک کرده‌اند. وایلد در این داستان کشمکش روح و جسم، مادیات و معنویات را به تصویر می‌کشد. وایلد در «غول خودخواه» یکی از داستان‌های مجموعه عشق و اینار را به عنوان مبنای اصلی دین مسیحیت معرفی می‌کند. در این داستان کودکی که نماد پاکی و معصومیت مسیح است با از جان‌گذشتگی خود غول را به محبت و دوستی فرا می‌خواند و زیبایی و بهار را به باغ و نشاط را به کودکان بازمی‌گرداند. او این داستان را با زبانی شاعرانه و زیبا بیان می‌کند. وایلد در داستان «شاهزاده خوشحال» به مشکلات هولناک و وضعیت اسفبار هنر در دوره ویکتوریا پرداخته و بار دیگر مفاهیم عشق و ازجان‌گذشتگی را به تصویر می‌کشد این داستان لحن ملایم و زبانی شبه‌انجیلی دارد. «بلبل و گل سرخ» یکی دیگر از



## متن طومار حمایت از همجنسگرایان ایرانی

### همجنسگرایان ایرانی را حمایت می کنیم

<http://new.PetitionOnline.com/IRGLO/petition.html>

ما امضا کنندگان اعلام می داریم که:

همجنسگرایان ایرانی، یکی از اقشار تحت ظلم و ستم می باشند و خواهان آزادی حقوقی آن ها هستیم. همجنسگرایان ایرانی در کشوری به سر می برند که افکار هموفوبیایی حاکم است و علیه همجنسگرایی می باشد.

بر طبق قوانین مجازات اسلامی همجنسگرایان محکوم به تحمل شلاق، شکنجه، آزار، اذیت و مرگ می شوند. حقوق همجنسگرایان ایرانی رعایت نمی گردد و آن ها نیازمند حمایت و پشتیبانی بین المللی می باشند. و بدینوسیله اعلام می داریم که حامی و پشتیبان همجنسگرایان ایرانی هستیم. ما امضا کنندگان می خواهیم که:

کمپین بزرگی برای نجات همجنسگرایان ایرانی و رهایی آنان از بند ظلم و ستم ایجاد گردد. قوانین مجازات اسلامی موجود در ایران اصلاح و حقوق همجنسگرایان رعایت گردد.

همجنسگرایان ایرانی را از حمایت های بین المللی و حقوقی محروم ننمایید.

تا زمانی که قوانین جزایی اصلاح نگردیده باشد و حقوق همجنسگرایان بر طبق قوانین بین المللی حقوقی برسمیت شناخته نشده باشد و مراکز معتبر و با صلاحیت آن را تایید نکنند حق پناهندگی را شامل حال پناهجویان همجنسگرا نمایند.

ما امضا کنندگان:

آزار و اذیت و شکنجه و اعدام و سنگسار و هرگونه برخورد خشونت آمیز را علیه همجنسگرایان ایرانی محکوم می نمایم.

دستگیری ها و تجاوز به حریم شخصی آنان را محکوم می نمایم.

رد کردن حق پناهندگی آنان را با توجه به شرایط فعلی آنان را غیر انسانی و ظالمانه می دانیم و می خواهیم که روزی فرا رسد که همجنسگرایان ایرانی نیز همانند دیگر هم احساسان خود در آرامش و آزادی بسر برند.

داستان های این مجموعه است. در این داستان پرنده می کوشد تا با رویاندن يك شاخه گل سرخ، دو جوان را که ارزش واقعی عشق خود را نمی دانند، به هم برساند. وایلد می گوید "تصور می کنم معانی بسیاری در این داستان باشد. زیرا پیش از نوشتن عقیده ای را در سر نمی پروراندم، بلکه تلاش کرده ام تا این قالب در عین زیبایی و اسرار، پاسخ های بسیاری را در خود جای دهد." در داستان «فرزند ستاره» وایلد موجودی فراطبیعی خلق می کند که تمامی ارزش های اخلاقی و معنوی را زیر پا می گذارد. اما در نهایت برای دستیابی به رستگاری سختی ها و ملالت های فراوانی را تحمل می کند. وایلد در این داستان نگرشی نو، فرا واقعی و آرمانی به مشکلات جامعه مدرن دارد و جدال میان زیبایی ظاهری و معنویت، ثروت و فقر و غرور و فروتنی را در قالب سبکی افسانه ای به تصویر می کشد.

اگر دبیر ریاضی بودم:  
ثابت میکردم که چگونه شعاع نگاهت از مرکز قلبم میگذرد.

اگر دبیر شیمی بودم:  
نامت را در قلبم بخش میکردم تا محلولی از محبت در خونم جاری شود.

اگر دبیر دینی بودم:  
می دانستم که بعد از خدا تو را میپرستم.

اگر دبیر جغرافی بودم:  
میفهمیدم که خوش آب و هوا ترین جای دنیا آغوش گرم توست.

و اگر دبیر زبان بودم:  
با زبان بی زبانی میگفتم: دوستت دارم نه. که عاشقت هستم.

عامر - کرج

## همجنسگرایی از "تابو" تا "پذیرش" مهیندخت مصباح - رادیو صدای آلمان



**طبق شواهد در حدود هشتاد کشور دنیا همچون هند یا مالزی همجنسگرایی از نظر قانونی ممنوع است. در دوازده کشور، مجازات های سنگینی برای همجنسگرایان بعنوان مجرم وجود دارد، همانند ایران یا عربستان سعودی. در برخی دیگر مانند برزیل این پدیده جنایت به حساب نمیرود اما شکنجه، ارباب یا تهدید به قتل در قبال همجنس خواهان وجود دارد.**

در جهان معاصر سالهاست گرایش های همجنس خواهانه دیگر در شمار بیماری ها یا انحراف های جنسی تلقی نمی شوند. در دهه نود میلادی بود که سازمان بهداشت جهانی، همجنس گرایی را از فهرست بیماری های روحی و روانی خود حذف کرد. در ایران اما به دلایل گوناگون شرعی، عرفی و سنتی، همجنس گرایان در معرض تهدید، طرد، مجازات یا حتی اعدام قرار دارند.

در جهان غرب نیز گو این که اینک رفتاری انسانی و توأم با حفظ حقوق در قبال این گروه می شود اما تا چند دهه قبل در اینجا نیز با همجنس گرایی به شدت مقابله می شد. تبعید و اخراج در رژیم های بظاهر متفاوت همانند حکومت های فاشیستی در آلمان نازی یا سوسیالیستی در شوروی یا تهدید و شکنجه در ایالات متحده آمریکا، دودمان بسیاری را به باد داده و داستان ها از رفتار با همجنس خواهان بجای گذاشته است. در جامعه آلمان مدتهاست که دیگر همجنسگرایی تابو یا اتهام نیست. حتی پس از کشورهای نظیر هلند، اینک ازدواج دو مرد همجنسگرا یا یکدیگر در آلمان میسر است، هرچند هنوز مشکلات و تفاوت هایی در زمینه های مالیاتی و ارث در این عرصه وجود دارند.

طبق شواهد در حدود هشتاد کشور دنیا، همجنسگرایی از نظر قانونی ممنوع است. از جمله در کشورهای چون لبنان، هند، مالزی یا الجزایر. در حدود دوازده کشور دنیا مجازات های سنگینی برای همجنسگرایی بعنوان جرم وجود دارد. همانند ایران،

عربستان سعودی یا افغانستان. در برخی کشورها همانند برزیل همجنس گرایی جنایت به حساب نمی رود اما شکنجه و ارباب یا تهدید به قتل وجود دارد. آمار گویای اینست که در فاصله سالهای ۹۸ تا ۲۰۰۰ میلادی ۱۹۶۰ قتل در مخالفت با همجنسگرایی در این کشور صورت گرفته است.

در ایران مرزهای اخلاقی و مذهبی بسیار پیچیده تر و سختگیرانه تر عمل می کنند. در حالی که اساسا سخن گفتن از مسایل جنسی حتی به صورت به اصطلاح هنجار آن نیز در جامعه ایران تابو، شرم آور یا پوشیده است، همجنس گرایی به شدت مذموم است و حتی بعنوان دشنام و با رکیک ترین معادل ها بکار میرود. همجنس گرا منحرف و بیمار تلقی می شود و پیشداوری ها در قبال این مقوله در افکار عمومی بسیار است. رسانه ها یا افراد قادر نیستند به دلایل اخلاقی، پیش فرض ها یا مذهب و عرف این گرایش را بعنوان یکی از حقوق فردی یا بعنوان حق هر کس بر بدن خود بشناسند یا معرفی اش کنند.

با اینهمه همجنس گرایان ایرانی حدود دو سال است اقدام به تشکیل سازمانی کرده اند تا از طریق آن به بررسی مشکلات خود بپردازند. آنها سایت، رادیو و نشریه اینترنتی دارند. مقر این سازمان ثبت شده که "پرشن گی اند لژیون اورگانیزشین" نام دارد، در نروژ است. آرشام پارسی مسئول امور حقوقی این سازمان درباره این که حیطه مشکلات همجنسگرایان ایرانی چیست و تا چه اندازه ذهنی یا عینی است، می گوید: "در ایران از نظر خانوادگی، فردی، حکومتی یا دولتی مشکلات زیاد است. قوانین مجازات اسلامی، مشکلات زیادی برای همجنس گرایان ایرانی ایجاد می کند. آموزش و اطلاع رسانی کم است. مثلا اگر در يك سایتی کلمه "گی" وجود داشته باشد آن سایت در فیلترینگ مخابرات قرار می گیرد. بعضی به دلیل عدم اطلاع رسانی، خودباوری ندارند. معنای گی بودن و احساسات خود را درک نمی کنند. بعضی وقتها هم اگر خود را بشناسند و خانواده ها در جریان قرار بگیرند، برخوردها بسیار بد است. خودکشی در میان همجنس گرایان زیاد است. يك مورد ترانسکچوال داشتیم که تغییر جنسیت داده بود و پس از سه سال و نیم خودکشی کرد. آمار خودکشی بالاست چون خودشان

را نمی شناسند و نمی توانند وقتی خانواده از آنها ایراد می گیرد، خود را توجیه کنند. اگر اطلاعات بهتر داشتند و خانواده ها در جو اطلاع رسانی واقع می شدند، برخورد ها بهتر می بود "

در آلمان همجنس خواهی دیگر موردی است پذیرفته شده. آنها کافه ها و پاتوق های خاص خود را دارند. می توانند خانه مشترکی کرایه کرده و با هم زندگی کنند. از نظر شغلی مانعی برایشان تراشیده نمی شود. حتی در سطوح بالای مسئولیت های اجتماعی می توان شخصیت های مشهوری را که همجنس گرا هستند، دید. از جمله شهردار شهر برلین، کلاوس ووریت که فردی است بسیار محبوب یا رهبر حزب دمکرات آزاد آلمان گیدو وستروله. شاید این دو مثال نمونه خوبی برای بحث در باره این پیشداوری نیز باشند که "گی" ها را تنها اهل هنر و فانتزی می دانند. رسانه های آلمان آزادانه درباره همجنسگرایی گزارش می دهند، البته نه به آن معنا که همه گزارش ها مثبت اند. جریان های محافظه کار بطور کلی در قبال همجنسگرایی موضعی اخلاقی یا تحقیر آمیز دارند .

اما این شرایط در ایران چگونه است؟ آرشام پارسی می گوید:

"روزنامه ها نمی نویسند. تلویزیون ها چیزی در این باره نشان نمی دهند. حتی تلویزیون های خارج از کشور جسارت این را ندارند که در رابطه با این موضوع مردم را آگاه کنند. می ترسند بخاطر مسائل هویتی خود یا بخاطر تبلیغات این بحث ها را دنبال کنند. آمار اعتیاد در میان همجنسگرایان رو به افزایش است چون آنها منزوی می شوند و نمی توانند از خود دفاع کنند. رو به الکل میاورند چون تنها می مانند. ما شاهد اعدام، سنگسار یا خودکشی و انزوا در میان خود هستیم".

باید گفت پرداختن به مسئله همجنسگرایی در جهان معاصر در پاره ای موارد بعد سیاسی و تبلیغاتی نیز پیدا می کند. مثلا در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر سال گذشته، جان کری رقیب جرج بوش از حزب دمکرات کوشش داشت در قبال شعارهای محافظه کارانه حزب جمهوری خواه و بوش، نسبت به مسایلی چون سقط جنین یا ازدواج همجنس گرایان که در جامعه

اخلاق مآب آمریکا يك تابوست، موضعی موافق بگیرد تا رای بیشتری بیاورد .

به سازمان همجنسگرایان ایرانی برگردیم. وقتی به آرشام پارسی می گوئیم با وجود این اسم به نظر می رسد تشکیلات شما بیشتر مربوط به آقایان است تا خانمها، می گوید:

" متأسفانه این برمی گردد به برخی مسایل فرهنگی که آقایان بیشتر مطرح می شوند . همجنس گرایی مردان بیشتر تحت مقابله و حمله قرار می گیرد تا همجنس گرایی خانمها . بخاطر این که در ایرن جو مردسالار حاکم است. دیده می شود که گاه به همجنس گرایی زنها اصلا اهمیت نمی دهند اما بخاطر غیرت و تعصب و مسائل مذهبی، با همجنس گرایی مردان خیلی سخت برخورد می شود. بیشتر اعدام ها و دستگیری ها مربوط به مردان است و بخاطر این حساسیت هاست که مردان همجنسگرا مجبورند بیشتر فعالیت کنند ."

باید گفت بحثی حقوقی سیاسی در سازمانهای پناهندگی کشورهای دمکراتیک در جریان بوده و هست تا مردانی که از نورمهای معمول و سنتی جامعه شان سرپیچی می کنند و از آن جمله همجنس گرایان بتوانند بعنوان يك گروه اجتماعی معین که ترس موجه از تعقیب دارند، مشمول پناهندگی گردند. علت آن است که در جایی که همجنس گرایی جرم است و مجازات به همراه دارد، تعقیب به دلایل جنسی، ترس موجه قلمداد می شود .

گفتنی است سازمان همجنسگرایان ایرانی توسط نامه از آیت اله منتظری و مقام عالی روحانیت زرتشتی درمورد حرمت همجنسگرایی استفتاء کرده که پاسخی دربر نداشته است .

## عید فطر

این عید بزرگ دین اسلام را به تمامی همجنسگرایان مسلمان و خانواده هایشان تبریک گفته و بهترین ها برای آنان آرزو مندیم

شاد باشید و سربلند

## ازدواج همجنسگرایی در پاکستان

سایت بی بی سی

ازدواج یک مرد 42 ساله با یک

پسر 16 ساله در پاکستان

گزارش هایی که از منطقه می رسد حاکی است که یک مرد افغان 42 ساله که از آوارگان این کشور در پاکستان است مراسم برای ازدواج خود با یک پسر 16 ساله برگزار کرده است.

این "عروس - پسر" از یکی از عشیره های پاکستان است و ازدواج آن دو در منطقه دورافتاده خیبر صورت گرفته است که در مرز با افغانستان واقع است.

ازدواج با همجنس در کشور محافظه کار و مسلمان پاکستان قانونی نیست.

با شنیدن خبر ازدواج، شورای عشیره آن دو را محکوم به تبعید کرده است زیرا "تمام ارزش ها و اخلاقیات عشیره ای و مذهبی را زیر پا گذاشته اند".

### عروسی پر سر و صدا

یک روزنامه اردو زبان محلی نوشت که داماد که از او به نام لیاقت علی نام برده شده یک نوجوان محلی را به عنوان "عروس-پسر" خود عقد کرده است.

این روزنامه می نویسد که والدین فقیر این نوجوان قبول کردند که در مقابل 40 هزار روپیه (معادل 380 دلار) پسر خود را به عقد این مرد درآورند.

"این ازدواج بر اساس مراسم محلی و سنتی با سر و صدای معمول یک عروسی برگزار شد."

دعوت خوانندگان و آتشبازی و دادن ولیمه از جمله مراسم این عروسی بوده است.

مالک وارث خان یک سیاستمدار سرشناس محلی و وزیر فدرال پیشین در گفتگو با خبرگزاری فرانسه تایید کرده است که چنین ازدواجی صورت گرفته است.

"من با مردم دره تیره این خبرها را درمیان گذاشتم و آنها وقوع آن را تایید می کنند."

یک خبرنگار محلی می گوید داماد مدت ها دلباخته این پسر جوان بوده است.

با این همه، این ازدواج موجی از خشم و تنفر در میان مردان عشایر ایجاد کرد و علمای دینی و بزرگان عشیره در یک جرگه عشیره ای گرد هم آمدند تا مجازات این زوج و خانواده های دو طرف را تعیین کنند.



رواج همجنسگرایی در پاکستان: با وجود آنکه همجنسگرایی به عنوان یک تابوی اجتماعی در پاکستان شناخته می شود اما نسبتاً رایج است.

آمر احمد خان خبرنگار بی بی سی در اسلام آباد می گوید زوج های همجنسگرایی زیادی هستند که در شهرهای بزرگی

مانند کراچی و اسلام آباد با هم زندگی می کنند اما ازدواج با همجنس تا به حال گزارش نشده بود.

قوانین پاکستان برای مجازات لواط مجازات زندان از دو سال تا حبس ابد در نظر می گیرد. برخی قوانین اسلامی 100 ضربه شلاق تا حتی مجازات مرگ را تعیین کرده است.

در ماه می گذشته یک زوج همجنسگرایی در منطقه خیبر بازداشت شدند و در مقابل عموم شلاق خوردند.

یک زوج همجنس برای اولین بار در پاکستان طی مراسم علنی "ازدواج" کرده اند.

### برای آنکس که به سخن محتاج است

این سخن برای آن کس است که به سخن محتاج است که ادراک کند. اما آنک بی سخن ادراک کند با وی چه حاجت سخن است آخر آسمانها وزمینها همه سخنست پیش آنکس که ادراک می کند و زاییده از سخنست که ((کن فیکون)) پس پیش آنک آواز پست را می شنود مشغله و بانگ چه حاجت باشد  
فیه ما فیه مولانا جلالدین بلخی



## مبتلایان به ایدز در ایران

### وب سایت روزانه

درحالیکه که شمار قربانیان به ایدز در کشور تاکنون به 1377 (1323 نفر مرد و 54 نفر زن) رسیده است، شمار مبتلایان به HIV یا ایدز در کشور به 11 هزار و 930 نفر افزایش یافت.

به گزارش خیرگزاری سلام، از این تعداد، 11 هزار و 288 نفر مرد و 642 نفر زن هستند. همچنین، 539 نفر از این تعداد مبتلا وارد مرحله آخر ایدز شده‌اند که 503 نفر مرد و 36 نفر زن هستند. بر اساس تازه‌ترین آمار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعداد موارد ابتلا به HIV بر حسب جنس و سن، رده سنی 25 تا 34 سال با 3493 مورد ابتلا، رده سنی 35 تا 44 سال با 2616 مبتلا و رده سنی صفر تا 4 سال با 38 مورد ابتلا، از لحاظ درجه شیوع به ترتیب بیشترین و کمترین آمار مبتلایان را تشکیل می‌دهند.

راه انتقال 61.5 درصد از موارد ابتلا به ایدز اعتیاد تزریقی، 28.4 درصد راه نامشخص، 7.6 درصد تماس جنسی، 2 درصد دریافت خون و فرآورده‌های خونی و 0.5 درصد از راه مادر به کودک بوده است. بر پایه این گزارش، در رده سنی 25 تا 34 سال راه انتقال 41.9 درصد اعتیاد تزریقی، 36.3 درصد از راه تماس جنسی و سپس خون و فرآورده‌های خونی، مادر به کودک و نامشخص بوده است؛ این در حالیست که در رده سنی 35 تا 44 سال، راه انتقال غالب با 32.3 درصد شیوع اعتیاد تزریقی و سپس به ترتیب از راه تماس جنسی، خون و فرآورده‌های خونی، نامشخص و مادر به کودک است.

بیشترین موارد ایدز در کشور با 36.3 درصد فراوانی (189 نفر) در رده سنی 35 تا 44 سال، سپس در گروه سنی 25 تا 34 سال با 179 نفر مبتلا (34.4 درصد) است که رده سنی صفر تا 4 سال با 0/2 درصد فراوانی و 1 نفر مبتلا کمترین میزان ابتلا به ایدز را به خود اختصاص داده است. راه انتقال ویروس ایدز در مبتلایان به ایدز (آخرین مرحله بیماری) اعتیاد تزریقی با 47.7 درصد، راه تماس جنسی با 22.3 درصد، خون و فرآورده‌های خونی 21 درصد، راه انتقال نامشخص 8.2 درصد و بالاخره مادر به کودک 0.9 درصد است. همچنین بیشترین قربانیان ایدز در کشور با فراوانی

35.2 درصد در رده سنی 25 تا 44 سال قرار دارد و از 1377 فوت شده به علت ابتلا به ایدز در کشور 1323 نفر مرد و 54 نفر زن هستند. راه انتقال فوت‌شدگان به علت ایدز 66.6 درصد اعتیاد تزریقی، 12.6 درصد نامشخص، 11.2 از راه تماس جنسی، 8.9 درصد دریافت خون و فرآورده‌های خونی و 0.7 درصد مادر به کودک است.

## عشق و شیخ اشراق

### قصه های شیخ اشراق

گزیده کلام "شهاب الدین سهروردی؛ شیخ اشراق!"  
"... و چون معلوم شد که عشق است که طالب را به مطلوب می‌رساند جهد باید کردن که خود را مستعد آن گرداند که عشق را بداند و منازل و مراتب عاشقان بشناسد و خود را به عشق تسلیم کند و بعد از آن عجایب بیند.

محبت چون به غایت رسد آن را "عشق" خوانند و عشق خالصتر از محبت است، زیرا که همه عشق محبت باشد، اما همه محبتی عشق نباشد و محبت خالصتر از معرفت است، زیرا که همه محبتی معرفت باشد اما همه معرفتی محبت نباشد و از معرفت دو چیز متقابل تولد کند که آن را "محبت" و "عداوت" خوانند..."

"...عشق بنده ای ست خانه زاد که در شهرستان ازل پرورده شده است و سلطان ازل و ابد شحنگی کونین به او ارزانی داشته است و این شحنه هر وقتی بر طرفی زند و هر مدتی نظر بر اقلیمی افگند..."

از خود و دوستان همجنس‌گرای خود  
با امضای خود دفاع کنید

<http://new.PetitionOnline.com/IRGLO/petition.html>

متن طومار در این نشریه چاپ شده است

## بیماری های مقاربتی را ریشه کن کنیم

### دکتر مانی - دبیر امور بهداشتی سازمان

بیماریهای مقاربتی به بیماری‌هایی اطلاق می‌شود که با آمیزش جنسی انتقال پیدا می‌کند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### ایدز

در جهان امروز که در هر ساعت تعداد زیادی از افراد کشورهای مختلف اعم از توسعه یافته و جهان سوم به وسیله ایدز به کام مرگ فرستاده می‌شوند و درمان این بیماری مهلک به صورت معمای لاینحل برای دانشمندان درآمده، پیشگیری تنها راه حل برای مبارزه با این پدیده شوم می‌باشد.

#### قبل از ابتلا به ایدز پیشگیری کنیم

با توجه به معرفی راههای انتقال بیماری توسط رسانه‌های جمعی جهان و دادن اطلاعات کافی و روشن باز هم هرروزه تعداد زیادی از مردم نادانسته در صف مرگ به انتظار می‌نشینند. از زمان انتشار بیماری مدت بیست سال است که جهان امروز با این بیماری خطرناک و ویروسی دست به گریبان است و سالانه حدود پنج میلیون آلودگی جدید و سه میلیون مرگ در سراسر جهان اتفاق می‌افتد. بیش از 50% از موارد جدید 15 الی 24 سال دراند و 90% آلوده شدگان در جهان سوم زندگی می‌کنند. عمده راه انتقال ویروس ایدز تماس جنسی مشکوک یا همان رفتارهای پر خطر میباشد.

#### ایدز چیست؟

ایدز یک بیماری ویروسی مهلک است که سیستم دفاعی بدن را مختل می‌کند و بیمار در مقابل انواع عفونت‌ها و سرطانها بی‌دفاع می‌شود و در نهایت بصورتی فجیع از پای در می‌آید. از زمان ورود بیماری به بدن تا زمان شروع بیماری ممکن است بیش از 10 سال حتی 20 سال طول بکشد. در این مدت افراد آلوده (که در دوره کمون بیماری هستند) در حالیکه ظاهری سالم و آراسته دارند و علائم بیماری قابل تشخیص حتی توسط پزشکان را ندارند، میتوانند افراد سالم را آلوده کنند.

باز هم بطور مؤکد می‌گوییم افراد حامل ویروس ایدز به هیچ عنوان نشانه مشخصی ندارند و حتی ممکن است از نظر ظاهری فوق‌العاده جذاب و زیبا باشند اما این امر

نباید شما به اشتباه بیندازد که از مصرف کاندوم خودداری کنید.

سلامت خود، خانواده و جامعه را به خاطر یک سهل انگاری به خطر نیندازید

#### راههای انتقال ویروس ایدز

تماس جنسی با فرد آلوده به ویروس که عمده راه انتقال ویروس ایدز درجهان است. این امر بیشتر بین فواحش، افرادی که دارای شرکاء جنسی متعدد هستند یافت می‌شود.

معتادان تزریقی به علت اشتراک در سرنگ و سوزن آلوده به ویروس، از طریق خون و فرآورده‌های خونی آلوده، ابزار پزشکی استریل نشده و تیغ سلمانی، مسواک مشترک با فرد آلوده، از طریق مادر آلوده به نوزاد نیز عوامل انتقال هستند.

بیماری در مراحل اولیه حتی با آزمایش نیز قابل تشخیص نیست که به این دوران اصطلاحاً دوران پنجره می‌گویند و فرد در این مدت می‌تواند ناقل باشد که این مسئله از اختصاصات بیماری ایدز است که کنترل آن را مشکل می‌کند. بطور کلی رعایت کامل بهداشت فردی و همچنین رعایت شئونات اخلاقی را می‌توان از راههای قابل توجه دانست. با این حال مصرف کاندوم به عنوان آخرین و مطمئن ترین وسیله برای پیشگیری به شما ارائه می‌شود.



## سوزاک

علائم بیماری سوزاک در مردان شامل درد هنگام ادرار کردن، ترشح چرک، تب و به سختی ادرار کردن است و در زنان ممکن است در ابتدای بیماری اغلب هیچ علامتی نداشته باشد و فرد مبتلا فقط ممکن است به هنگام ادرار کردن کمی احساس درد کند یا ترشحات کمی داشته باشد ولی بعد از چند ماه یا چند سال ممکن است درد ناحیه تحتانی شکم و اختلالات قاعدگی بوجود آورد یا بیمار عقیم شود. به خاطر داشته باشید در مردان اولین علائم بیماری 2 تا 5 روز بعد از آمیزش جنسی با فرد مبتلا آغاز می شود و در زنان ممکن است سالها بگذرد تا علائم خود را نشان دهد، ولی حتی اگر زن مبتلا علائمی نداشته باشد می تواند پس از چند روز ابتلا عفونت را به دیگری انتقال دهد. عوارض این بیماری می تواند در صورت عدم درمان به موقع و مناسب به صورت مشکلات دستگاه ادراری، تناسلی و یا درگیری مفاصل به صورت تورم، سفتی درد و بسیاری از نارحتی های دیگر بروز کند که در صورت وجود هر یک از علائم مذکور باید حتماً سریعاً به پزشک مراجعه کرد.

## سفلیس

در بیماری سفلیس اولین علامت معمولاً زخمی است

که شانکر نامیده میشود و 2 تا 5 روز بعد از آمیزش جنسی با فرد مبتلا بروز می کند و چیزی شبیه تاول یا زخم سر باز می کند که اکثراً در ناحیه تناسلی مرد یا زن ظاهر می شود که حاوی مقادیر زیادی میکروب است. زخم سفلیس

درد ندارد و تنها چند روز دوام دارد و خود به خود و بدون درمان ناپدید می شود ولی در سیستم بدن توسعه پیدا می کند و پس از چند هفته یا چند ماه بصورت گلو درد، تب ملایم، زخمهای دهان و یا تورم مفاصل پیدا می شود و یکی از علائم زیر در روی پوست ظاهر می شود:

دانه های خارش دار بر روی دستها و پاها

نوارهای حلقه ای مانند کهپیر

دانه های دردناک در سراسر بدن

علائم فوق معمولاً خود به خود در بدن ناپدید می شوند و در این حال شخص مبتلا فکر می کند که حالش خوب شده است ولی درحقیقت بیماری در حال گسترش و پیشرفت است. سفلیس چنانچه بطور کامل درمان نشود، سرتاسر بدن را می گیرد و بیماریهای قلبی، روحی و اختلالات بسیار دیگر را بوجود می آورد. پس دقت کنید چنانچه دانه های ویژه یا بیماریهای پوستی مرموز نامعلومی که چند روز یا چند هفته بعد از تاول یا زخم روی اعضای تناسلی ظاهر شد، شخص ممکن است دارای سفلیس باشد، در این مورد حتی اگر تردیدی وجود داشتید حتماً باید به پزشک مراجعه کنید.

## خیارک

این بیماری با نام عامیانه خیارک به بزرگ شدن غده های لنفاوی در کشاله ران می انجامد. در مردها به برآمدگی بزرگ و تیره رنگ در کشاله ران و وجود درد که بعداً از آن چرک بیرون می آید و در زنها نیز اختلالاتی شبیه مردان رخ میدهد و یا زخمهای دردناک ترشح زرا در معقد ظاهر می شود.

## دیگر امراض مقاربتی

به غیر از بیماریهایی که گفته شد امراض مقاربتی دیگری هم وجود دارد که سلامت انسان را تهدید می کند که می توان به عنوان مثال از هپاتیت C بعنوان یک بیماری مهلک و کشنده نام برد که باعث از بین رفتن یک عضو حیاتی

مانند کبد می شود. از آنجایی که مصرف کاندوم می تواند از بروز چنین امراضی جلوگیری کند، مصرف نکردن کاندوم کاری غیر عقلانی است.



## فراخوان برای حمایت از همجنسگرایان در ایران سایت بی بی سی

افراد را محکوم کند که یا خودشان حداقل چهار بار نزد حاکم شرع به ارتکاب آن اعتراف کنند یا اینکه "چهار مرد عادل" شهادت دهند که متهمان را در حال برقراری ارتباط جنسی دیده اند.

حتی تماس جسمی دو مرد در صورتی که عملی همجنسگرایانه قلمداد شود در قوانین ایران جرم است، تا آنجا که بنا بر ماده 124 قانون مجازات اسلامی "هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت بیوسد تا شصت ضربه شلاق تعزیر می شود".

شرع اسلام و قوانین کیفری ایران که بر اساس آن نوشته شده اند برای زنان

همجنسگرا مجازات مرگ در نظر نگرفته اند و زنانی که مرتکب اعمال همجنسگرایانه (در اصطلاح اسلامی مساحقه) شوند حداکثر به تحمل یکصد ضربه تازیانه محکوم می شوند



پیتر تچل، از فعالان مشهور حقوق همجنسگرایان از جمله شرکت کنندگان در تظاهرات مقابل سفارت ایران در لندن بود

مجله ای، ایکس، ام که از نشریات خاص همجنسگرایان در بریتانیاست با همراهی گروهی بریتانیایی با نام اوت ریج (خشم) که در زمینه حمایت از حقوق همجنسگرایان فعالیت می کند طوماری برای جلب حمایت از حقوق همجنسگرایان در ایران به راه انداخته و تظاهراتی در مقابل سفارت ایران در لندن ترتیب داده اند.

این طومار که بنا بر گزارش ها تا روز سه شنبه چهارم اوت به امضای حدود هزار و چهارصد نفر رسیده قرار بود جمعه هفتم اکتبر برای جک استرا وزیر خارجه بریتانیا فرستاده شود و در آن از دولت بریتانیا خواسته شده است که ایران را برای تأمین حقوق همجنسگرایان تحت فشار قرار دهد.

شماری از امضاکنندگان این طومار را چهره های مشهور همجنسگرا همچون مت لوکاس بازیگر تلویزیونی، بوی جورج خواننده و سایمون کلو، بازیگر سینما و تلویزیون تشکیل می دهند.

دهها نفر به فراخوانی که برای تظاهرات در مقابل سفارت ایران در لندن داده شده بود پاسخ مثبت دادند که در میان آنان پیتر تچل، یکی از فعالان مشهور حقوق همجنسگرایان نیز دیده می شد.

موضوع وضعیت همجنسگرایان در ایران و جمع آوری امضا برای حمایت از آنان از جمله مطالب اصلی تازه ترین شماره مجله ای ایکس ام است.

این مجله تصویر بزرگی از این دو جوان در حالی که طناب دار به گردنشان انداخته می شود چاپ کرده و آنان را قربانیان پامال شدن حقوق همجنسگرایان معرفی کرده است.

همجنسگرایی در میان مردان در قوانین ایران جرم سنگینی محسوب می شود که ماده 110 قانون مجازات اسلامی ایران برای مرتکبان آن مجازات مرگ در نظر گرفته است، هرچند دادگاه در صورتی می تواند

روزی کسی با خداوند ارتباط برقرار کرد و پرسید:

خدایا یک میلیون سال برای تو چگونه است؟  
خداوند پاسخ داد: یک دقیقه

سپس مرد پرسید: یک میلیون دلار برای تو چگونه است؟

خداوند پاسخ داد: یک سکه

سپس آن مرد به خداوند گفت: می می توانم یک سکه داشته باشم؟

خداوند پاسخ داد: البته، در عرض یک دقیقه!"

برای به دست آوردن موفقیت و پیروزی صبور باید بود و فعالیت باید کرد. آزادی در راه است اگر شما نیز هم گام شوید.

**به سازمان همجنسگرایان ایرانی  
پیوندید**

**www.pglo.org  
pglo@pglo.org**



## اطلاعیه دیده بان حقوق بشر

شبکه لژیون، گی، بایسکشوال و ترنسجنر

### سازمان دیده بان حقوق بشر

سازمان دیده بان حقوق بشر بزرگترین سازمان حقوق بشر و مرکز آن در ایالات متحده است. برنامه حقوقی ما برای مردان و زنان همجنسگرا، دوجنسگرایان و ترانس جندها، با تجاوز به حقوق و تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی مبارزه می کند. گزارشات ما منجر بدان شده که دولت مصر سخت گیری شدید بر علیه مردان همجنسگرا را متوقف کند و دولت جامائیکا را وادار به محکوم کردن خشونت های هموفوبیایی نماید. ما یلیم اطلاعاتی دقیق در مورد این که رژیم ایران چگونه رفتارهای همجنسگرایانه زنان و مردان را مجازات می کند منتشر کنیم. ما امیدواریم هم به زنان و مردان همجنسگرای ایرانی نسبت به شیوه های خطرناک سرکوبی (مانند استفاده از حرکات پوششی و نفوذ در اینترنت برای بدام انداختن افراد) و هم توجه جامعه جهانی به وخامت اوضاع را جلب نمائیم. ما همچنین امیدواریم که این گزارش در آینده در رسیدگی به تقاضای پناهندگی همجنسگرایان ایران که با شک و تردید و بی تفاوتی مسئولین اداره مهاجرت بسیاری از کشورها مواجه می شود، کمک کند. اگر شما موری از تجاوز به حقوق یا مورد تبعیض واقع شدن در ایران دارید، ما از شنیدن آن استقبال می کنیم. ما قول رازداری کامل به شما داده و در انعکاس تجارب شما، هر گونه مشخصات شخصی تان را حذف می کنیم. با بازگویی تجارب خود، شما کار فوق العاده مهمی را انجام می دهید- بر شیوه های سرکوبی که برای مدتهای طولانی در سکوت و خفا نگه داشته شده اند، نور می اندازید.

Scott Long  
Director  
Lesbian, Gay, Bisexual and Transgender Rights Program  
Human Rights Watch  
350 Fifth Avenue, 34th Floor  
New York, NY USA 10118  
Tel. +01 (212) 216-1297  
Fax +01 (212) 216-1876  
E-mail: [longs@hrw.org](mailto:longs@hrw.org)  
Law Offices of Ally Bolour  
5670 Wilshire Boulevard, Suite 1400  
Los Angeles, CA 90036  
Tel. 001 (323) 857-0034  
Fax. 001 (323) 857-0036  
<http://americanvisas.net>

## تازه های خواندنی

### نامزد شدن یک همجنسگرا در ونزوئلا

خبری از موسسه روز بین المللی علیه هموفیبا IDAH دریافت کردیم مبنی بر این که آقای خوزه رامون مرتنس ( José Ramon Merentes ) از فعالان همجنسگرای این موسسه در ونزوئلا کاندیدای مجلس ملی شده است.

خوزه مرتنس یکی از فعالان حقوق بشر همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دگرجنس شدگان است که نه تنها در حوزه ی کشور خودش بلکه به صورت فرا ملتی فعالیت می کند و به همین دلیل رهبری روز بین المللی علیه هموفیبا را به عهده گرفته است.

حزب جمهوری خواه PFR در ونزوئلا بسیار خوشحال و مفتخر است که آقای خوزه مرتنس را انتخاب کرده است و انتخاب شدن آن را قدم مهمی برای برگرداندن حقوق از دست رفته ی اقلیت های جنسی نه تنها در ونزوئلا بلکه سراسر جهان خواهد بود.

### ازدواج معلم مشهور رقص ایرانی

ماه گذشته شاهد مصاحبه ی تلویزیونی آقای محمد خردادیان، معلم مشهور رقص ایرانی ساکن امریکا با تلویزیون تپش بودیم.

اگرچه این مصاحبه با ناباوری آغاز شد اما بسیار خوشحال کننده به پایان رسید. وقتی شنیدیم که آقای خردادیان در مقابل دید همگان اعلام کرد که با مردی ایرانی ازدواج کرده و از زندگی اش با همسر همجنس خودش بسیار راضی و خوشبخت است.

محمد خردادیان ابراز افتخار کرد که من بدون ترس و عیب اعلام می کنم ولی بسیاری دیگر هستند که از اعتبارشان می ترسند و به زبان نمی آورند.

ما هم به آقای "محمد خردادیان" و همسرش تبریک عرض کرده و بهترین ها را برایشان آرزومندیم. در آینده ای نزدیک مصاحبه یا توضیحات بیشتری را در گفتگو با محمد خردادیان ارائه خواهیم نمود.

## میراث فرهنگی ایران باستان در موزه بریتانیا - بی بی سی

علی انصاری و ریچارد نیلسون فرای سخنرانی خواهند کرد.

از دانشگاه تهران و موزه ملی ایران نیز کسانی در این کنفرانس ها سخنانی خواهند گفت.

بازتاب برگزاری نمایشگاه "امپراتوری فراموش شده" در رسانه های بریتانیا بسیار گسترده بود.

شبهه چهار تلویزیون بریتانیا گزارشی از آماده سازی این نمایشگاه پخش کرد. در این گزارش جان کرتیس از برگزارکنندگان اصلی این نمایشگاه که برای انتخاب آثار هخامنشی به ایران سفر کرده بود، گفت که این نمایشگاه بعد دیگری از ایران باستان را برای مخاطب غربی آشکار می کند.

به گفته او ایران باستان همیشه از طریق مورخان رومی و یونانی به غربی های معرفی شده و با توجه به جنگ امپراتوری های یونان و روم با ایران، این مورخان نمی توانستند دیدگاهی خوشایند و ستایش شده از ایران باستان را در اختیار بگذارند.

نمایشگاه "امپراتوری فراموش شده: جهان ایران باستان" تا هشتم ژانویه 2006 در موزه بریتانیا در لندن ادامه خواهد داشت.

### لیپوساکشن - دکتر ظهرابی

لیپوساکشن یکی از عملهای جراحی سر پائی محسوب میشود و در بسیاری از موارد با بستری کوتاه مدت یا بصورت سر پائی در مطب ها انجام پذیر است. اما در صورتی که نیاز به تخلیه ی بیش از ده



پوند (تقریباً پنج لیتر) چربی باشد بهتر است به صورت بستری کوتاه مدت در بیمارستان توصیه می شود. خانمها توجه داشته باشند که در صورت قرص های ضد بارداری برای کاهش احتمال تشکیل لخته خون در پاها، آن را قطع کرده و از سایر روشهای جلوگیری استفاده نمایند.

هم چنین باید مصرف داروهائی مثل آسپرین، بروفن و سایر داروهای هم خانواده ی آنها را از يك هفته قبل تا ده روز پس از عمل جراحی قطع کنید تا خطر خونریزی حین و پس از عمل به حداقل برسد.



موزه بریتانیا نمایشگاهی با عنوان "امپراتوری فراموش شده: جهان ایران باستان" با نمایش آثاری از فرهنگ و هنر ایرانی پیش از اسلام برگزار کرده است. این نخستین بار است که نمایشگاهی با این

عظمت، میراث فرهنگی ایران را در کنار هم در معرض دید عموم قرار می دهد.

در این نمایشگاه که به همت موزه بریتانیا با همکاری بنیاد میراث ایران، موزه ملی ایران و موزه لوور برگزار می شود، بیش از 400 اثر متعلق به دوره هخامنشیان به نمایش گذاشته می شود.

مشهورترین آثار دوران هخامنشیان از جمله، منشور حقوق بشر کوروش، جام زرین، بز بالدار، ریتون (پیمانه) طلاپی از جمله آثاری اند که برای نخستین بار در کنار هم به نمایش عمومی گذاشته می شوند

بخشی از این آثار مانند منشور کوروش متعلق به خود موزه بریتانیاست، اما بخش عمده ای از این نمایشگاه را آثاری تشکیل می دهند که از موزه های مختلف از جمله موزه ملی ایران، موزه تخت جمشید و موزه لوور فرانسه وام



گرفته شده اند.

بسیاری از این آثار برای نخستین بار است که از ایران خارج می شوند.

در کنار نمایش این آثار، برگزاری سمینارها و جلسات مختلف سخنرانی درباره ایران باستان و نمایش فیلم نیز از جمله رویدادهای جانبی این نمایشگاه محسوب می شود.

در کنفرانس های ایرانشناسی این رویداد بزرگ هنری بسیاری از اساتید دانشگاه های معتبر جهان و ایران شناسان چون پیتر چلکوفسکی، حمید کشمیرشکن،

مصرف سیگار میتواند خطر عفونت های ریوی را افزایش داده و بر مشکلات پس از عمل بیفزاید به همین خاطر ترك آن قبل از جراحی کاری منطقی بشمار می رود.

توجه داشته باشید که انجام لیپو ساکشن به معنی کاهش وزن دائمی نیست بلکه رعایت رژیم غذایی باعث افزایش اثر بخشی این روش خواهد شد.

بسته به نظر جراح و شرایط عمومی و نوع و میزان چاقی روشهای مختلفی برای انجام لیپوساکشن و همچنین بی دردی این عمل وجود دارد، در همه ی آنها برش کوچکی روی پوست داده میشود و میتوان از بی حسی موضعی، بی حسی منطقه ای (تزریق داروی بیحس کننده به کمر)، یا بیهوشی عمومی استفاده کرد.

بسته به میزان چربی و ... مدت زمان عمل از نیم ساعت تا چند ساعت متغیر است، تجربه ی جراح در نتیجه ی نهائی، طول مدت جراحی و عوارض پس از عمل اهمیت زیادی دارد.

خاصیت الاستیکی پوست (که با افزایش سن کاهش می یابد )، وزن بیمار (هر چه متناسب تر باشد نتیجه ی بهتری دارد) و عدم پاسخ چربی موضعی به رژیم غذایی و ورزش مسائلی هستند که نتیجه ی لیپوساکشن را تحت تاثیر قرار می دهند .

لیپوساکشن میتواند برای ران، شکم، باسن، نواحی مختلف پا، گردن، زیر چانه، زیر بازوها، سینه ها، پهلوها، پشت و... مورد استفاده قرار گیرد .

نکته ی مهم اینست که گر چه انجام لیپوساکشن در سالمندان ممنوع نیست اما بخاطر الاستیسیته ی کمتر و افتادگی بیشتر در این گروه سنی، پاسخ به درمان در این افراد به اندازه ی جوانترها نخواهد بود.

لیپوساکشن در موارد زیر ممنوع است :  
اگر چاقی بیشتر از 130% برای طول قد فرد باشد، وجود بیماریهای شدید قلب، ریه، دیابت شیرین، فشار خون بالا و کنترل نشده، گردش خون ضعیف پوست و بیماریهای شدید در سایر ارگانهای بدن.

### چرا پوست ما دچار چین و چروک میشود؟

در اواخر دوره ی بلوغ، هنگامی که رشد بدن متوقف می شود پوست شروع به تغییر می کند اما معمولاً خود را تا سنین بعدی نشان نمی دهد.

هم چنان که سن ما افزایش می یابد، سرعت جایگزینی سلولهای پوست کاهش یافته و ضخامت لایه ی زیر پوست (درمیس) افزایش



می یابد. شبکه ی الاستینی و ایاف کلاژنی، (که مسؤل خاصیت کشسانی و بازگشت پذیری پوست می باشد) بتدریج از هم باز شده، شلی و آویزان گشتن

پوست بوجود می آید. کاهش چربی لایه زیرین پوست باعث کاهش حالت زیبایی و طراوت آن می شود. تولید و ترشح عرق و چربی کاهش یافته و رطوبت معمولی پوست را دستخوش تغییر می کند. در پوست صورت، نازکی و کمتر بودن الاستیسیته باعث میشود که شلی و چین و چروکها حتی بیش از سایر نقاط، خودنمایی کنند. چین و چروکهای برجسته و خطوط متعدد اطراف چشم نیز به همین دلیل بوجود می آیند، ابروها افتادگی پیدا می کنند، و پوست اطراف پلک ها شل و بی حالت شده، چروکهای ریزی در اطراف لبها پدید می آیند. افتادگی پوست زیر چانه و گردن باعث ایجاد چین های ضخیم گردن و اصطلاحاً غیب می شود.

فاکتورهای ژنتیکی، شیوه ی زندگی و بسیاری از مسائل دیگر در ایجاد و تشدید این تغییرات دخالت دارند. پوستهای ظریف حساسیت بیشتری به این تغییرات دارند و خصوصاً نور خورشید بیشتر از معمول در اینها اثر گذار خواهد بود.

توجه داشته باشید که نور خورشید بسیار ارزشمند و مفید است اما فرارگرفتن در معرض



آن برای مدت زیاد باعث چرمی شدن و کاهش خاصیت الاستیکی پوست خواهد شد. همچنین سیگار با ایجاد رادیکالهای آزاد اثرات مضر

بر پوست دارد و سرعت پیر شدن آن را افزایش می دهد. آلودگی هوا نیز با ایجاد رادیکالهای آزاد بر پوست اثر کرده و پیر شدن آن را سریعتر می کند. کاهش سریع وزن می تواند با کاهش سریع چربی زیر جلدی موجب افزایش چین و چروکهای پوستی شود. فشارهای عصبی مداوم هم مشخصاً با پیر شدن پوست مرتبط است.

## نگاهی به فناوری ADSL خبرگزاری آفتاب به نقل از مجله شبکه

احتمالاً شما هم از آن دسته از کاربران اینترنت هستید که از Dial up یا همان سیستم شماره‌گیری استفاده



می‌کنید، یک مودم معمولی بر روی سیستم خود دارید، زمان زیادی از وقت شما هر روز باید صرف شماره‌گیری و اتصال به اینترنت و قطع وصل‌های متوالی شود، در زمان استفاده از اینترنت خط

تلفن شما مشغول است و هزینه تلفن را هم باید پرداخت کنید، مولتی‌مدیا در اینترنت را هم بی‌خیال شده‌اید و در آخر این‌که از سرعت کند حلزونی اینترنت هم کلافه هستید. اما آیا اینترنت پرسرعت را تاکنون تجربه کرده اید؟

### اینترنت، Dial up و ...

برای اتصال به اینترنت با استفاده از خطوط تلفن استاندارد (زوج سیم مسی) در کنار سیستم معروف و آشنای Dial up، روش‌های دیگری هم وجود دارد، مانند استفاده از مودم‌های کابلی، شبکه محلی و یا فناوری Digital Subscriber Line (DSL) و بی‌سیم. (Wireless) فناوری ADSL یکی از مناسب‌ترین و باصرفه‌ترین راهکارهای دسترسی به اینترنت پرسرعت و مقابله با مشکلات سیستم‌های اتصال معمولی Dial up است!

### فناوری ADSL

Asymmetric-DSL یا ADSL، یکی از فناوری‌های رده xDSL است. DSL یا خطوط اشتراک دیجیتال با استفاده از کابل‌های تلفن معمولی، امکان بهره‌گیری از سرعت بالا را برای اتصال به اینترنت فراهم می‌کند. DSL امکانات و روش‌های گوناگونی برای مصارف خانگی فراهم می‌کند که مناسب‌ترین آنها روش خطوط دیجیتال نامتقارن یا ADSL است. در این روش با بهره‌گیری از نوعی خاص مدولاسیون، پهنای باند قابل‌استفاده بر روی کابل تلفن به باندهای فرکانسی متفاوتی تقسیم و هر

نکته مهم: گرچه پیر شدن پوست امری اجتناب‌ناپذیر است، اما برخی مراقبت‌ها می‌توانند سرعت این تغییرات را کاهش دهند

روزانه صورت خود را با صابون‌های ملایم و نرم کننده بشوئید، از قرار گرفتن در معرض نور خورشید خودداری کنید و از کرم‌های ضد آفتاب استفاده نمائید. سبزیجات تازه، میوه جات و دانه‌های گیاهی را به مقدار بیشتری استفاده کنید. ورزش روزانه را به همراه ورزش‌های مخصوص صورت فراموش نکنید تا تونیسیتة عضلانی را به آن بازگردانید. از کشیدن سیگار خودداری کنید.

### مواد شیمیایی موجود در پلاستیک‌ها می‌توانند

#### تکامل جنسی پسرها را دچار اشکال نمایند!

برخی از مواد شیمیایی موجود در پلاستیک‌ها و محصولات پلاستیکی (phthalates) می‌توانند بر روی تکامل طبیعی سیستم تناسلی افراد مذکر



تأثیر منفی ایجاد کنند. برخی مواد مورد استفاده در انواع عطر و ادکلن، صابون‌ها، لوازم آرایشی، رنگ‌ها و پوشش برخی قرص‌ها نیز حاوی این مواد سمی هستند. در یک بررسی 21% پسرهای مادرانیکه در ادارشان مقادیر بالایی از این مواد دیده شده، در مقابل 8% پسرهای دیگر، دچار آنومالی‌هایی از قبیل بیضه‌ی نزول نکرده، کوچکی پنیس و... بوده‌اند.

### تومورهای مغز و موبایل

اخیراً مطالعات زیادی در مورد اثرات احتمالی تلفن‌های موبایل انجام گرفته است و اغلب آنها برفع نقش قوی این گوشی‌ها در ایجاد تومورهای مغزی هستند اما هنوز نمی‌توان اظهارنظر قطعی در این زمینه ارائه کرد. اثرات سرطان‌زایی گوشی‌های موبایل در اطفال - بخاطر نازک‌تر بودن استخوان جمجمه حتی از بالغین هم بیشتر است بهمین خاطر کاهش استفاده از این دستگاه‌ها مگر در موارد ضروری عاقلانه بنظر می‌رسد.



سیگنال فرکانسی (صوت، ارسال و دریافت داده‌های دیجیتال) در یک باند صوت می‌پذیرد.

بدین‌صورت در هنگام اتصال به اینترنت دیگر خط تلفن برای مکالمات صوتی اشغال نخواهد بود و امکان تبادل صوت و تصویر نیز وجود خواهد داشت.

در ADSL سرعت ارسال اطلاعات با سرعت دریافت اطلاعات مساوی نخواهد بود، در بالاترین سطح تئوری، امکان دریافت اطلاعات (DownStream) با سرعتی در حدود 8 mbps و ارسال داده (UpStream) با سرعتی معادل 640 mbps فراهم می‌شود. دقیقاً بدین‌خاطر از ADSL بانام نامتقارن یاد می‌شود. بصورت عملی یک کاربر خطوط ADSL می‌تواند با سرعتی در حدود 2mbps دریافت و 256 mbps ارسال اطلاعات بر روی اینترنت داشته باشد. در استفاده از اینترنت با فناوری ADSL از Dial up و شماره‌گیری و انتظار برای اتصال یا قطع ارتباط خبری نخواهد بود و شما بصورت دائمی با مرکز ISP و در نهایت شبکه اینترنت متصل خواهید بود. با روشن کردن کامپیوتر خود اتصال شما به اینترنت برقرار می‌شود.

#### مزایای ADSL

اولین دستاورد ADSL بهره‌گیری از خطوط تلفن معمولی و شبکه ارتباطی آماده خواهد بود و در نتیجه نیازی به سیم‌کشی و تجهیزات جدید مخابراتی نیست.

عدم اشغال خط تلفن در هنگام اتصال به اینترنت، امکان استفاده از اینترنت پرسرعت به نسبت روشهایی مانند Dial up بر روی سیستم‌های خانگی و شرکتی که کوچک که از امکانات پیشرفته‌ای برخوردار نیستند، اتصال دائمی به شبکه اینترنت بدون نیاز به شماره‌گیری و اشغال بودن خط، هزینه کم در نصب و راه‌اندازی و خرید تجهیزات، کاهش هزینه و عدم نیاز به تجهیزات اضافی برای کاربران خانگی در استفاده از اینترنت و راه‌اندازی آسان و سریع از دیگر مزایای مهم ADSL است.

#### معایب خطوط ADSL

در فناوری‌های DSL کیفیت و سرعت انتقال اطلاعات وابستگی زیادی به مسافت میان کاربر مشترک با مرکز تلفن ارائه خدمات DSL دارد. هرچقدر مشترک از مرکز تلفن مسافت دورتری داشته باشد به همان نسبت از سرعت و کیفیت پایین‌تری برخوردار خواهد بود. در

مسافت‌های بالاتر از 5 کیلومتر عملاً ارائه سرویس اینترنت پرسرعت امکان‌پذیر نیست.

عدم تقارن سرعت ارسال و دریافت اطلاعات در ADSL نیز برای شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ مشکل ساز خواهد شد. ضعیف و فرسوده بودن زیربنای ارتباطی مخابراتی و عمدتاً عمر بالای خطوط تلفن که تاثیر مستقیمی بر کیفیت و سرعت خدمات ADSL خواهند داشت.

#### تجهیزات ADSL

فارغ از تجهیزات مخابراتی تکنولوژی‌های DSL بطور ساده در یک نگاه می‌توان گفت ADSL از دو دستگاه خاص استفاده می‌کند: یک دستگاه معروف به مودم‌های DSL در محل مشترکین و دستگاه DSL Access Multiplexer (DSLAM) در محل شرکت ارائه دهنده خدمات ADSL. مودم‌های DSL که با نام ATU-R نیز از آنها یاد می‌شود، مسئولیت برقراری اتصال میان کامپیوتر مشترک را با خط DSL برعهده دارند. این نوع از مودم‌ها معمولاً با USB و یا پورت اترنت 10 base-T به کامپیوتر کاربر متصل می‌شوند. DSLAM با جدا سازی باندهای فرکانسی 4 کیلوهرتز از دیگر پهنای باند برای هر خط اتصالی ADSL امکان ارتباطات کاربران و اتصال به تجهیزات مجتمع پرسرعت را برای اینترنت در مراکز ارائه خدمات ADSL فراهم می‌کند. فرکانس باند 4kbps نیز به سمت سوئیچ‌های مخابراتی هدایت می‌شود. به هر DSLAM صدها زوج سیم متصل می‌شود که در نهایت بسوی یک اتصال اینترنت با پهنای باند خیلی زیاد هدایت می‌شوند و تا وقتی این پهنای باند اشباع نشده است، مشترک می‌تواند به صورت یکنواخت و با سرعت بالا از اینترنت استفاده کند. در سمت مشترک، گاهی نیاز است که از یک دستگاه فیلتر جداکننده بنام Splitter نیز استفاده شود تا میان باند فرکانسی صدا برای مکالمات تلفن با اطلاعات ADSL داخل بوجود نیاید.

#### نگاهی به اینترنت پرسرعت در ایران

از تابستان 83 چندین شرکت PAP شروع به ارائه خدمات ADSL در تهران و چند شهر بزرگ دیگر نموده‌اند. برای استفاده از اینترنت پرسرعت یا همان خدمات ADSL ابتدا باید دید کدام شرکت یا ISP خدمات ADSL را در منطقه مخابراتی شما ارائه می‌دهد. همانطور که بیان شد زمانی می‌توان از خدمات ADSL

## نمایندگان سازمان در خارج از کشور

گسترش و پیشرفت محقق نخواهد شد مگر با اتحاد و همسو سازی و هم آوازی همه ی همجنسگرایان ایرانی در سرتاسر دنیا.

سازمان همجنسگرایان ایرانی برای نیل به این هدف که همانا دفاع از حقوق همجنسگرایان ایرانی چه در داخل ایران و چه در خارج از ایران می باشد نیاز به نمایندگانی در کشورهای مختلف دارد که از طرف سازمان فعالیت های منطقه ای و محلی انجام دهند.

اعطای این نمایندگی ها شرایطی در پی دارد که خواهشمندیم در صورت تمایل با دبیر کل سازمان به آدرس [pglo@pglo.org](mailto:pglo@pglo.org) تماس حاصل نمایید. یکی از این شرایط تسلط کامل گفتاری و نوشتاری به زبان رسمی آن کشور می باشد. در انتظار تماس شما هستیم.

## نمایندگان سازمان در داخل ایران

سازمان همجنسگرایان ایرانی برای ایجاد ارتباطی تنگاتنگ با همجنسگرایان و شناسایی نقاط ضعف و قدرت جامعه درخواست دارد که نمایندگانی از شهرهای مختلف ایران داشته باشد.

برای حفظ امنیت این اشخاص تدابیر خاصی در نظر گرفته شده است که چنانچه متمایل باشید که در این امر فعالیت نمایید لطفاً به آدرس [pglo@pglo.org](mailto:pglo@pglo.org) تماس گرفته و درخواست خود را اعلام کرده تا اطلاعات لازم با شما در میان گذاشته شود. تپش قلب ما بسته به حمایت شماست.

## کانون خبرنگاران و نویسندگان همجنسگرا

کانون خبرنگاران و نویسندگان همجنسگرای ایرانی پشتیبان کننده نشریه همجنسگرایان ایرانی خواهد بود. شما می توانید خبرها و نوشته های خود را با موضوعات مشخص در قالب فایل های Microsoft Word برای ما ارسال نمایید. (تا حد امکان از فونت فارسی استفاده نمایید) هیچ نگرانی نسبت به طرز نگارش

استفاده کرد که فاصله مرکز مخابراتی با مشترک بیش از 5 کیلومتر نباشد. بسیاری از شرکت های خدمات ADSL با گرفتن مبلغی بصورت ودیعه مودم DSL و دیگر تجهیزات موردنیاز را بصورت امانی در اختیار مشترک قرار خواهند داد و نیازی به خرید مودم نخواهید داشت. دیگر هزینه ای که باید پرداخت شود هزینه حق اشتراک و هزینه مخابراتی است که براساس جدول انواع سرویس های ارائه شده (با معیار سرعت ارسال و دریافت اطلاعات) توسط شرکت خدمات ADSL متفاوت خواهد بود.

هزینه اینترنت پرسرعت براساس مقدار حجم مبادلات اطلاعاتی (download) توسط مشترک در ماه است. هر شرکت خدمات ADSL سقفی را برای حجم انتقالی دیتا در نظر خواهد گرفت (در محدوده چند گیگابایت) و در صورت استفاده بیشتر براساس هر گیگابایت، هزینه اضافه ای باید پرداخت شود.

### چرا این قدر ملون هستید

اگر با فردی در اجتماع برخورد داشته باشید و نداند که تو همجنسگرا هستی مدام تعریف و تمجید می کند که چقدر مرتب و منظم و شیک و مودب و کلی چیزهای دیگر...

وقتی که متوجه می شود که تو همجنسگرا هستی سریعاً یا جلو تو یا پشت سر تو یک اهی می کشد و تف و لعنت می کند که چقدر سبک و جلف و لاشی و اواخواهر و کلی چیزهای دیگر هستی....

چرا این قدر مردم رنگارنگ و ملون هستند و سریعاً رنگ عوض می کنند. آیا این مورد این قدر اهمیت دارد؟

### یک همجنسگرا

## جلسات هفتگی در پالتاک

سازمان جلسات هفتگی ویژه ای را در اتاق های پالتاک ترتیب داده است که ورود برای عموم آزاد است و در آن اتاق ها به بحث و تبادل نظر در موضوعات مختلف پرداخته خواهد شد.

این اتاق هر پنجشنبه ساعت 20:00 به وقت تهران به مدت یک ساعت باز خواهد بود.

اتاق های پالتاک

دسته **By Language / Nationally / Other**

نام اتاق: **Iran-Persian Gay & Lesbian Organization**

این اتاق توسط آی دی (ID) PGLO-PGLO باز می شود که شما می توانید آن را در لیست خود اضافه کنید.

در انتظار حضور شما در این جلسات هستیم

لطفا دوستان خود را نیز مطلع سازید

## دوست یابی



<http://www.gayromeo.com>

در پیش شماره قبل به معرفی این سایت پرداختیم که از این طریق می توان پروفایل ایجاد کرده و صفحه ای مختص به خود داشته باشیم. اما با توجه به فیلتراسیون سایت های اینترنتی در ایران دسترسی به این سایت ها در برخی نقاط ناممکن می باشد.

برای رفع این مشکل بهتر است که در پایان کلمه <http> در آدرس سایت یک حرف S که از کلمه Security به معنای امنیت است را اضافه کنید. از این طریق می توانید به این سایت ها دسترسی داشته باشید. سایت های دیگری که امکان دوست یابی را به شما می دهند عبارتند از:

<https://www.gaydar.co.uk>

<https://www.face-pic.com>

چنانچه سایت های دیگری را می شناسید از طریق این نشریه به دیگر دوستان خود معرفی نمایید.

نداشته باشید در صورت نیاز ما آن را ویرایش خواهیم کرد.

برای عضویت در این کانون می توانید در خواست خود را به آدرس [editor@pglo.org](mailto:editor@pglo.org) ارسال نمایید و با تکمیل فرم مخصوص کد خبرنگاری و یا نویسندگی این کانون را دریافت نمایید. شاپان ذکر است که این کد پس از ارسال اولین خبر و یا متن ارسال می گردد.

## تغییر نام سازمان، نظر شما چیست؟

همانطور که در شماره های قبل منتشر نمودیم دوستانی به نام سازمان و استفاده از کلمه پرشین ایراداتی وارد نمودند و آن را دلیلی بر دامن زدن به اختلافات قومی دانستند و هم چنین برخی از دوستان ایرانی ما با لهجه های مختلف نیز از این نام ناخرسند شده اند.

پیرو اطلاعیه قبلی سازمان همجنسگرایان ایرانی اولین دفتر رسمی خود را در کشور کانادا در شهر تورنتو بازگشایی خواهد نمود و به صورت مشهود تری فعالیت خواهد کرد و نیکو زمانی است که اصلاحاتی در سازمان انجام داده و ایرادات و کاستی هایی که تا به حال در آن بوده است را برطرف نماییم.

اولین موردی که مطرح است امکان تغییر نام سازمان از پرشین به ایرانی خواهد بود.

چنانچه با این پیشنهاد موافق هستید لطفا نظرات خود را برای ما ارسال نمایید و اگر پیشنهاد بهتری دارید خواهشمندیم از ما دریغ نفرمایید.

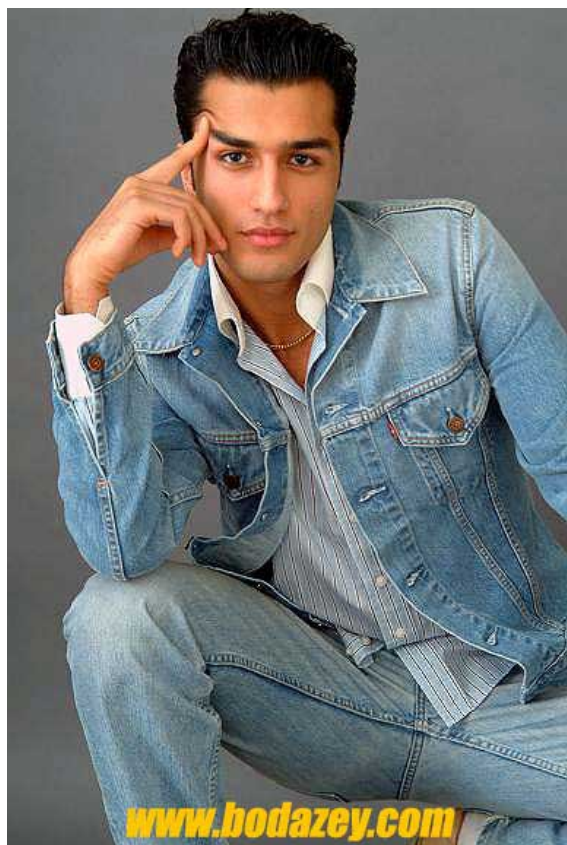


## خبرگزاری همجنسگرایان ایرانی

## دل بری

فربیا - اصفهان

من در انتظار متدها و مدل های شما هستم. لطفا برای مجله ارسال کنید.



معمولا گروه ها و جمعیت ها در اجتماع واحد خبرگزاری ویژه ای را اداره می نمایند و در راه اطلاع رسانی تلاش می کنند. به عنوان مثال خبرگزاری دانشجویان ایرانی با نام "ایسنا" متشکل از دانشجویانی از سرتاسر کشور است که در پی یافتن خبر و مخابره کردن و انتشار آن می باشند. اخبار انتشار یافته ی این خبرگزاری منحصر به دانشجویان نبوده و قسمت های مختلف اجتماعی، سیاسی، دانشجویی و ... را پشتیبانی می کنند.

ما به تمامی دوستان و عزیزان پیشنهاد می کنیم که ما همجنسگرایان نیز احتیاج به این واحد خبرگزاری داریم و می بایست اخبار و حوادث را منتشر نماییم. این خبرگزاری می تواند واحدهای مختلفی داشته باشد اما نیکوتر این است که به مسایل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... همجنسگرایان بپردازد. ظلم و ستم ها را مخابره کند. تجاوزها را محکوم کند و در کل اطلاعات صحیح و مستندی از این گونه اعمال برای سطوح بین المللی آماده سازد و این گونه نباشد که اخبار و رویدادها فردی باشد و در پس این اخبار گروهی تایید کننده بوده و آن خبر را پشتیبانی نمایند.

مشارکت در این واحد خبرگزاری می بایست توسط خود همجنسگرایان صورت پذیرد و مدیریت و کنترل شود. این کاری بسیار حساس بوده و بایستی با احساس مسولیت ویژه ای این کار انجام گردد.

چنان چه شما دوست عزیز این پیشنهاد و زمان انجام آن را مناسب می دانید لطفا نظرات و پیشنهادات خود را ارسال نمایید تا بررسی و اقدام شود.

شایان ذکر است که این خبرگزاری به صورت مستقل انجام خواهد پذیرفت و به سازمان همجنسگرایان ایرانی تعقل ندارد و سازمان نیز تنها یک عضو این خبرگزاری خواهد بود و مستقل اداره خواهد شد. سازمان تنها مطرح کننده این طرح و هماهنگ کننده آن تا زمان تشکیل خواهد بود و پس از آن توسط مدیران ویژه این خبرگزاری اداره خواهد شد.

لطفا نظرهای خود را به دبیر امور فرهنگی سازمان همجنسگرایان ایرانی جناب آقای پیام شیرازی به آدرس پست الکترونیکی [payam@pglo.org](mailto:payam@pglo.org) ارسال نمایید.

در انتظار خیرها و نظرات شما هستیم.



## شما با پیام و پیام با شما

با سلام

در آغاز از این که به ایمیل من جواب می دهید و با من احساس همدردی می کنید متشکرم. شما نسبت به من خیلی لطف دارید. عزیزان من فکر می کنم افسرده ام، البته این قضیه به نظر خودم به این علت هست که من احساس تنهایی می کنم و هیچ همدمی ندارم. همه چیز برای من سخت هست. از زمانی که به خانواده ام گفتم من دوست دارم با همجنس خودم سکس داشته باشم همه اش فشار خانواده روی دوشم حس می کنم و مدام با گوشه و کنایه با من حرف می زنند. باور کنید خسته شده ام و این را نیز بدانید من آدم سکسی نیستم اگر بودم همه اش توی روم و دنبال سکس بودم من معتقدم گی ها هم می توانند با عشق در کنار هم باشند و حداقل فقط به سکس فکر نکنند اما نمی دانم چرا اینجا اینطوری نیست من دوست دارم آزاد باشم نه آزادی کاذبی که مردم ایران برای خودشان به وجود آوردند آزادی فقط سکس نیست آزادی اینکه با کسی که عاشقت هستی به بیرون بروی و به همه بگویی که من چه کسی را دوست دارم و چه کسی را می خواهم. دوست دارم بگویم که من گی هستم و عاشق اینم که با شما باشم به طرف بگویی دوستش داری و دروغ نگویی و بدانی چون گی هستی دلیل ندارد که آدم خراب کار یا بد ذاتی باشی.

من می خواستم بگویم که دلم شکسته و خسته ام از مردمی که فقط به گفته های امثال خودشان گوش می دهند مردمی که نمی فهمند رابطه مرد با زن چه هست چطور می خواهند بفهمند که دو تا پسر باهم باشند. من ناراحتم از اینکه جوان هستم و با مردمی زندگی می کنم که معنی عشق دو همجنس را نمی فهمند. نمی فهمند اصلاً عشق چی هست.

من را ببخشید که این موضوعات را نوشتم، من که در تهران زندگی می کنم می بینم مردم نمی خواهند آزادی را درک کنند، آن ها را از آزادی ترسانده اند و به واهی قانع کرده اند. من می بینم طرف ماشین آخرین مدل دارد اما از آزادی هیچ نمی داند و مغزش واقعا و

آیین چراغ، خاموشی نیست!



متاسفانه تعطیل هست. از گی برای مردم می گوئیم، کسی که این افراد را یا ابنه ایی یا کونی می داند، مردمی که آزادی دارند و برای آزادیشان ارزش قائل نبودند و انقلاب کردند دیگر درست نمی شوند. من از این مردم خسته شده ام.

### مهرداد - تهران

سلام

ممنونم که این قدر متوجه هستید و مثل منجی به این ضعیف دل آسیب دیده توجه دارید. عزیزانم باور کنید که مطالب شما و برنامه های رادیو را در یاهو مسنجر در قسمت آسیا پخش می کنم و با اطلاعاتی که از شما دریافت می کنم با همه گفتمان می کنم. خیلی مطالبتان کامل هست و جای هیچ سوالی نمی گذارد اما خوب باید مرتب تغذیه شوم تا یک وقت در دفاع از خودمان کم نیاورم. می خواهم صدای رادیو را روی کاست بیاورم و در کانون فرهنگی پخش کنم. مطالبتان را در دنیا پخش می کنم.

دلم می خواهد که داستان زندگی ام را برایتان بفرستم که متوجه شوید به چه چیزهایی متوسل شده ام که خودم را شفا بدهم. چون من فکر می کردم که همجنسگرایی بیماری است و تمام زندگی خودم را صرف شفای خودم کردم اما بیماری نبود و پابرجا ماند. می خواهم برایتان کلی مطلب بفرستم. خیلی خوشحالم که شما را یافته ام. مزد زحماتم بودید.

### کیارش - اتریش



### تماس با نمایندگان سازمان

نماینده سازمان در آلمان

جناب آقای آندره

andre@pglo.org

نماینده سازمان در سوئیس

جناب آقای کیا احمدی

kia@pglo.org

نماینده سازمان در اتریش

جناب آقای کیارش رستم زاده

kiarash@pglo.org

نماینده سازمان در هلند

جناب آقای صبا راوی

saba@pglo.org

### تماس با مدیران سازمان

جناب آرین ورجاوندی

دبیر اول سازمان

pglo@pglo.org

سرکار خانم ترانه فروهر

دبیر دوم سازمان

pglo@lycos.com

جناب آقای آرشام پارسی

سخنگوی سازمان

دبیر کمیسیون حقوق بشر سازمان

hrc@pglo.org

جناب آقای پیام شیرازی

دبیر امور فرهنگی

سردبیر نشریه همجنسگرایان ایرانی - چراغ

editor@pglo.org

سرکار خانم آرزو صالحی

مدیریت صدای همجنسگرایان ایرانی

radio@pglo.org

سرکار خانم مهرناز خجسته

مدیریت سیمای همجنسگرایان ایرانی

tv@pglo.org

جناب آقای کیا احمدی

دبیر امور آموزشی

kia@pglo.org

جناب آقای پدram پارسا

دبیر امور اجتماعی

pedram@pglo.org

جناب آقای مانی

دبیر امور بهداشتی

mani@pglo.org